

بسم الله الرحمن الرحيم





# سبک زندگی اسلامی قرآنی

ویژه برنامه‌های قرآنی ماه مبارک رمضان ۱۴۰۰



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام



## سبک زندگی اسلامی قرآنی

ویژه برنامه‌های قرآنی ماه مبارک رمضان ۱۴۰۰

تهیه‌کننده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)  
به سفارش: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی - سیاسی  
مأمندگی ولی فقیه در سپاه

سیدرضی سیدنژاد	تهیه و تدوین:
محمد شیدینی پاشاکی	ناظر علمی:
حمید نگارش	ناظر نهایی:
علی حمیدی	ناظر سازمانی:
حسین قاسم‌حمزه	سرویراستار:
عبدالرحمن حیاتی اصل	ویرایش نهایی:

زمرم هدایت	ناشر:
روح‌الله جلالی	صفحه‌آرا:
ابراهیم اسماعیل‌زاده	ناظر چاپ:

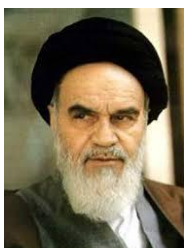
مرکز چاپ سپاه	چاپ:
رقعی	قطع:
اول / ۱۴۰۰	نوبت:
۲۴۰۰۰ تومان	قیمت:

آدرس: قم، خیابان شهیدان فاطمی، نبش کوچه ۳، پلاک ۸۱  
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۷۳۵ / همراه: ۰۲۵ ۲۵۳ ۲۸ ۸۷ / ۰۹۱۲

حقوق چاپ و نشر برای انتشارت زمرم هدایت  
محفوظ است.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ  
لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل: ۹۷).

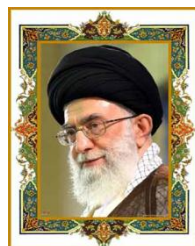
هر کس کار شایسته انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که  
مؤمن باشد، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آن‌ها را به  
بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.



بی‌شک، بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت  
هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است.  
اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را  
تشکیل می‌دهد ...

خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن  
فرهنگ آموزنده اسلامی ملی و انقلاب فرهنگی در تمام  
زمینه‌ها در سطح کشور آن چنان محتاج تلاش و کوشش  
است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید و  
با نفوذ عمیق ریشه‌دار غرب مبارزه کرد.

یکی از چیزهایی که باید حتماً به فضل الهی دنبال بشود،  
مسئله سبک زندگی اسلامی است؛ من می‌خواهم  
خواهش کنم که برادران عزیز در مطالعات خودشان، در  
پیگیری‌های خودشان روی مسئله سبک زندگی ائمه (ع) و  
سبک زندگی اسلامی کار کنند؛ اگر بخواهیم سبک زندگی  
را به صورت درست در مقابل موج جبهه دشمن به حالت  
اسلامی برگردانیم، راهش فرهنگ‌سازی است.





## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱۵
-------------	----

### فصل اول:

#### کلیات و چهارچوب نظری

گفتار اول: چیستی سبک زندگی .....	۲۱
۱-۱. تعریف سبک زندگی .....	۲۱
۲-۱. حوزه‌های سبک زندگی .....	۲۲
۱-۲-۱. حوزه ارتباط با خدا .....	۲۲
۲-۲-۱. حوزه ارتباط با خود .....	۲۳
۳-۲-۱. حوزه ارتباط با دیگران .....	۲۳
۴-۲-۱. حوزه ارتباط با محیط .....	۲۳
۳-۱. اهمیت و ضرورت سبک زندگی اسلامی .....	۲۴
۴-۱. پیشینه سبک زندگی .....	۲۵
۵-۱. ضرورت جهت‌گیری اسلامی سبک زندگی .....	۲۶
۶-۱. قراردادن سبک زندگی منطبق با قرآن .....	۲۷
۱-۶-۱. آیات قرآن کریم .....	۲۷
۲-۶-۱. روایات .....	۲۸
۳-۶-۱. بیان امام خامنه‌ای <small>دامت‌السلام</small> .....	۲۸
گفتار دوم: مبانی و اصول سبک زندگی اسلامی .....	۳۰
۱-۲. مبانی سبک زندگی اسلامی .....	۳۰



- ۳۰..... ۱-۲-۱. مفهوم مبانی  
۳۲..... ۱-۲-۲. خالقیت و ربوبیت الهی  
۳۸..... ۲-۲. اصول سبک زندگی

### فصل دوم:

#### سبک زندگی اسلامی در ارتباط با خدا

- ۴۳..... گفتار سوم: ساحت ارتباط با خدا  
۴۳..... ۱-۳. خداشناسی  
۴۴..... ۲-۳. خدا باوری (خدا حاضری و خدا ناظری)  
۴۵..... ۳-۳. خدا محوری  
۴۷..... گفتار چهارم: ارتباط با ولی  
۴۹..... ۱-۴. ولایت شناسی  
۵۱..... ۲-۴. ولایت باوری  
۵۲..... ۳-۴. ولایت مداری  
۵۴..... گفتار پنجم: عبادت  
۵۴..... ۱-۵. مفهوم عبادت  
۵۵..... ۲-۵. گونه های عبادت  
۵۵..... ۱-۲-۵. نماز  
۵۶..... ۲-۲-۵. روزه  
۵۷..... ۳-۲-۵. دعا  
۵۸..... ۴-۲-۵. انس با قرآن  
۶۰..... ۵-۲-۵. ذکر و استغفار  
۶۳..... گفتار ششم: اعتماد به خدا  
۶۳..... ۱-۶. اعتماد و وثوق به خدا  
۶۳..... ۲-۶. اعتماد به وعده های الهی  
۶۵..... ۳-۶. اعتماد به نصرت الهی و پیروزی



## فصل سوم:

### سبک زندگی در ارتباط با خود

- گفتار هفتم: ساحت ارتباط با خود ..... ۶۹
- ۱-۷. خودشناسی ..... ۶۹
- ۲-۷. خودسازی ..... ۷۱

## فصل چهارم:

### سبک زندگی اسلامی در ارتباط با خانواده

- گفتار هشتم: همسررداری ..... ۷۷
- ۱-۸. همسررداری ..... ۷۷
- ۲-۸. اصول همسررداری ..... ۷۸
- ۱-۲-۸. کاربرست تعالیم اسلامی ..... ۷۸
- ۲-۲-۸. اخلاق مداری ..... ۷۹
- ۳-۲-۸. عشق و محبت ..... ۷۹
- ۴-۲-۸. درک موقعیت و حمایت از همسر ..... ۸۱
- ۵-۲-۸. همیاری، سازگاری و تحمل مشکلات ..... ۸۲
- ۶-۲-۸. حسن معاشرت ..... ۸۳
- ۷-۲-۸. عفو و گذشت ..... ۸۴
- ۸-۲-۸. توجه به حقوق، نیازها و عواطف ..... ۸۴
- گفتار نهم: حقوق و اصول تعامل با فرزند ..... ۸۶
- ۱-۹. تربیت فرزند ..... ۸۶
- ۲-۹. تعلیم و آموزش ..... ۸۷
- ۳-۹. تکریم فرزندان ..... ۸۸
- ۴-۹. برگزیدن نام نیکو ..... ۸۸
- ۵-۹. تغذیه حلال ..... ۸۹
- ۶-۹. رعایت مساوات و عدالت میان فرزندان ..... ۹۰

- ۹-۷. فراهم کردن مقدمات ازدواج ..... ۹۰  
 ۹-۸. مهرورزی ..... ۹۰

### فصل پنجم:

### سبک زندگی اسلامی در ارتباط با سازمان

- گفتار دهم: کسب روزی حلال** ..... ۹۵  
 ۱۰-۱. روزی حلال ..... ۹۵  
 ۱۰-۲. پیامدهای حرام خواری ..... ۹۸  
 ۱۰-۱-۲. نپذیرفتن اعمال و عبادات ..... ۹۸  
 ۱۰-۲-۲. عدم استجابت دعا ..... ۹۹  
 ۱۰-۲-۳. شقاوت ابدی ..... ۱۰۰  
 ۱۰-۲-۴. قساوت قلب و عدم پذیرش حق ..... ۱۰۰  
 ۱۰-۲-۵. بی برکتی (مال - عمر) ..... ۱۰۱  
 ۱۰-۲-۶. تأثیر منفی در نسل ..... ۱۰۱  
 ۱۰-۲-۷. محروم شدن از شفاعت ..... ۱۰۲  
 ۱۰-۲-۸. ملعون خدا قرار گرفتن ..... ۱۰۲  
**گفتار یازدهم: اخوت و برادری** ..... ۱۰۳  
 ۱۱-۱. اخوت و برادری در آیینه آیات و روایات ..... ۱۰۳  
 ۱۱-۲. عوامل گسست اخوت و برادری ..... ۱۰۵  
 ۱۱-۲-۱. دروغ گویی ..... ۱۰۵  
 ۱۱-۲-۲. غیبت ..... ۱۰۵  
 ۱۱-۲-۳. تهمت ..... ۱۰۶  
 ۱۱-۲-۴. شوخی و استهزا ..... ۱۰۶  
 ۱۱-۲-۵. سعایت و سخن چینی ..... ۱۰۷  
 ۱۱-۲-۶. تجسس و عیب جوئی ..... ۱۰۸  
 ۱۱-۲-۷. سوءظن ..... ۱۰۸

گفتار دوازدهم: یاری‌رسانی در مشکلات (توجه و تفقد) .....	۱۱۳
گفتار سیزدهم: وجدان کاری .....	۱۱۵
۱-۱۳. مفهوم وجدان کاری .....	۱۱۵
۲-۱۳. وجدان کاری در آیات و روایات .....	۱۱۶
۳-۱۳. مصادیق و نمودهای وجدان کاری .....	۱۱۷
۴-۱۳. آثار و برکات .....	۱۱۸
۱-۴-۱۳. نجات و رهایی در روز قیامت .....	۱۱۸
۲-۴-۱۳. پیشرفت و جلوگیری از آسیب‌پذیری .....	۱۱۹
گفتار چهاردهم: روحیه و عمل جهادی .....	۱۲۰
۱-۱۴. تعریف روحیه جهادی .....	۱۲۰
۲-۱۴. روحیه جهادی در آموزه‌های دینی .....	۱۲۱
گفتار پانزدهم: الزامات و شاخصه‌های عمل جهادی و انقلابی .....	۱۲۴
۱-۱۵. تلاش همه‌جانبه و ایستادگی در مقابل دشمن .....	۱۲۴
۲-۱۵. اخلاص در عمل .....	۱۲۴
۳-۱۵. مبارزه دانستن کار و مأموریت .....	۱۲۵
۴-۱۵. خودباوری .....	۱۲۵
۵-۱۵. خستگی‌ناپذیری .....	۱۲۶
۶-۱۵. استفاده از همه ظرفیت .....	۱۲۶
۷-۱۵. اعتماد به جوانان .....	۱۲۷
۸-۱۵. داشتن انگیزه الهی و خدمت به دیگران (خودفراموشی) .....	۱۲۸
۹-۱۵. جوشندگی، خلاقیت و ابتکار .....	۱۲۸
۱۰-۱۵. استقامت داشتن .....	۱۲۹
گفتار شانزدهم: رشد و تعالی همه‌جانبه .....	۱۳۱
گفتار هفدهم: مردم‌داری .....	۱۳۳

### فصل ششم:

#### سبک زندگی اسلامی در ارتباط با حاکمیت

- گفتار هیجدهم: مردم و حکومت..... ۱۳۹
- ۱-۱۸. ارتباط با نظام و حاکمیت..... ۱۳۹
- ۱-۱۸. حضور در صحنه‌های اجتماعی با محوریت امام..... ۱۳۹
- ۱-۱۸. رعایت حقوق متقابل حاکم و مردم (بیعت - نصیحت - تبعیت)..... ۱۳۹
- ۱-۱۸. تبعیت از قوانین..... ۱۴۰
- ۱-۱۸. تلاش اقشار مردم برای پیشرفت نظام اسلامی در حوزه‌های مختلف..... ۱۴۰
- ۱-۱۸. تلاش برای حفظ نظام و امنیت..... ۱۴۰
- ۱-۱۸. مشارکت مردم در مسائل مختلف (بسیج)..... ۱۴۱
- ۱-۱۸. تبعیت از رهبری و حمایت از مسئولان..... ۱۴۱

### فصل هفتم:

#### سبک زندگی اسلامی در ارتباط با دشمن

- گفتار نوزدهم: رفتار با دشمن..... ۱۴۵
- ۱-۱۹. توطئه‌های دشمن..... ۱۴۵
- ۱-۱۹. راهکارهای مقابله با دشمن..... ۱۴۶
- ۱-۲-۱۹. شناخت دشمن..... ۱۴۶
- ۲-۲-۱۹. هوشیاری و بیداری..... ۱۴۷
- ۳-۲-۱۹. عدم مماشات و انعطاف (مقاومت)..... ۱۴۸
- ۴-۲-۱۹. عدم اعتماد به دشمن..... ۱۵۱
- ۵-۲-۱۹. دست کم نگرفتن دشمن..... ۱۵۱
- ۶-۲-۱۹. دوستی نکردن با دشمن..... ۱۵۱
- ۷-۲-۱۹. جهاد و مقابله با دشمن..... ۱۵۲
- ۸-۲-۱۹. کسب آمادگی در برابر دشمن..... ۱۵۳

۱۹-۲-۹. مجهز شدن به ابزار روز .....	۱۵۳
گفتار بیستم: راهکارهای تحقق سبک زندگی اسلامی .....	۱۵۶
۱-۲۰. تبیین صحیح، دادن بینش و آگاهی صحیح به مردم .....	۱۵۶
۲-۲۰. هویت‌سازی .....	۱۵۷
۳-۲۰. عادت‌سازی؛ انس پیدا کردن .....	۱۵۹
۱-۳-۲۰. مصادیقی از عادت‌های خوب در سخنان امام علی (ع) .....	۱۶۰
۴-۲۰. زمینه‌سازی .....	۱۶۳
۵-۲۰. الگوسازی .....	۱۶۳
۶-۲۰. جهت‌دهی سلايق و تغيير ذائقه‌ها .....	۱۶۴
۷-۲۰. کمک گرفتن از اصول و قواعد .....	۱۶۴
۸-۲۰. اصلاح و ایجاد تغییر در سبک زندگی موجود و مرسوم .....	۱۶۵
۹-۲۰. نظارت و ارزیابی مداوم، پایش مداوم .....	۱۶۵
کتابنامه .....	۱۶۷



## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در حالی به دهه پنجم حیات خود قدم نهاده است که امام خامنه‌ای داماد با صدر بیانیه‌ای با عنوان گام دوم انقلاب و ترسیم نقشه راه و مانیفست انقلاب اسلامی، خون جدیدی را به رگ‌های انقلاب اسلامی تزریق کرد. بیانیه گام دوم انقلاب تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را به آرمان بزرگش، که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) هست، نزدیک خواهد کرد.

صدور چنین بیانیه‌ای به قدری مؤثر بود که عصبانیت بدخواهان و دشمنان نظام اسلامی را برانگیخت و در همین مدت کوتاه، توانست با فروپاشیدن خط القای یأس و ترس دشمن، روح امید و نشاط را در ملت ایران و خصوصاً جوانان برای فتح قله‌های پیشرفت و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی زنده کند.

یکی از ویژگی‌های برجسته این بیانیه، جامعیت آن در ابعاد محتوایی و شکلی است؛ به طوری که، به جرئت می‌توان گفت هیچ موضوع و عنصر مهمی را مغفول نگذاشته است. از جمله مباحثی که در این سند مهم به آن اشاره شده است، سبک زندگی اسلامی است. امام خامنه‌ای داماد در بیانی کوتاه و درعین حال راهبردی می‌فرماید:



سخن لازم در این باره بسیار است، فقط به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زبان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به جوان‌هاست.<sup>۱</sup>

لحاظ این نکته و نیز توجه به اینکه موضوع سبک زندگی قبل از این نیز بارها مورد تأکید و اشاره فرماندهی معظم کل قوا بوده است و معظم‌له بیانات تفصیلی در این باره داشته‌اند و نیز باور به اینکه رهنمودها و فرمایشات ایشان برای اتحاد جامعه، به ویژه برای سپاه پاسداران طریقت دارد و نقشه راه تلقی می‌شود، معاونت عقیدتی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر آن داشت موضوع جلسات ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۰ را، به سبک زندگی اسلامی - قرآنی اختصاص دهد و با استفاده از ظرفیت پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، پرده‌نگاری را در این موضوع تهیه کند. گفتنی است از آنجا که پرداختن به تمام حوزه‌های سبک زندگی و نیز بیان شاخص‌ها و معرف‌های ساحت‌ها آن هم در قالب پرده‌نگار مقدور نبود، تلاش شد به صورت اجمالی، مباحثی از کلیات مباحث سبک زندگی (مفاهیم، اهمیت و ضرورت، مبانی و اصول ساحت‌ها و حوزه‌های سبک زندگی اسلامی) و نیز برخی از مهم‌ترین عناوین، شاخص‌ها و معرف‌های حوزه‌های سبک زندگی - که توسط کارشناسان معاونت عقیدتی نمایندگی ولی فقیه در سپاه گزینش شده است - در آن گنجانده شود و در اختیار مربیان و مخاطبان قرار گیرد. ثمره این تلاش متن پیش‌روست. اذعان داریم حق این موضوع با این گونه تلاش‌ها ادا

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (ع) در بیانۀ گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

نخواهد شد، اما امید است این تلاش اندک مرضی خدای سبحان و مورد توجه مولا و مقتدایمان حضرت ولی عصر امام زمان علیه السلام قرار گیرد و استادان و همکاران گرامی از آن بهره کافی و وافی را ببرند و ما را از دیدگاه‌هایشان بهره‌مند سازند.

در پایان لازم است از مساعدت و همراهی رئیس محترم پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، حجت الاسلام والمسلمین حمید نگارش، تدوین کننده متن حجت الاسلام سیدرضی سیدنژاد و اعضای هیئت اندیشه‌ورز (نعمت الله یوسفیان، محمد شبدینی، ابوالقاسم بخشیان، سیدقوام الدین حسینی) که در تهیه و تدوین این متن مشارکت داشته‌اند و نیز ناظر محترم علمی جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد شبدینی پاشاکی، که با نظارت علمی و توصیه‌های لازم به محتوای مباحث غنای هر چه بیشتری بخشیدند، تشکر و قدردانی گردد.

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام



فصل اول:

## کلیات و چهارچوب نظری

(چهارچوب سبک زندگی اسلامی، مبانی و اصول)



## گفتار اول

### چیستی سبک زندگی

#### ۱-۱. تعریف سبک زندگی

«سبک» در لغت به معنی «گداختن و قالب‌گیری کردن طلا و نقره» است و به مناسبت، «سبک» در معانی زیر نیز به کار رفته است: نوع، روش، شیوه و روش انجام چیزی، مد، عادت و رسوم. معنای اصطلاحی سبک عبارت است از نوع خاص و چگونگی و روش انجام کاری.<sup>۱</sup>

«زندگی»: این واژه در لغت مترادف واژه‌های زندگانی، معاش، حیات، است. سبک زندگی: شیوه‌هایی از زندگی که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در زندگی فردی و اجتماعی برای ارتباط با محیط و جامعه، پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به کار می‌گیرد.

مقام معظم رهبری رحمته‌الله سبک زندگی را به «رفتار اجتماعی و شیوه زیستن» تعریف کرده‌اند و برای سبک نمونه‌هایی را برشمردند: مسکن، ازدواج، الگوی مصرف، تفریح و اوقات فراغت، کسب و کار، رفتار محل کار، دانشگاه و مدرسه، فعالیت‌های سیاسی، ورزشی، رسانه، رفتار با خانواده، با دوست و دشمن و... .

---

۱. ر.ک. محمدشبدینی و همکاران، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، قم، زمزم

براین اساس، می‌توان گفت سبک زندگی اسلامی نوع و شیوه زندگی است که براساس نسخه‌های دین مبین اسلام طراحی و اجرا می‌شود. مفاهیمی که ارتباط تنگاتنگی با سبک زندگی دارند عبارت‌اند از: رفتار اجتماعی، فرهنگ زندگی، نرم‌افزار تمدن، متن زندگی، متن تمدن، عقل معاش و ... .

## ۲-۱. حوزه‌های سبک زندگی

در روایتی ناب از امام صادق علیه السلام حوزه‌های سبک زندگی در چهار سطح کلان مطرح شد است:

أَصُولُ الْمُعَامَلَاتِ تَقَعُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجِهٍ مُعَامَلَةُ اللَّهِ وَ مُعَامَلَةُ النَّفْسِ وَ مُعَامَلَةُ الْخَلْقِ وَ مُعَامَلَةُ الدُّنْيَا وَ كُلُّ وَجْهِ مِنْهَا مُنْقَسِمٌ عَلَى سَبْعَةِ أَزْكَانٍ.<sup>۱</sup>  
 کل معاملات دنیا واقع می‌شود بر چهار قسم: یکی، معامله خلاق است با خالق؛ دوم، معامله ایشان است با نفس خود؛ سوم، معامله خلاق است با یکدیگر؛ چهارم، معامله هر کدام است با دنیا؛ و هر کدام از این چهار قسم بر هفت رکن پایه‌گذاری شده است.

### ۱-۲-۱. حوزه ارتباط با خدا

أَصُولُ مُعَامَلَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَسَبْعَةُ أَشْيَاءَ آدَاءُ حَقِّهِ وَ حِفْظُ حُدِّهِ وَ شُكْرُ عَطَائِهِ وَ الرِّضَا بِقَضَائِهِ وَ الصَّبْرُ عَلَى بَلَائِهِ وَ تَعْظِيمُ حُرْمَتِهِ وَ الشُّوقُ إِلَيْهِ.<sup>۲</sup>  
 ارکان و اصول ارتباط با خداوند متعال عبارت‌اند از: ادا کردن حقوق خداوند، حفظ و مراقبت از حدودی که معین شده است، سپاسگزاری از نعمت‌ها و الطاف او، راضی شدن به قضا و تقدیر و حکم او، و صبر و شکیبایی در مقابل ابتلا و امتحان الهی، در

۱. جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، مصباح الشریعه، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ق، ص ۵.

۲. همان.



همه حال از او تجلیل و احترام و تعظیم نمودن (پاسداشت حرمت خداوند)، و اشتیاق برای رسیدن به خدا.

### ۱-۲-۲. حوزه ارتباط با خود

أُصُولُ مُعَامَلَةِ النَّفْسِ سَبْعَةٌ الْخَوْفُ وَالْجُهْدُ وَحَمْلُ الْأَذَى وَالرِّيَاضَةُ وَطَلَبُ الصَّدَقِ وَالْإِخْلَاصُ وَإِخْرَاجُهَا مِنْ مَحَبُوبِهَا وَرَبْطُهَا فِي الْفَقْرِ.<sup>۱</sup>

ارکان و اصول مهارت خود ارتباطی عبارت‌اند از: ترس از عقاب، تلاش برای خودسازی، تحمل اذیت‌ها و سختی‌ها، راستی همه جانبه، انجام همه کارها فقط برای خدا، اخراج غیر خدا از سرزمین دل، تنظیم همه امور با فهم عمیق دینی.

### ۱-۲-۳. حوزه ارتباط با دیگران

أُصُولُ مُعَامَلَةِ الْخَلْقِ سَبْعَةٌ الْجَلْمُ وَالْعَفْوُ وَالتَّوَاضُّعُ وَالسَّخَاءُ وَالشَّفَقَةُ وَالتُّضْعُ وَالْعَدْلُ وَالْإِنْصَافُ.<sup>۲</sup>

ارکان و اصول ارتباط با مردم عبارت‌اند از: بردباری، بخشش خطای دیگران، فروتنی، بخشندگی، مهربانی، ناصح و خیر خواه بودن، عدالت و انصاف.

### ۱-۲-۴. حوزه ارتباط با محیط

أُصُولُ مُعَامَلَةِ الدُّنْيَا سَبْعَةٌ الرِّضَا بِالذُّونِ وَالْإِثَارُ بِالْمَوْجُودِ وَتَرْكُ طَلَبِ الْمُنْقُودِ وَبُغْضُ الْكَثْرَةِ وَاخْتِيَارُ الزُّهْدِ وَمَعْرِفَةُ أَفَاتِهَا وَرَفْضُ شَهْوَاتِهَا مَعَ رَفْضِ الرِّئَاسَةِ.<sup>۳</sup>

---

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

ارکان و اصول ارتباط با دنیا و طبیعت عبارت‌اند از: کم‌خواهی و راضی بودن به امکانات، تقسیم هر نوع دارایی با دیگران، دنبال نبوده‌ها نگشتن، دوری از زیاده‌خواهی، بی‌رغبتی به دنیا، آسیب‌شناسی صفات پسندیدهٔ قلبی، دوری از شهوات با فرار از جاه‌طلبی.

### ۱-۳. اهمیت و ضرورت سبک زندگی اسلامی

امام خامنه‌ای (علیه السلام) در بیانیهٔ گام دوم انقلاب می‌فرماید:

سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است. مقابله با آن جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌هاست.<sup>۱</sup> معظم له در بیان اهمیت سبک زندگی از آن به‌عنوان بخش حقیقی تمدن اسلامی یاد می‌کنند و می‌فرمایند:

هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این تمدن نوین دو بخش دارد: بخش ابزاری (یا سخت افزاری) که عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این‌ها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. بخش حقیقی (یا نرم‌افزاری) چیزهایی

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (علیه السلام) در بیانیهٔ گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.

است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است. می‌توان این بخش را به منزله بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را، بخش‌های سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ ... اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته، در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟ بعد از آنکه علت‌ها را پیدا کردیم، آن وقت بپردازیم به اینکه چگونه می‌توانیم این‌ها را علاج کنیم.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱. پیشینه سبک زندگی

گرچه سنت‌ها، سیره‌ها و کتاب‌های نوشته‌شده از صدر اسلام تاکنون سبک زندگی اسلامی را ارائه کرده‌اند و به عبارت دیگر، اسلام در دوران جاهلی سبک زندگی جدیدی را به عالم معرفی نمود، سبک زندگی به معنای امروزی، مفهومی است که آدلر آن را ابداع کرد و پیروان کلاسیک او و دیگران به تفصیل آن پرداختند. او سبک زندگی را شیوه‌ای به نسبت ثابت می‌داند که فرد هدف‌های خود را از آن راه دنبال می‌کند؛ به بیان دیگر، به نظر او سبک زندگی راهی برای رسیدن به اهداف انسان است.

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار با جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

## ۵-۱. ضرورت جهت گیری اسلامی سبک زندگی

بهترین سبک زندگی آن است که برخاسته از هویت اسلامی به همراه هویت ملی و بومی ما باشد. امام خامنه‌ای علیه السلام می‌فرماید:

ملت ایران، در بینش نظام سیاسی‌ای که امام بزرگوار در این کشور برقرار کرد، نیازی ندارد که روش‌های زندگی خود را از دیگران تقلید کند و یاد بگیرد؛ زیرا دارای فرهنگ غنی و عمیقی است. اسلام را دارد، آموزش‌های قرآنی را دارد، دستورات الهی را دارد، سنت‌های اصیل ملی و بومی خود را دارد و می‌تواند یک زندگی شیرین، زیبا، باشکوه، مرفه و همراه با عزت را برای خود ترتیب دهد.<sup>۱</sup>

قرآن کریم در آیات متعددی افراد را به پیروی از دستورهای و روش‌های اسلامی دعوت کرده است:

«وَلَا تَتَّبِعُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (هود: ۱۱۳)؛ و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد؛ و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید! - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره: ۱۰۴)؛ ای افراد باایمان! نگویید: «راعنا»؛ بلکه بگویید: «انظرنا». (زیرا کلمه اول، هم به معنی «ما را مهلت بده!»، و هم به معنی «ما را تحمیق کن!» می‌باشد؛ و دستاویزی برای دشمنان است.) و (آنچه به شما دستور داده می‌شود) بشنوید! و برای کافران (و استهزاکنندگان) عذاب دردناکی است. - «فَلَا تُطِيعُوا الْكَاغِبِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِجِهَادٍ كَبِيرٍ» (فرقان: ۵۲)؛ از کافران اطاعت مکن، و به وسیله آن [قرآن] با آنان جهاد بزرگی بنما.»

۱. بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در مراسم هشتمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۴/۳/۱۳۷۶.

## ۱-۶. قراردادن سبک زندگی منطبق با قرآن

### ۱-۶-۱. آیات قرآن کریم

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (اسراء: ۹)؛ این قرآن به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برای آن‌ها پاداش بزرگی است.»

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب: ۲۱)؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

«وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (آل عمران: ۱۰۱)؛ و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست هدایت شده است.»

«وَالَّذِينَ يَمَسُكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ (اعراف: ۱۷۰)؛ و آن‌ها که به کتاب (خدا) تمسک جویند، و نماز را برپا دارند، (پاداش بزرگی خواهند داشت؛ زیرا) ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد!»

«كَتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (ابراهیم: ۱)؛ (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکی‌ها (ی شرک و ظلم و جهل)، به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی)، به فرمان پروردگارشان درآوری، به سوی راه خداوند عزیز و حمید.»

«وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (انعام: ۱۱۶)؛ اگر از بیشتر کسانی که در روی زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند؛ (زیرا) آن‌ها تنها از گمان پیروی می‌نمایند و تخمین و حدس (واهی) می‌زنند.»

## ۱-۶-۲. روایات

رسول خدا ﷺ می فرماید:

لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَغْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَغْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ  
أَغْدَائِي فَتَكُونُوا أَغْدَائِي كَمَا هُمْ أَغْدَائِي.<sup>۱</sup>

لباس دشمنان مرا به تن نکنید و طعام دشمنان مرا نخورید و راه  
دشمنان مرا نپیمایید؛ زیرا در این صورت جزو دشمنان من محسوب  
می شوید، چنان که آنان دشمنان من هستند.

## ۱-۶-۳. بیان امام خامنه‌ای دامنه‌السلامه

جامعهٔ مسلمان ما تا قبل از سال‌های پیروزی انقلاب، با اینکه علاقه‌مند به قرآن  
بود، عاشق قرآن بود، اما مأنوس با قرآن نبود. این هم از برکات انقلاب است که  
جوان‌های ما، صاحبان صوت و ذوق و هنر تلاوت و استعداد و آمادگی برای  
فراگیری، بحمدالله در این میدان وارد شدند و پیشرفت کردند، ولی این‌ها  
مقدمه است؛ مقدمه برای فهم قرآن و تخلّق به اخلاق قرآن. یک مسئله، مسئله  
احترام ظاهری و پاسداشتن از حرمت قرآن است به معنای الفاظ قرآن، اصوات  
قرآنی؛ این در جای خود چیز محترم و مهمی است. مسئلهٔ بالاتر، تخلّق به  
اخلاق قرآنی است؛ سبک زندگی را منطبق با قرآن قرار دادن.<sup>۲</sup>

یکی از عیوب ما و جوامع ما در طول زمان این بوده است که گاهی فرهنگ  
خود را متأثر می‌کردیم از فرهنگ بیگانگان. کسانی این را در میان جامعه‌ی ما و  
کشور ما به عمد ترویج کردند؛ ما را سوق دادند به سمت زندگی کسانی که دل و  
جان‌شان خالی بود از نور معنویت؛ در سبک زندگی، در کیفیت پوشش، در

۱. محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۸۵.

۲. بیانات امام خامنه‌ای دامنه‌السلامه در محفل انس با قرآن، ۱۳۹۲/۴/۱۹.

کیفیت راه رفتن، در کیفیت معاشرت‌ها و ارتباطات اجتماعی. اگر هم کسی به آن‌ها اعتراض کرد، گفتند که دنیا امروز این‌طوری است؛ درحالی‌که، قرآن به ما می‌آموزد: «وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» (انعام: ۱۱۶).<sup>۱</sup>



## گفتار دوم

### مبانی و اصول سبک زندگی اسلامی

#### ۱-۲. مبانی سبک زندگی اسلامی

##### ۱-۱-۲. مفهوم مبانی

«مبانی» مفاهیم برگرفته از منابع اصلی هر علم هستند که بدون وجود آن مفاهیم، علم مذکور کامل نخواهد شد؛ به تعبیر دیگر، «مبانی» زیربنای هر علمی است و اصول و اهداف براساس آن تعریف می‌شوند.

منظور از «مبانی» جهان‌بینی و نگرش‌هایی است که زیربنای سبک زندگی اسلامی شمرده می‌شود؛ به عبارت دیگر، در مبانی «هست‌ها» و «نیست‌هایی» بررسی می‌شود که مبنای اصولی حاکم بر سبک زندگی است.

بین سبک زندگی اسلامی و غربی تضاد جدی است که این تضاد ریشه در مبانی دارد. روشن است مبانی اعتقادی که از عقل، وحی و متون دین سرچشمه می‌گیرد، نمی‌تواند با عقیده‌ای که در تجربه و عقل ابزاری ریشه دارد، یکسان باشد. پس، تفاوت‌های موجود در نوع نگرش و برداشت‌های صاحب‌نظران درباره سبک زندگی اغلب به اختلاف در مبانی و ایده‌ئولوژی برمی‌گردد. جهان‌بینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه و سودمحورانه، به طبع سبک زندگی خاص را پدید می‌آورند؛ همان‌طور که، جهان‌بینی الهی و

ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه، سبک خاصی از زندگی را شکل می‌دهند.

برخی از این تفاوت‌ها عبارت‌اند از:

- غرب در سبک زندگی، مقوله لذت را مبنا قرار می‌دهد و اسلام تقرب به خداوند را اساس قرار می‌دهد؛

- از نگاه غرب، تمام هستی در جهان مادی و طبیعی خلاصه شده است که هیچ آفریننده‌ای دارای شعور و ادراک، خارج از عالم ماده وجود ندارد و هرچه هست در همین عالم ماده است و چیزی به نام ماورای طبیعت و خداوند و عالم دیگر (قیامت و رستاخیز) معنا ندارد؛

- از نگاه غرب، انسان محور و مدار آفرینش است. درواقع، هسته مرکزی همه نظام‌های فلسفی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی انسان است (انسان‌محوری به جای خدامحوری).

- از نگاه غرب، وجود انسان در وجود مادی او خلاصه می‌شود که با مرگ از بین می‌رود یا به اجزای مادی دیگر تبدیل می‌شود؛

- از نگاه غرب، هدف از زندگی انسان کسب لذات مادی است و این انسان بایستی بتواند از زندگی مادی و دنیوی خود بیشترین لذت را ببرد؛

- از نگاه غرب، مطلوب نهایی انسان زندگی اقتصادی و کسب رفاه و سود بیشتر است؛ بنابراین، اقتصاد دانش پایه می‌شود و عرصه‌های دیگر از جمله خانواده، نظام تعلیم و تربیت، فرهنگ، سیاست و... زیرمجموعه اقتصاد قرار می‌گیرد؛

- از نگاه غرب جامعه وجود حقیقی ندارد و درحقیقت، جمع جبری افراد است. اساس زندگی انسان فرد انگاری است.

(الف) مبانی سبک زندگی اسلامی: مهم‌ترین مبانی سبک زندگی اسلامی عبارت‌اند از:

## ۲-۱. خالقیت و ربوبیت الهی

خدای متعال خالق و مربی انسان است؛ ازاین‌رو، روش زندگی انسان باید براساس تربیت الهی باشد. ازسوی دیگر، انسان باورمند به دین چون مبدأ وجودی خود را خالق قادر متعال می‌داند، نمی‌تواند آن مبدأ پیدایش خویش را لحظه‌ای نادیده انگارد و در بحث سبک زندگی، مستقل از مبدأ فاعلی خود (خداوند) عمل کند.

«ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ تُؤَفَّكُونَ (غافر: ۶۲)؛ این است خداوند، پروردگار شما که آفریننده همه چیز است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ با این حال، چگونه از راه حق منحرف می‌شوید؟! «وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَاتَىٰ يُؤَفَّكُونَ (عنکبوت: ۶۱)؛ و هرگاه از آنان بپرسی: "چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده، و خورشید و ماه را مسخر کرده است؟" می‌گویند: "الله!" پس با این حال چگونه آنان را (از عبادت خدا) منحرف می‌سازند؟»

رسول‌الله ﷺ: «أَدَبُنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي»<sup>۱</sup> مرا خداوند تربیت کرد و نیکو تربیت‌م کرد.»

رسول‌الله ﷺ: «أَنَا أَدِيبُ اللَّهِ وَ عَلَىٰ أَدِيبِي»<sup>۲</sup> من تربیت شده خدایم و علی تربیت شده من.»

امام علی علیه السلام: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ هُوَ أَدَبُنِي، وَ أَنَا أُؤَدِّبُ

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۴۱۰.

۲. همان، ص ۲۳۱.

المؤمنين، وَأُورِثُ الْأَدَبَ الْمُكْرَمِينَ؛<sup>۱</sup> پیامبر خدا ﷺ را خداوند تربیت کرد و او مرا و من مؤمنان را تربیت می‌کنم و برای بزرگواران، ادب به ارث می‌گذارم.»

ب) اختیار انسان: انسان با اختیار خودش سبک اسلامی زندگی را انتخاب می‌کند که محکم‌ترین تکیه دستگیره هست: «العروة الوثقی».

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (انسان. ۳)؛ ما راه را به انسان نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!»

«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ (کهف: ۲۹)؛ بگو، این حق است از سوی پروردگارتان! هرکس می‌خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود) و هرکس می‌خواهد کافر گردد.»

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره: ۲۵۶)؛ در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابراین، کسی که به طاغوت [بت و شیطان، و هر موجود طغیانگر] کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست و خداوند شنوا و داناست.»

پ) مسئولیت‌پذیری انسان: انسان‌ها در برابر سبک زندگی که در پیش می‌گیرند در پیشگاه الهی مسئول هستند:

«فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْتَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ (اعراف: ۶)؛ به یقین، (هم) از کسانی که پیامبران به سوی آن‌ها فرستاده شدند سؤال خواهیم کرد؛ (و هم) از پیامبران سؤال می‌کنیم!»

«وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ (صافات: ۲۴)؛ آن‌ها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند!»

«فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (حجر: ۹۲ و ۹۳)؛ به پروردگارت سوگند، (در قیامت) از همه آنها خواهیم پرسید، از آنچه عمل می‌کردند.»

ت) وجود برنامه زندگی به نام دین: دین اسلام کامل‌ترین و مطلوب‌ترین نظامی است که به همه نیازهای بشر توجه داشته و برای همه ابعاد زندگی انسان برنامه و قانون وضع کرده است.

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹)؛ دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است.»

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران: ۸۵)؛ و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است.»

«فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۳۸)؛ هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین شوند.»

رسول خدا ﷺ: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ - وَاللَّهِ - مَا مِنْ شَيْءٍ يَقْرُبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يَبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ، وَ مَا مِنْ شَيْءٍ يَقْرُبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَ يَبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ؛<sup>۱</sup> هیچ چیزی نبود که شما را به بهشت نزدیک کند و از جهنم دورتان کند مگر اینکه من به شما امر کردم که آن را انجام دهید و آنچه شما را به جهنم نزدیک می‌کرد و از بهشت دورتان می‌نمود از آن نهی‌تان کردم.»

امام علی علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْزَلَ كِتَابًا هَادِيًا بَيْنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ فَخُذُوا نَهَجَ

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۴.

الْخَيْرِ تَهْتَدُوا وَاصْبِرُوا عَنْ سَمَةِ الشَّرِّ تَقْصِدُوا الْفَرَايِضَ أَذْوَها إِلَى اللَّهِ تُؤَدِّكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ؛<sup>۱</sup> خدای سبحان، کتابی هدایت کننده نازل کرد و در آن نیکی‌ها و بدی‌ها را بیان فرمود. پس، به راه نیکی روید تا هدایت شوید و از بدی اعراض کنید تا به راه راست افتید. بر شما باد به واجبات. آن‌ها را برای خدای به جای آرید تا شما را به بهشت برد.

امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَ رَسُولًا وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ كِتَابًا وَأَنْزَلَ فِي الْكِتَابِ كُلِّ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ؛<sup>۲</sup> خداوند پیامبر را فرستاد و بر او کتاب و قرآن نازل کرد و تمام مسائلی که مورد نیاز بشر بود در قرآن جای داد.»

امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَبَيَّنَّ لِرَسُولِهِ وَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَجَعَلَ عَلَيْهِ دَلِيلًا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَجَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ حَدًّا؛<sup>۳</sup> خداوند متعال فروگذار نکرده است چیزی را که امت بدان نیاز دارند، مگر اینکه در کتابش و برای پیامبرش بیان نموده و برای هر چیزی حدی معین کرده و بر آن نیز دلیلی قرار داده و بر هرکسی که از آن حد تجاوز کند مجازاتی مقرر داشته است.»

ث) معادباوری و حیات اخروی: سعادت و جهان اخروی در گروه عمل به سبک زندگی اسلامی است.

«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ (آل عمران: ۳۰)؛ روزی که

---

۱. محمدبن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۶۷.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۷، ص ۱۷۵.

۳. همان، ج ۱، ص ۵۹.

هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده حاضر می‌بیند و آرزو می‌کند میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده فاصله زمانی زیادی باشد. خداوند شما را از (نافرمانی) خودش بر حذر می‌دارد و (در عین حال)، خدا نسبت به همه بندگان، مهربان است.»

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (زلزله: ۷-۸)؛

پس هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد آن را می‌بیند! و هرکس هم‌وزن ذره‌ای کار بد کرده آن را می‌بیند.»

«وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (مؤمنون: ۶۰)؛ و

آن‌ها که نهایت کوشش را در انجام طاعات به خرج می‌دهند و باین حال، دل‌هایشان هراسناک است از اینکه سرانجام به‌سوی پروردگارشان باز می‌گردند.»

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (انشقاق: ۶)؛ ای انسان،

حقاً که تو به سوی پروردگارت به‌سختی، در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد.»

«إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ (حاقة: ۲۰)؛ من یقین داشتم که (قیامتی در

کار است و) به حساب اعمالم می‌رسم!»

ج) رضایت الهی: براساس سبک زندگی الهی رفتار کنیم خداوند راضی

می‌شود:

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَىٰ

النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (مائده: ۱۶).

خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به

راه‌های سلامت، هدایت می‌کند و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به

سوی روشنایی می‌برد و آن‌ها را به سوی راه راست رهبری می‌نماید.

در حدیث معراج آمده است:

يَا أَحْمَدُ... مَنْ عَمِلَ بِرِضَايَ أُلْزِمَهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ أَعْرِفُهُ شُكْرًا لَا يَخَالِطُهُ  
الْجَهْلُ وَ ذِكْرًا لَا يَخَالِطُهُ النَّسيَانُ وَ مَحَبَّةً لَا يُوْثِرُ عَلَيَّ مَحَبَّتِي مَحَبَّةَ  
الْمَخْلُوقِينَ.<sup>۱</sup>

ای احمد! هرکه برای خشنودی من عمل کند، سه خصلت را با او همراه کنم: شکری را به او بشناسانم که با جهل آمیخته نباشد، و ذکرى را که با فراموشی نیامیخته باشد، و محبتى را که محبت مخلوقات را بر محبت من ترجیح ندهد.

چ) تاسى به اسوه: راه رسیدن به سبک زندگی اسلامى، پیروى از روش زندگى پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ هست.

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ  
وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب: ۲۱).

مسلماناً برای شما در زندگى رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد مى کنند.

امام على ﷺ مى فرماید:

أَنْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزَمُوا سَمَتَهُمْ وَ اتَّبِعُوا آثَرَهُمْ فَلَنْ يَخْرِجُوكُمْ مِنْ  
هُدًى وَ لَنْ يَعِيدُوكُمْ فِي رَدًى فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبَدُوا وَ إِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا وَ لَا  
تَسْبِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا وَ لَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا...<sup>۲</sup>

مردم به اهل بیت پیامبرتان بنگرید و از آن سو که گام برمی دارند

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷، ص ۲۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۷.



بروید و قدم جای قدمشان بگذارید. آن‌ها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاکت باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر قیام کردند قیام کنید. از آن‌ها پیش نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان عقب نمانید که نابود می‌گردید.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

فَتَأْسَ بِبَنِيكِ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ عليه السلام فَإِنَّ فِيهِ أَسْوَةَ لِمَنْ تَأْسَى، وَ عَزَاءَ لِمَنْ تَعَزَّى.<sup>۱</sup>  
به پیامبر پاک و پاکیزه‌ات صلی الله علیه و آله اقتدا کن؛ زیرا آن حضرت برای کسی که خواهان پیروی از کسی باشد، سرمشق است و برای کسی که بخواهد به کسی منتسب باشد، بهترین می‌باشد.

امام عصر علیه السلام: «وَلِي فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ أَسْوَةَ حَسَنَةً»<sup>۲</sup> در دختر رسول خدا (فاطمه) برای من سرمشقی نیکو است.»

## ۲-۲. اصول سبک زندگی

اصل در لغت به معنای ریشه، پایه، اساس و مبدأ است و در اصطلاح، بایدها و نبایدها را گویند که راهنمای عمل برای رسیدن از مبانی به اهداف است. براین اساس، «اصول» به قواعد حاکم و بایدها و نبایدهای سبک زندگی اسلامی که برگرفته از مبانی می‌باشد، گفته می‌شود و راهنمای عمل قرار می‌گیرد و انسان را در رسیدن به هدف یاری می‌رساند. باتوجه به مبانی براساس آیات و روایات مهم‌ترین اصول سبک زندگی اسلامی عبارت‌اند از:

۱. همان، خطبه ۱۶۰.

۲. عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، تصحیح محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، مؤسسة الإمام المهدی علیه السلام، ۱۳۸۲، ج ۱۱، ص ۲۸.

- اصل انحصار حاکمیت خدا و اطاعت از او؛
- اصل ولایت محوری؛
- اصل تولی و تبری؛
- اصل جامع‌نگری در اسلام و هم‌گرایی؛
- اصل عدالت محوری؛
- اصل عمل جهادی و انقلابی (تلاش و کوشش)؛
- اصل مواسات و برادری دینی (روحیه اخوت و برادری)؛
- اصل نفی سییل؛
- اصل تکلیف‌گرایی.



فصل دوم:

## سبک زندگی اسلامی در ارتباط با خدا

(ارتباط با خدا، ارتباط با ولی، عبادت، اعتماد به خدا)



## گفتار سوم ساحت ارتباط با خدا

### ۳-۱. خداشناسی

«فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ (محمد: ۱۹)؛ پس، بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست؛ و برای گناه خویش آمرزش جوی؛ و برای مردان و زنان با ایمان [طلب مغفرت کن]؛ و خداست که فرجام و مآل [هر یک از] شما را می‌داند.»

«ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَى تُؤَفَّكَونَ (غافر: ۶۲)؛ این است خداوند پروردگار شما که آفریننده همه چیز است. هیچ خدایی جز او نیست؛ باین حال، چگونه [از راه حق] منحرف می‌شوید.»

«لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (طلاق: ۱۲)؛ بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست، و به‌راستی، دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است.»

امام علی علیه السلام: «أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ؛<sup>۱</sup> سرآغاز دین شناخت خداست.»  
امام علی علیه السلام: «مَعْرِفَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْلَى الْمَعَارِفِ؛<sup>۲</sup> شناخت خداوند سبحان بالاترین شناخت‌هاست.»

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۱۲.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ يَرَاهُ وَيَسْمَعُ مَا يَقُولُ وَيَعْلَمُ مَا يَعْمَلُهُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ  
فَيُخْرِجُهُ ذَلِكَ عَنِ الْقَبِيحِ مِنَ الْأَعْمَالِ فَذَلِكَ الَّذِي خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى  
النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ.<sup>۱</sup>

کسی که می داند خدا او را می بیند و آنچه می گوید می شنود و آنچه را  
از خیر و شر انجام می دهد می داند و این توجه او را از اعمال قبیح  
بازمی دارد، این کسی است که از مقام پروردگارش خائف است و خود  
را از هوای نفس بازداشته است.

### ۳-۲. خدا باوری (خدا حاضری و خدا ناظری)

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ  
فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ  
غَفُورٌ رَحِيمٌ (حجرات: ۱۷).

[برخی از] بادیه نشینان گفتند: «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان  
نیارده اید، لیکن بگویید: اسلام آوردیم.» و هنوز در دل های شما  
ایمان داخل نشده است؛ و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید از  
[ارزش] کرده هایتان چیزی کم نمی کند. خدا آمرزنده مهربان است.  
«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ  
إِيمَاناً وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (انفال: ۲)؛ مؤمنان همان کسانی اند که چون خدا یاد  
شود دل هایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید،  
و بر پروردگار خود توکل می کنند.»

۱. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۷۰.

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ (نور: ۶۲)؛ مؤمنان کسانی اند که به خدا و پیامبرش گرویده‌اند.»

«أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (علق: ۱۴)؛ آیا او ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می‌بیند؟!»

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا (نساء: ۱)؛ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید!... زیرا خداوند مراقب شماست.»

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (يونس: ۶۱).

در هیچ حال (و اندیشه‌ای) نیستی، و هیچ قسمتی از قرآن را تلاوت نمی‌کنی، و هیچ عملی را انجام نمی‌دهی، مگر اینکه ما گواه بر شما هستیم در آن هنگام که وارد آن می‌شوید! و هیچ چیز در زمین و آسمان از پروردگار تو مخفی نمی‌ماند؛ حتی به اندازه سنگینی ذره‌ای، و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر، مگر اینکه (همه آن‌ها) در کتاب آشکار (و لوح محفوظ علم خداوند) ثبت است.

### ۳-۳. خدامحوری

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات: ۵۶)؛ من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).»  
«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر [اوصیای پیامبر] را!»



«قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام: ۱۶۲)؛  
بگو: نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار  
جهانیان است.»

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت: ۶۹)؛  
و آن‌ها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود،  
هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است.»

«إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا  
وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (نور: ۵۱)؛ گفتار مؤمنان وقتی به سوی خدا و  
پیامبرش خوانده شوند تا میانشان داوری کند تنها این است که می‌گویند شنیدیم  
و اطاعت کردیم و اینانند که رستگارند.»

امام باقر (علیه السلام): «مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ أَحَبَّنَا فَهُوَ وَلِينَا وَمَنْ عَصَى اللَّهَ لَمْ يَنْفَعَهُ حُبُّنَا؛  
هرکس خدا را فرمان برد و ما را دوست بدارد، همو دوست ماست، و هرکس  
خدا را نافرمانی کند محبت ما سودش نرساند.»

خداوند تعالی در حدیث قدسی می‌فرماید: «عبدی اطعنی حتی اجعلک  
مثلی فإني اقول كن فيكون، فانت تقول كن فيكون؛<sup>۱</sup> ای بنده من مرا اطاعت کن  
تا تو را مانند خود قرار دهم؛ همان‌طورکه، من می‌گویم باش، پس موجود  
می‌شود، تو نیز بگویی بشو، پس موجود شود.»

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۸، ص ۱۷۹.

۲. همان، ج ۱۰۲، ص ۱۶۵.

## گفتار چهارم ارتباط با ولی

در سبک زندگی اسلامی این مؤلفه نقش اساسی و بنیادی دارد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ وَ أَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَّ...<sup>۱</sup>

دین اسلام بر پنج چیز بنا شده است، نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. زرارہ می‌گوید: «پرسیدم: کدامیک از این‌ها بالاتر است؟» فرمود: «ولایت، زیرا ولایت کلید آن‌هاست، و ولی راهنمون مردم است به برپاداری آن‌ها.»

تعبیر «والی» و بیان این امر مهم دینی و اجتماعی و سیاسی که والی، راهنمون مردم است به برپاداری چهار رکن دیگر، می‌رساند که مقصود از آن، حاکم و سیاستمدار و مدیر اجتماعی و مربی انسانی است که مردمان را با راه‌های مناسب (از نظر تعلیم و تربیت و ارشاد و هدایت) به اقامهٔ ارکان دیگر دین سوق می‌دهد.

---

۱. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۱۸.

امام صادق علیه السلام در خطبه‌ای درباره امامت و ولایت می‌فرماید: «جَعَلَهُمُ اللَّهُ حَيَاةً لِلْأَنَامِ»<sup>۱</sup> خداوند آنان را مایه زندگی و حیات عموم قرار داده است؛ و اینکه ایشان مایه حیات هستند، به بعضی از مردم اختصاص ندارد؛ زیرا به حکومت رسیدن آنان، برای توده‌های مردم، همه مایه حیات و زندگی راستین است و دلیل آن نیز تعبیر به لفظ «انام خلق، مردمان» است.

امام رضا علیه السلام برای روشنگری در این باره چنین می‌فرماید:

امامت کامل‌کننده دین است<sup>۲</sup>... امامت ریشه‌بالنده اسلام و بلندترین شاخه آن است. با امام، نماز، زکات، روزه، حج و جهاد به کمال می‌رسد، اموال عمومی (غنائیم، زکات) افزایش می‌یابد، احکام و حدود اجرا می‌گردد و از هجوم دشمنان جلوگیری می‌شود. امام، حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌کند، حدود الهی را برپا می‌دارد و از دین خدا پاسداری می‌کند... امام، مانند آب گواراست در حال تشنگی...، پدری مهربان است و چنان مادری دلسوز است برای فرزند خردسال خویش و آشکار است...<sup>۳</sup>

بنابراین، امامت و ولایت بنیاد و اساس دین است و ریشه همه فضیلت‌های دینی به آن بازمی‌گردد؛ به همین دلیل، دین بدون ولایت و امامت مانند میوه بدون مغز و پوچ است. به نظر می‌رسد مسئله عمده در ولایت و امامت این است که انسان خود را در انجام فرمان‌های امام و ولی غرق نماید و چنان راه

۱. همان، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲. همان، ص ۱۹۹.

۳. محمدرضا حکیمی، الحیة، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۲۸۰.

زندگی خود را با ولی تنظیم کند که همه کارهای او مورد رضایت امام قرار گیرد و به این وسیله، بتواند به ولایت مدار تمام عیار در عرصه دین و جامعه تبدیل شود. مهم ترین شاخص های ارتباط با ولی عبارت اند:

#### ۴-۱. ولایت شناسی

ولایت شناسی یکی از تکالیف بزرگ و مهم اسلامی است. براساس این وظیفه شرعی و مسئولیت بزرگ دینی، هر مسلمانی وظیفه دارد پس از معرفت خدای متعال، ولی امام، رهبر دینی و آسمانی خویش را بشناسد. آنچه از مضمون آیات، احادیث و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام به دست می آید، تأکید و توجه بر ضرورت شناخت و معرفت هرچه بیشتر و کامل تر ولی است.

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا  
أُولَئِكَ لَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ  
النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره: ۲۵۷).

خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند؛ آن ها را از ظلمت ها به سوی نور بیرون می برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آن ها طاغوت ها هستند که آن ها را از نور به سوی ظلمت ها بیرون می برند؛ آن ها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند.

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ لَوِ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مائده: ۵۵)؛ سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و آن ها که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند.»  
«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر [اوصیای پیامبر] را!»

امام خامنه‌ای (عجله) می‌فرماید:

بزرگ‌تر از نعمت ولایت نعمتی نیست ... جامعه‌ای که دارای ولایت شد، مانند مرده‌ای است که دارای جان شده است ... جامعه‌ای که ولایت ندارد استعدادها در این جامعه هست، اما خنثی می‌شود، به هدر می‌رود، نابود می‌شود، هزری می‌رود و یا بدتر به زبان انسان به کار می‌رود، مغز دارد و می‌اندیشد، اما می‌اندیشد برای فسادآفرینی، می‌اندیشد برای انسان‌کشی، می‌اندیشد برای عالم‌سوزی، می‌اندیشد در راه بدبخت کردن انسان‌ها، می‌اندیشد برای محکم کردن پایه‌های استثمار و استبداد و استکبار؛ چشم دارد، اما آنچه باید ببیند نمی‌بیند و آنچه باید نبیند می‌بیند؛ گوش دارد اما سخن حق را نمی‌شنود ... جامعه‌ای دارای ولایت جامعه‌ای می‌شود که تمام استعدادهای انسانی را رشد می‌دهد، همه چیزهایی که برای کمال و تعالی انسان خدا به او داده این‌ها را بارور می‌کند، نهال انسانی را بالنده می‌سازد، انسان‌ها را به تکامل می‌رساند، انسانیت‌ها را تقویت می‌کند. در این جامعه، ولی یعنی حاکم؛ همان کسی که همه رشته‌ها به او برمی‌گردد، جامعه را از لحاظ مشی عمومی در راه خدا می‌اندازد و دارای ذکر خدا می‌کند، از لحاظ ثروت، تقسیم عادلانه ثروت به وجود می‌آورد، سعی می‌کند نیکی‌ها را اشاعه بدهد، سعی می‌کند بدی‌ها را ریشه‌سوز و محو کند: «الَّذِينَ إِن مَكَنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (حج: ۴۱)». به هر حال، وقتی که ولایت در جامعه‌ای بود، این‌ها انجام می‌گیرد: اقامه‌ی صلات، ایتاء زکات، امر به معروف و نهی از منکر و خلاصه پیکر بی‌جان، جان و حیات می‌گیرد.<sup>۱</sup>

۱. بیانات امام خامنه‌ای (عجله) در مسجد امام حسن (ع) مشهد، ۱۳۵۳/۷/۲۱.

## ۴-۲. ولایت باوری

همان گونه که شناخت واقعی خدا، ایمان قلبی، دل بستگی و تعبد به او را در پی دارد، شناخت درست و جامع ولایت و نقش آن در هدایت انسان، سبب ایمان و وابستگی عقلانی و قلبی به ولایت و مراتب آن می گردد و موجب ولایت محوری اعتقادی می شود و مبنای همه وابستگی ها و تسلیم شدن در برابر ولایت الهی می گردد.

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ... أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (مجادله: ۲۲).

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل هایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آن ها را تقویت فرموده ...؛ آن ها «حزب الله» اند؛ بدانید «حزب الله» پیروزان و رستگارانند.

امام علی علیه السلام می فرماید:

يَا حَسَّ! مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ مُحِبَّ لَنَا أَمْ مُبْغِضٌ فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبَهُ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ وَلَيْتَا فَلَيْسَ بِمُبْغِضٍ لَنَا وَإِنْ كَانَ يَبْغِضُ وَلَيْتَا فَلَيْسَ بِمُحِبٍّ لَنَا.<sup>۱</sup>

ای حنش، هر کس خشنود است که بداند آیا دوست ماست یا دشمن ما، باید دل خود را بیازماید؛ پس، اگر دوست ما را دوست می دارد، دشمن ما نیست و اگر دوست ما را دشمن می دارد، دوست ما است.

### ۴-۳. ولایت‌مداری

ولایت‌شناسی و ولایت‌باوری، ستون ولایت‌محوری عملی یا ولایت‌پذیری است و زمانی کارآمد، اثرگذار و موجب تحقق نظام ولایی می‌شود که در رفتار، کنش‌ها و واکنش‌ها ظهور یابد؛ بنابراین، مهم‌ترین جلوه ولایت‌مداری، محوریت ولایت در عمل و وفاداری و پیروی کامل از ولی امر است (اطاعت و تبعیت، همراهی ولایت، نصرت و مدد و دفاع از ولایت، رعایت حقوق ولی).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء:

۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالأمر [اوصیای پیامبر] را!»

«مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيزَ (نساء:

۸۰)؛ کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده؛ و کسی که سرباز تو در برابر او، مسئول نیستی).»

«وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ (حشر: ۷)؛ آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از مخالفت خدا پرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!»

«فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يَحْكُمُواكُم فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ

حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيَسْأَلُوكَ تَسْلِيمًا (نساء: ۶۵)؛ به پروردگارت سوگند که آن‌ها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند و سپس، از داوری تو در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال: ۲۴)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد.»

امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَذَبَ نَبِيَّهُ ﷺ فَلَمَّا انْتَهَى بِهِ إِلَى مَا أَرَادَ قَالَ لَهُ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ فَقَوَّضَ إِلَيْهِ دِينَهُ فَقَالَ وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا؛<sup>۱</sup> خدای عزوجل پیغمبرش را به محبت خود تربیت کرد و سپس فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» و آنگاه به او واگذار کرد و فرمود: هرچه را پیغمبر برای شما آورد بگیرید و از هرچه منعتان کند باز ایستید.»

رسول خدا ﷺ: «رَأْسُ الدِّينِ النَّصِيحَةُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ لِلْمُسْلِمِينَ عَامَّةً؛<sup>۲</sup> اصل دین، خیرخواهی برای خدا و فرستاده و کتابش و برای پیشوایان مسلمانان و همه مردم است.»

---

۱. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲، ص ۴۹۶.



## گفتار پنجم

### عبادت

#### ۱-۵. مفهوم عبادت

شناخت خدای یگانه به عنوان کامل ترین ذات با کامل ترین صفات، منزّه از هرگونه نقص و کاستی و شناخت رابطه او با جهان که آفرینندگی و نگهداری و فیاضیت، عطوفت و رحمانیت است که این شناخت واکنشی در ما ایجاد می کند که از آن به «پرستش» (عبادت) تعبیر می شود.

پرستش نوعی رابطه خاضعانه و ستایشگرانه و سپاسگزارانه است که انسان با خدای خود برقرار می کند. این نوع رابطه را انسان تنها با خدای خود می تواند برقرار کند و تنها درباره خداوند صادق است.

عبادت انواعی دارد. برخی از عبادات ناظر به بدن انسان است، مانند نماز و روزه. برخی از عبادات مربوط به اموال انسان است، مانند خمس و زکات و به طور کلی انفاقات. برخی از عبادات نیز مربوط به روح انسان است که از آن به عبادت فکری و تفکر یاد می شود.

## ۲-۵. گونه‌های عبادت

### ۲-۵-۱. نماز

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا (طه: ۱۳۲)؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش.»

«قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (مریم: ۳۰-۳۱)؛ گفت من بنده خدایم. او کتاب (آسمانی) به من داده و مرا پیامبر قرار داده است! و مرا - هر جا که باشم - وجودی پربرکت قرار داده و تا زمانی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات توصیه کرده است.»

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ (بقره: ۴۳)؛ و نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارید)!»

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ (ابراهیم: ۴۰)؛ پروردگارا: مرا برپا کننده نماز قرار ده و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا: دعای مرا بپذیر!»

رسول خدا ﷺ: «مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ، إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأُتُنَابُ وَالْأَوْتَادُ وَالْغِشَاءُ، وَإِذَا انْكَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ يَنْفَعِ طَبَبٌ وَلَا وَتَدٌ وَلَا غِشَاءٌ؛<sup>۱</sup> مثل نماز همانند عمود و ستون خیمه است. هرگاه عمود ثابت باشد، طناب‌ها، میخ‌ها و پرده نافع است، ولی در صورتی که عمود شکست، طناب، میخ و پرده سودی نمی‌بخشد.»

امام علی علیه السلام: «اللَّهُ، اللَّهُ! فِي الصَّلَاةِ فَانْهَاعُمُودُ دِينِكُمْ؛<sup>۲</sup> خدایا، خدایا! درباره نماز که نماز ستون خیمه دین شماست.»

۱. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۳، ص ۲۶۶.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

## ۵-۲-۲. روزه

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳)؛ ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که، بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزکار شوید.»

«كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا أَحَزَنَهُ أَمْرٌ اسْتَعَانَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ؛<sup>۱</sup> هرگاه چیزی پیامبر خدا ﷺ را غمگین می‌ساخت، از نماز و روزه مدد می‌جست.»

حضرت فاطمه علیها السلام: «فَرَضَ اللَّهُ الصِّيَامَ تَتَّبِعْتَنَا لِلْإِخْلَاصِ؛<sup>۲</sup> خداوند روزه را برای استواری اخلاص واجب گردانید.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «عَلَيْكُمْ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ مُحَسِّمَةٌ لِلْعُرُوقِ وَ مُذْهِبَةٌ لِلْأَشْرِ؛ بر شما باد روزه گرفتن که روزه رگ‌های شهوت را می‌برد و سرمستی را می‌برد.»

أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ لِأَصْحَابِهِ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ قَالُوا بَلَى قَالَ الصَّوْمُ يَسْوَدُّ وَجْهَهُ وَ الصَّدَقَةُ تَكْثِرُ ظَهْرَهُ وَ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْمُوَاظَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ ذَابِرَهُ وَ الْإِسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتِيئَهُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ.<sup>۳</sup>

آیا شما را به چیزی خبر بدهم که اگر آن را انجام دهید، شیطان از شما دور می‌شود؛ همان‌طور که، مشرق از مغرب دور می‌شود؟ فرمودند: بله یا رسول الله، پیامبر فرمودند: روزه روی شیطان را سیاه

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۹۳، ص ۳۶۸.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۴، ص ۶۲.

می‌کند و صدقه پشت شیطان را می‌شکند و حبّ در راه خدا و سنگین باری بر عمل صالح ریشه او را می‌کند، و استغفار شاه‌رگ او را قطع می‌کند و برای هر چیزی زکات است و زکات بدن‌ها روزه است).

### ۵-۲-۳. دعا

«قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (غافر: ۶۰)؛ پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند به‌زودی، با ذلّت وارد دوزخ می‌شوند!»

«قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ (فرقان: ۷۷)؛ بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند.»

«أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَا (بقره: ۱۸۶)؛ کسی که مرا بخواند، اجابت می‌کنم.»

رسول خدا ﷺ: «إِقْرَعُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي خَوَانِجِكُمْ وَ الْجَنُّوا إِلَيْهِ فِي مُلِمَاتِكُمْ وَ تَصَرَّعُوا إِلَيْهِ، وَ اذْعُوهُ فَإِنَّ الدُّعَاءَ مُخُّ الْعِبَادَةِ؛<sup>۱</sup> در نیازهای خود هنگام بروز مشکلات از خداوند مدد بطلبید و در سختی‌ها به او پناه ببرید و در پیشگاه او تضرع و دعا کنید؛ زیرا دعا، روح و مغز عبادت است.»

رسول خدا ﷺ: «الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَ عَمُودُ الدِّينِ وَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَيْنِ؛<sup>۲</sup> دعا سلاح مؤمن، ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین‌هاست.»

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۹۰، ص ۳۰۲.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۴۶۸.

امام علی علیه السلام: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ»<sup>۱</sup>  
 محبوب‌ترین کارها در نزد خداوند در روی زمین، دعاست.»  
 امام علی علیه السلام: «وَ أَكْثَرُ الدُّعَاءِ تَسْلَمُ مِنْ سُورَةِ الشَّيْطَانِ»<sup>۲</sup> دعا بسیار کن و از بیم  
 شیطان ایمن باش.»

#### ۵-۲-۴. انس با قرآن

فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضًى وَ آخَرُونَ  
 يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ آخَرُونَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ  
 اللَّهِ فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنْهُ (مزمل: ۲۰).

هر چقدر برای تان ممکن است قرآن بخوانید. [خدا] می‌داند که  
 ممکن است افرادی از شما بیمار شوند، و دیگری در پی روزی خدا  
 به مسافرت روند، و گروهی [به جبهه رفته] در راه خدا پیکار نمایند.  
 پس [در هر صورت] هر چه از [قرآن] میسر شد تلاوت کنید.

«الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ  
 فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (بقره: ۱۲۱)؛ کسانی که کتاب آسمانی به آن‌ها داده‌ایم آن  
 را چنان که شایسته آن است می‌خوانند؛ آن‌ها به پیامبر اسلام ایمان می‌آورند و  
 کسانی که به او کافر شوند، زیانکارند.»

امام علی علیه السلام: «وَمَا جَالَسَ هَذَا الْقُرْآنَ أَحَدًا إِلَّا قَامَ عَنْهُ بِزِيَادَةٍ أَوْ نَقْصَانٍ زِيَادَةٌ فِي  
 هُدًى أَوْ نَقْصَانٍ مِنْ عَمَى»<sup>۳</sup> کسی با قرآن همنشین نشد، مگر آنکه بر او افزود یا از  
 او کاست؛ در هدایت او افزود و از کوردلی و گمراهیش کاست.»

۱. محمدبن حسن حرعاملی، همان، ج ۷، ص ۳۱.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۹.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «لَيْسَ شَيْءٌ عَلَى الشَّيْطَانِ أَشَدَّ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي الْمُصْحَفِ نَظَرًا وَ الْمُصْحَفُ فِي الْبَيْتِ يَطْرُدُ الشَّيْطَانَ؛<sup>۱</sup> چیزی برای شیطان سنگین تر و دشوارتر نیست از قرائت قرآن از روی مصحف و وجود قرآن در خانه دورکننده شیطان است.»

امام علی علیه السلام می فرماید:

أَلْبَيْتُ الَّذِي يَقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ وَ يَضِيئُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيئُ الْكَوَاكِبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ وَ أَنَّ الْبَيْتَ الَّذِي لَا يَقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ لَا يَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِيهِ ثِقَلٌ بَرَكَتُهُ وَ تَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ.<sup>۲</sup>

خانه‌ای که در آن قرآن قرائت شود و خدا در آن یاد شود، در آن خانه برکت زیاد گشته و ملائکه در آن حضور یافته و شیطان‌ها از آن دور می گردند و این خانه برای اهل آسمان نورانیت و درخشندگی دارد؛ همان طور که، ستارگان برای اهل زمین می درخشد و خانه‌ای که در آن قرآن قرائت نشود و خدا یاد نگردد برکتش اندک گشته و فرشته‌ها از آن دور می شوند و شیطان در آن حضور می یابد.

امام خامنه‌ای دامنه الله می فرماید: «انس با قرآن یعنی قرآن را خواندن و بازخواندن و بازخواندن و در مفاهیم قرآنی تدبر کردن و آن‌ها را فهمیدن.»<sup>۳</sup> و در خطاب به فرماندهان سپاه می فرماید:

شما در جای حساسی هستید. با قرآن باید آشنا بشوید. با الهامات و

---

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۸۹، ص ۲۰۱.

۲. همان، ج ۹۰، ص ۱۶۱.

۳. بیانات امام خامنه‌ای دامنه الله در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۹/۱/۱۰.

اشاره‌های قرآن هم باید آشنا بشوید. ذکر و دعا را باید فراموش نکنید.... بگویید چون بار سنگینی بر دوش ماست و استخوان مستحکمی لازم دارد، این اعمال را انجام می‌دهیم.<sup>۱</sup>

و نیز می‌فرماید:

حقیقت این است که ما هنوز از قرآن خیلی دوریم و خیلی فاصله داریم. دل‌های ما باید قرآنی بشود. جان ما باید با قرآن انس بگیرد. اگر بتوانیم با قرآن انس بگیریم، معارف قرآن را در دل و جان خودمان نفوذ بدهیم، زندگی ما و جامعه ما قرآنی خواهد شد؛ احتیاج به فعالیت و فشار و سیاست‌گذاری ندارد. اصل این است که دلمان، جانمان و معرفت‌مان حقیقتاً قرآنی باشد.<sup>۲</sup>

#### ۵-۲-۵. ذکر و استغفار

«فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ (بقره: ۱۵۲)؛ پس، مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکر نعمت من به جای آرید و کفران نعمت من نکنید.»

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خُلْفَةً لِّمَنُ أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُوراً (فرقان: ۶۲)؛ و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به عکس).»

«اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ (هود: ۵۲)؛ از پروردگارتان طلب بخشش کرده و به سوی او باز گردید.»

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار با فرماندهان سپاه، ۱۳۶۹/۶/۲۹.

۲. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار با قاریان قرآن، ۱۳۸۹/۴/۲۴.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (احزاب: ۴۱)؛ ای گروهندگان یاد کنید خدا را، یادکردنی زیاده!»

رسول خدا ﷺ می فرماید:

فَاذْكُرُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
فَإِنَّ اللَّهَ أَمرٌ بِكثرةِ الذِّكْرِ لَهُ وَاللَّهُ ذَاكِرٌ لِمَنْ ذَكَرَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَاعْلَمُوا  
أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَذْكُرْهُ أَحَدٌ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا ذَكَرَهُ بِخَيْرٍ.<sup>۱</sup>

هر چه می توانید خدا را یاد کنید در هر ساعتی از ساعت های شب و روز، زیرا خدا شما را به کثرت ذکر امر کرده است و او یاد می کند مؤمنی را که به یاد او باشد و بداند که هیچ بنده مؤمنی خدا را یاد نمی کند، مگر اینکه خدا نیز او را به خوبی یاد خواهد کرد.

رسول خدا ﷺ: «عَلَامَةُ حُبِّ اللَّهِ حُبُّ ذِكْرِهِ وَعَلَامَةُ بُغْضِ اللَّهِ بُغْضُ ذِكْرِهِ»<sup>۲</sup>  
نشانه دوست داشتن خدا دوست داشتن یاد و نام اوست و نشانه ناخوش داشتن خدا ناخوش داشتن یاد و نام اوست.»

امام علی علیه السلام: «ذِكْرُ اللَّهِ مَطْرَدَةُ الشَّيْطَانِ»<sup>۳</sup> یاد خدا شیطان را طرد و دور می سازد.»

امام علی علیه السلام: «ذُكِرَ لِلَّهِ رَأْسُ مَالِ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَرَبْحُهُ أَلْسَلَامَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ»<sup>۴</sup> یاد خدا سرمایه هر مؤمن و سود و بهره آن سالم و ایمن ماندن از شیطان [و دشمنی و وسوسه های او] است.»

---

۱. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۸، ص ۷.

۲. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ ق، ج ۵، ص ۲۸۶.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۳۶۹.

۴. همان، ص ۳۷۰.



رسول خدا ﷺ می فرماید:

اعْلَمُوا أَنَّ خَيْرَ أَعْمَالِكُمْ عِنْدَ مَلِكِكُمْ وَأَرْكَاها وَأَوْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَ  
خَيْرُ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ، ذَكَرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى فَإِنَّهُ أَخْبَرَ عَنْ نَفْسِهِ  
فَقَالَ أَنَا جَلِيسٌ مَن ذَكَرَنِي.<sup>۱</sup>

بدانید که بهترین اعمال شما نزد خداوند و پاکیزه‌ترین آن‌ها و آنچه از  
همه بیشتر درجات شما را بالا می‌برد و بهترین چیزی که آفتاب بر آن  
تابیده، ذکر خدای سبحان است؛ زیرا خدای تعالی از خودش خبر  
داده، فرمود: «من همنشین کسی هستم که مرا یاد کند.»

امام علی علیه السلام: «تَعَطَّرُوا بِالْأَسْتِغْفَارِ لَا تَفْضَحَكُمْ رَوَائِحُ الذُّنُوبِ»<sup>۲</sup> خود را با  
استغفار معطر کنید تا بوی گناهان شما را رسوا نکند.»

---

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۹۰، ص ۱۶۳.

۲. محمدبن حسن حرعاملی، همان، ج ۱۶، ص ۷۰.

## گفتار ششم اعتماد به خدا

### ۶-۱. اعتماد و وثوق به خدا

«أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيَخَافُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (زمر: ۳۶)؛ آیا خداوند برای (نجات و دفاع از) بنده‌اش کافی نیست؟! اما آن‌ها تو را از غیر او می‌ترسانند؛ و هر کس را خداوند گمراه کند، هیچ هدایت‌کننده‌ای ندارد!»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتُصَرَّوْا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.»

امام جواد علیه السلام: «الثِّقَةُ بِاللَّهِ تَعَالَى تَمَنَّ لِكُلِّ غَالٍ وَسَلَّمٌ إِلَى كُلِّ عَالٍ؛<sup>۱</sup> اعتماد به خداوند متعال، بهای هر چیز گرانی است و نردبان رسیدن به هر بلندایی.»

### ۶-۲. اعتماد به وعده‌های الهی

«قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (شعراء: ۶۲)؛ (موسی) گفت: چنین نیست! یقیناً پروردگارم با من است، به‌زودی مرا هدایت خواهد کرد!»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَاناً» (انفال: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای

---

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۳۶۴.

جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد؛ روشن بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت.»

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ (اعراف: ۹۶)؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم.»

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (طلاق: ۴)؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند گناهایش را می‌بخشد و پاداش او را بزرگ می‌دارد.»

امام خامنه‌ای دامت‌الله می‌فرماید:

وقتی خدای متعال صریحاً به ما وعده می‌دهد که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»، «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرْهُ»، وقتی این جور خدای متعال با صراحت، با تأکید به ما وعده می‌دهد که اگر شما از دین او حمایت کردید، از راه خدا پیروی کردید و آن را نصرت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد، ما باید به این وعده اعتماد داشته باشیم، باید همین جور عمل بکنیم.<sup>۱</sup>

و در جایی دیگر می‌فرماید:

خداوند متعال در چند جای قرآن به روشنی و با صراحت وعده داده است که اگر کسی در راه خدا و در راه دین تلاش کند، او را نصرت خواهد داد؛ این وعده الهی است. در یک جا می‌فرماید: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرْهُ» (حج: ۴۰) در این تعبیر «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ» چند علامت تأکید هست، که یعنی مؤکداً، مؤکداً خدای متعال نصرت می‌کند کسانی را که دین خدا را و او را نصرت کنند. خب، این یک وعده است، وعده الهی است، به این وعده باید اعتماد کرد.<sup>۲</sup>

۱. بیانات امام خامنه‌ای دامت‌الله در دیدار با هیئت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.

۲. بیانات امام خامنه‌ای دامت‌الله در دیدار با فرماندهان ارتش، ۱۳۹۸/۱۱/۱۹.

ما احتیاج داریم به اطمینان به خدای متعال، وثوق به خدا، اطمینان به وعده‌های الهی. اگر ما ملت ایران به وعده‌ای که خدای متعال داده است خوش بین باشیم و مقدمات آن وعده را فراهم کنیم، مشکلات برطرف خواهد شد. خدا فرموده است: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»<sup>۱</sup>

### ۶-۳. اعتماد به نصرت الهی و پیروزی

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَ قَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (حشر: ۲).

او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با مسلمانان) از خانه‌هایشان بیرون راند! گمان نمی‌کردید آنان خارج شوند و خودشان نیز گمان می‌کردند که دژهای محکم‌شان آن‌ها را از عذاب الهی مانع می‌شود؛ اما خداوند از آنجا که گمان نمی‌کردند به سراغشان آمد و در دل‌هایشان ترس و وحشت افکند؛ به گونه‌ای که، خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می‌کردند؛ پس، عبرت بگیرید ای صاحبان چشم!

«حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهَ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» (بقره:

۲۱۴)؛ پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: پس یاری خدا کی خواهد آمد؟! (در این هنگام، تقاضای یاری از او کردند و به آن‌ها گفته شد): آگاه باشید، یاری خدا نزدیک است.»

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در بیست و پنجمین کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۰/۱۱/۲۱.

«إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (آل عمران: ۱۶۰)؛ اگر خداوند شما را یاری کند، هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد! و اگر دست از یاری شما بردارد، کیست که بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان تنها بر خداوند باید توکل کنند.»

«كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (مجادله: ۲۱)؛ خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می‌شویم؛ چراکه خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است!»

امام خامنه‌ای (عجله) می‌فرماید:

اگر شما دین خدا را نصرت کنید و انگیزه‌های الهی را تقویت کنید، قطعاً خدای متعال شما را نصرت خواهد کرد؛ کسی را هم که خدای متعال نصرت بکند، هیچ موجودی در عالم نمی‌تواند او را تضعیف بکند؛ روزبه‌روز قوی‌تر و پیروزتر خواهد شد.<sup>۱</sup>

امام (عجله)، آن مرد خدا، آن حکیم الهی ... فرمود: «خرمشهر را خدا آزاد کرد»؛ ... معنای این چیست؟ معنای این آن است که اگر شما مجاهدت کردید، قدرت خدا می‌آید پشت شما. لشکر بی‌عقبه کاری نمی‌تواند بکند؛ لشکری که عقبه دارد، [نیروی] احتیاط دارد، نیروی ذخیره فراوان دارد، همه کار می‌تواند بکند. حالا اگر لشکری عقبه‌اش، ذخیره‌اش عبارت بود از قدرت الهی، این لشکر دیگر شکست‌بخور است؟ ... اینجا قدرت خداست که پشت سر شماست، ... با این منطق، همه دنیاى مستحّر استکبار را هم خدا می‌تواند آزاد کند.<sup>۲</sup>

۱. بیانات امام خامنه‌ای (عجله) در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۵/۱۱.

۲. بیانات امام خامنه‌ای (عجله) در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، ۱۳۹۵/۳/۳.

فصل سوم:

سبک زندگی در ارتباط با خود



## گفتار هفتم

### ساحت ارتباط با خود

#### ۷-۱. خودشناسی

گرچه سعادت‌مندی و رستگاری انسان در گرو اندیشه، بینش و باور درست، به‌ویژه نسبت به مبدأ آفرینش و جهان هستی و پابندی عملی به آن باورها است، ولی اجرایی و عملی شدن این باورها و پابندی به بایدها و نبایدهای مربوط به آن، در گرو شناخت و آگاهی انسان نسبت به خودش (به عنوان موجود ممتازی که در نظام هستی و در میان موجودات آن به عنوان تنها موجود متفکر ممتاز مسئول مطرح است)، می‌باشد، مبنی بر اینکه سرنوشت او در دست خودش بوده و با انتخاب‌ها و اعمال و رفتارش رقم می‌خورد.

خودشناسی یعنی درک صحیح و عمیق به حقیقت انسان و کمال و تعالی واقعی او و جایگاه ویژه‌اش در نظام آفرینش.

«وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ (ذاریات: ۲۱)؛ و در نفوس خودتان آیا با چشم

بصیرت نمی‌نگرید؟!»

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ (مؤمنون: ۱۲)؛ و ما انسان را از

عصاره‌ای از گِل آفریدیم.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ (مائده: ۱۰۵)؛



ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مراقب خودتان باشید، زمانی که هدایت یافتید گمراهان به شما ضرری نمی‌رسانند.»

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ (فَصَلَتْ: ۵۳)؛ ما آیات قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً روشن می‌گردانیم تا بر آنان آشکار شود که او حق است.»

امام علی علیه السلام: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً عَلِمَ إِيْنٌ وَفِي إِيْنٍ وَ إِلَى إِيْنٍ؛ خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، در چه جایگاهی هست و به کجا خواهد رفت.»

امام علی علیه السلام: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ؛<sup>۲</sup> هرکس خود را بشناسد پروردگارش را خواهد شناخت.»

امام علی علیه السلام: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ نَفْسَهُ بَعْدَ عَنْ سَبِيلِ النَّجَاةِ وَ حَبَطَ فِي الضَّلَالِ وَالْجَهَالَاتِ؛<sup>۳</sup> هرکس خویش را نشناسد، از راه نجات فاصله می‌گیرد و در (ورطه) گمراهی و نادانی‌ها سقوط می‌کند.»

امام علی علیه السلام: «نَالَ الْفُؤُزَ الْأَكْبَرَ مَنْ ظَفِرَ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ؛<sup>۴</sup> هرکس به خویش‌شناسی دست یابد، به بزرگ‌ترین پیروزی نائل شده است.»  
قال علی علیه السلام: «أَفْضَلُ الْمَعْرِفَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ؛<sup>۵</sup> شریف‌ترین شناخت‌ها آن است که انسان نفس خود را بشناسد.»

۱. ر.ک. محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۶.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۹۲، ص ۴۵۶.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۶۵۶.

۴. همان، ص ۷۲۰.

۵. همان، ص ۱۸۹.

امام علی علیه السلام: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ انْتَهَى إِلَى غَايَةِ كُلِّ مَعْرِفَةٍ وَ عِلْمٍ؛<sup>۱</sup> هر کس خود را شناخت به غایت و اوج هر معرفت و علمی دست یافته است.»

امام علی علیه السلام: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ كَانَ لِغَيْرِهِ أَعْرَفٌ وَ مَنْ جَهِلَ نَفْسَهُ كَانَ لِغَيْرِهِ أَجْهَلُ؛<sup>۲</sup> هر کس نفس خود را شناخت، نسبت به غیر خود شناختش بیشتر است و هر کس خود را نشناخت، جهلش به دیگران افزون تر می باشد.»

امام علی علیه السلام: «مَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ تَحْيِرَ فِي الظُّلُمَاتِ وَازْتَبَكَ فِي الظُّلُمَاتِ وَلَمْ يَعْرِفْ نَفْسَهُ؛<sup>۳</sup> هر کس خویش را به غیر خویشتن سرگرم سازد، در تاریکی ها سرگردان می ماند و به هلاکت ها می افتد و خودش را نمی شناسد.»

## ۷-۲. خودسازی

«قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (شمس: ۹-۱۰)؛ هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است!»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ (مائده: ۱۰۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! مراقب خود باشید!»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ (حشر: ۱۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت) خدا بپرهیزید؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده است.»

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (انشقاق: ۶)؛ ای انسان!

---

۱. محمدبن حسین جمال خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، تصحیح جلال الدین حسینی ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۴۰۵.

۲. عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۶۳۶.

۳. محمدبن حسین جمال خوانساری، همان، ج ۵، ص ۴۲۶.

تو با تلاش و رنج بسوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد.»  
 «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ... (آل عمران: ۱۶۴)؛ خداوند بر مؤمنان منت نهاد که در میان آنان، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات خدا را برای آنان تلاوت کند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد.»

رسول خدا ﷺ: «يَا أَبَاذَرٍّ! حَاسِبْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبَ، فَإِنَّهُ أَهْوَنُ لِحِسَابِكَ غَدًا، وَزَنْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تُوزَنَ، وَتَجَهَّزْ لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ يَوْمَ تُعْرَضُ، لَا تُخْفَى عَلَى اللَّهِ خَافِيَةٌ؛<sup>۱</sup> ای ابوذر! پیش از آنکه به حسابت برسند، خودت به حساب خود برس که این کار، حساب فردای تو را آسان‌تر می‌کند؛ و پیش از آنکه تو (و عمل تو) را وزن کنند، خودت را وزن کن و آماده عرض بزرگ باش، آن روز که تو را عرضه می‌کنند و آن روز، هیچ کار پنهانی بر خداوند پوشیده نمی‌ماند.»

امام علی علیه السلام: «مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ اشْتَغَلَ عَنْ عَيْبِ غَيْرِهِ؛<sup>۲</sup> هرکس به عیب خود بنگرد از نگرستن در عیب دیگران باز می‌ماند.»

امام علی علیه السلام: «مَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ تَحْيَرَ فِي الظُّلُمَاتِ، وَارْتَبَكَ فِي الْهَلَكَاتِ، وَ مَدَّتْ بِهِ شِيَاطِينُهُ فِي طُغْيَانِهِ؛<sup>۳</sup> هرکه خود را به چیزی جز [تربیت و تزکیه] نفس خویش مشغول دارد، در تاریکی‌ها سرگردان شود و در هلاکت‌ها دست و پا زند و شیطان‌هایش او را در طغیانش فرو برند.»

امام خامنه‌ای داماد الله می‌فرماید:

خودسازی و مراقبت از خود، اساس همه کارهاست.<sup>۴</sup>

۱. محمد بن حسن حرعاملی، همان، ج ۱۶، ص ۹۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۸، ص ۱۹.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷.

۴. بیانات امام خامنه‌ای داماد الله در دیدار با نمایندگان، ۱۳۸۷/۳/۲۱.

در نظام اسلامی یکی از شعارهای همیشه زنده این است که هر کسی باید در صدد خودسازی باشد. باید بر گناهان خود گریه کند. از بدی‌های خود استغفار و توبه کند. کارهای خوب خود را زیاد کند. کارهای بدش را کم کند و هر ارتباط غلطی را تبدیل به ارتباط درست کند.<sup>۱</sup>

از ضعف‌های ما این است که ما به موازات علم، به موازات پیشرفت‌های علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه اخلاقی و نفسی پیدا نکرده‌ایم؛ این عقب‌ماندگی است.<sup>۲</sup>

من به همه جوان‌های عزیزمان در نیروهای مسلح سفارش می‌کنم که به خودسازی بپردازند؛ به تربیت معنوی خود بپردازند.<sup>۳</sup>

بدانید که امروز مسئولیت سنگینی بر دوش شماست و آن، مسئولیت خودسازی است؛ خودسازی از لحاظ علمی و فکری، خودسازی از لحاظ نیروی جسمانی، خودسازی از لحاظ صلاح اخلاقی، خودسازی از لحاظ معرفت دینی و عمل دینی، خودسازی از لحاظ کسب تجربه برای ساختن این کشور.<sup>۴</sup>

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در دیدار با جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی، ۱۳۷۱/۶/۴.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

۳. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در با دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۰/۱۱/۱۹.

۴. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در با دیدار مردم بوشهر، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.



فصل چهارم:  
سبک زندگی اسلامی در ارتباط با خانواده

(همسر‌داری، تعامل با فرزند)



## گفتار هشتم همسرداری

### ۸-۱. همسرداری

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم: ۲۱)؛ و از نشانه‌های او اینکه از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!»

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (اعراف: ۱۸۹)؛ او خدایی است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا (تحریم: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید.»



## ۸-۲. اصول همسررداری

### ۸-۲-۱. کار بست تعالیم اسلامی

امام خامنه‌ای (علیه السلام) می‌فرماید:

در بنا و تشکیل خانواده و در حفظ خانواده، باید احکام اسلامی را رعایت کرد تا خانواده باقی بماند. لذا، شما در خانواده‌های متدین، که زن و شوهر به این حدود اهمیت می‌دهند، می‌بینید که سال‌های متمادی با هم زندگی می‌کنند. محبت زن و شوهر به یکدیگر باقی می‌ماند و جدایی‌شان از هم سخت است و دل در گرو محبت یکدیگر دارند. این حسن و این محبت است که بنای خانواده را ماندگار می‌کند و لذا، اسلام به این چیزها اهمیت داده است.<sup>۱</sup>

اگر روش‌های اسلامی رواج پیدا کند، خانواده‌ها مستحکم خواهد شد؛ هم‌چنان‌که در گذشته‌های ما - نه در دوران منحوس پهلوی - آن وقت‌هایی که هنوز ایمان مردم سالم‌تر و کامل‌تر و دست نخورده‌تر بود، در زمان قدیم، خانواده مستحکم‌تر بود. زن و شوهر به هم علاقه‌مندتر بودند، فرزندان در محیط‌های امن و امان بیشتری پرورش پیدا می‌کردند. حالا هم راه همین است. آن خانواده‌هایی که جهات اسلامی را رعایت می‌کنند، این‌ها غالباً خانواده‌هایی محکم‌تر، بهتر، قوی‌تر و محیط امن‌تری برای فرزندان و کودکان خواهند بود.<sup>۲</sup>

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (علیه السلام) در خطبه عقد، ۱۳۷۹/۱۲/۲۳.

۲. بیانات امام خامنه‌ای (علیه السلام) در خطبه عقد، ۱۳۷۸/۱/۱۵.

## ۸-۲-۲. اخلاق مداری

رسول خدا ﷺ: «خَيْرُ الرِّجَالِ مِنْ أُمَّتِي الَّذِينَ لَا يَتَطَاوُلُونَ عَلَى أَهْلِيهِمْ وَيَحْنُونَ عَلَيْهِمْ وَلَا يَظْلِمُونَهُمْ»<sup>۱</sup>؛ بهترترین مردان امت من، آن کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خشن و متکبر نباشند و بر آنان ترحم و نوازش کنند و به آنان آزار نرسانند.»

امام علی علیه السلام: «سُوءُ الْخُلُقِ نَكْدُ الْعَيْشِ وَ عَذَابُ النَّفْسِ»<sup>۲</sup>؛ بد اخلاقی زندگی را تلخ و سبب عذاب روح می شود.»

امام علی علیه السلام: «عَلَيْكَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّهُ يَكْسِبُكَ الْمَحَبَّةَ»<sup>۳</sup>؛ خوش خلق باش که برایت جلب محبت می کند.»

امام علی علیه السلام: «حُسْنُ الْخُلُقِ يُوْرِثُ الْمَحَبَّةَ وَيُكَدُّ الْمَوَدَّةَ»<sup>۴</sup>؛ خوش اخلاقی محبت را به همراه می آورد و دوستی را پایدار می سازد.»

## ۸-۲-۳. عشق و محبت

رسول خدا ﷺ: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَوْتَةِ اِنِّى اَحْبَبُكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا اَبَدًا»<sup>۵</sup>؛ سخن مرد که به همسرش می گوید «دوستت دارم» هرگز از قلب وی بیرون نمی رود.»

رسول خدا ﷺ: «كَلَّمَا اَزْدَادَ الْعَبْدُ اِيْمَانًا اَزْدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ»<sup>۶</sup>؛ هر چه ایمان بنده افزایش یابد، عشق وی به زنش بیشتر می شود.»

---

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۶.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۲۶۴.

۳. همان، ص ۴۴۳.

۴. همان، ص ۳۴۷.

۵. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۲۳.

۶. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰، ص ۲۲۸.

رسول خدا ﷺ: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ اِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا»<sup>۱</sup> اینکه مرد در کنار خانواده اش بنشیند، از اعتکاف در مسجد من (مسجد النبی) محبوب تر است.»

امام صادق علیه السلام: «بهترین زنان شما با محبت ترین زنان نسبت به شوهرانشان و مهربان ترین مادران نسبت به فرزندان شان هستند.»<sup>۲</sup>

امام خامنه ای دامنه الله می فرماید:

زن و شوهر باید به هم محبت بورزند. این اساس خوشبختی است. خوشبختی در این است که زن و شوهر همدیگر را دوست داشته باشند.<sup>۳</sup>

وقتی محبت باشد، از محبت خارها گل می شود. اگر چیز ناخوشایندی هم در همسر وجود داشته باشد، وقتی محبت بود، آن چیزهای ناخوشایند به کلی رنگ می بازند و محبت همه چاله ها را صاف می کند.<sup>۴</sup>

محبت، خانواده را پایدار می کند. محبت مایه آبادی زندگی است. کارهای سخت به برکت محبت برای انسان آسان می شود. در راه خدا هم اگر انسان با محبت وارد شود، همه کارها آسان خواهد شد.<sup>۵</sup>

محبت، دستوری و فرمایشی نیست. دست خود شماست. شما می توانید محبت خودتان را روز به روز در دل همسران زیاد کنید.

---

۱. مسعود بن عیسی ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۲.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰۲، ص ۲۳۷.

۳. بیانات امام خامنه ای دامنه الله در خطبه عقد، ۱۳۷۷/۱/۱۹.

۴. بیانات امام خامنه ای دامنه الله در خطبه عقد، ۱۳۷۸/۱/۱۵.

۵. بیانات امام خامنه ای دامنه الله در خطبه عقد، ۱۳۷۶/۷/۳۰.

چطوری؟ با اخلاق خوب، با رفتار مناسب، با محبت ورزیدن به او، با وفاداری.<sup>۱</sup>

زن و شوهر هر چه بیشتر به هم محبت کنند، زیادی نیست. آن جایی که محبت هر چه زیاد شود، ایرادی ندارد، محبت زن و شوهر است. هر چه به هم محبت کنید خوب است و خود محبت هم اعتماد می آورد.<sup>۲</sup>

#### ۸-۲-۴. درک موقعیت و حمایت از همسر

امام خامنه‌ای (عج) می‌فرماید:

زن و شوهر باید یکدیگر را درک کنند و بفهمند. این یک تعبیر اروپایی است، ولی تعبیر خوبی است ... یعنی هر کسی درد و خواست‌های طرف مقابل را بفهمد و با او راه بیاید، به این می‌گویند درک کردن؛ یعنی، به قول معروف در زندگی تفاهم و درک متقابل باشد. این‌ها محبت را زیاد می‌کند.

زن ضرورت‌های مرد را درک کند، فشار اخلاقی روی او وارد نیاورد؛ کاری نکند که او در امر زندگی مستأصل شود و خدای ناکرده، به راه‌های نادرست متوسل بشود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدان‌های زندگی تشویق کند و تحریض نماید. اگر چنانچه کار او مستلزم این است که یک مقداری به زندگی خانوادگی مثلاً رسیدگی کافی نداشته باشد، این را به رخ او نکشد؛ این‌ها مهم است. این‌ها وظیفه‌هایی است از طرف زن. کمک واقعی به شوهر این است که هرگاه شوهرش در زندگی گرفتاری و مشکلی پیدا می‌کند، تردید و

---

۱. همان.

۲. بیانات امام خامنه‌ای (عج) در خطبه عقد، ۱۳۷۷/۱/۱۹.

ابهامی برایش رخ می‌دهد، در چنین موقعیتی باید همسرش به او کمک کند؛ غم را از دل او بردارد؛ او را راهنمایی کند؛ اشتباهش را برطرف نماید و اگر می‌بیند خطایی از او سر می‌زند، مانع شود. طرف مرد وظیفه این‌طور است که ضرورت‌های زن را درک کند، احساسات او را بفهمد، نسبت به حال او غافل نباشد و خود را صاحب اختیارِ مطلقِ العنان او در خانه نداند.<sup>۱</sup>

#### ۸-۲-۵. همیاری، سازگاری و تحمل مشکلات

رسول خدا ﷺ: «يَا عَلِيُّ لَا يَخْدُمُ الْعِيَالُ إِلَّا صَدِّيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يَرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»<sup>۲</sup> ای علی، به خانواده خود خدمت نمی‌کند مگر انسان راستگو یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او بخواهد. امام علی علیه السلام: «كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ، فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَذْلُ مَالِهِ وَنَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَذَى زَوْجِهَا وَغَيْرِهِ»<sup>۳</sup> خداوند جهاد را بر مردان و زنان لازم دانسته است. پس، جهاد مرد آن است که از مال و جان‌ش بگذرد؛ تاجایی که، در راه خدا کشته و شهید شود و جهاد زن آن است که در مقابل زحمات و صدمات شوهر و بر غیرت و جوانمردی او صبر نماید.»

امام خامنه‌ای (ره) می‌فرماید:

مراد از همکاری، همکاری روحی است. اینکه زن ضرورت‌های مرد را درک کند، فشار اخلاقی روی او وارد نیاورد، کاری نکند که او در امر

۱. محمدجواد حاج علی اکبری، مطلع عشق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۸۰.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰۱، ص ۱۳۲.

۳. محمدبن حسن حرعاملی، همان، ج ۱۵، ص ۲۳.

زندگی مستأصل شود و خدای نکرده، به راه‌های نادرست متوسل بشود. او را به ایستادگی و مقاومت در میدان‌های زندگی تشویق کند و تحریص نماید. اگر چنانچه کار او مستلزم این است که یک مقداری به وضع خانوادگی مثلاً رسیدگی کافی نداشته باشد، این را به رخ او نکشد. از طرف مرد هم وظیفه است که ضرورت‌های زن را درک کند، احساسات او را بفهمد و نسبت به حال او غافل نباشد.<sup>۱</sup>

از هر چیزی که محیط خانواده را متشنج و دچار افسردگی و هیجان‌های بی‌مورد نماید، اجتناب کنید. هم زن و هم مرد بنا را بر سازش و همزیستی و همراهی بگذارند. آنچه در خانواده خیرات وجود دارد، مال زن و شوهر است و در نهایت، مال فرزندان است، مال یک طرف نیست. اگر خدای ناکرده، در محیط خانواده بی‌محبتی و عدم اطمینان و صمیمت باشد، رنج مال هر دو طرف است.<sup>۲</sup>

## ۸-۲-۶. حسن معاشرت

«وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرِوْفِ... (نساء: ۱۹)؛ و با آنان شایسته رفتار کنید!»

رسول خدا ﷺ: «حُسْنُ الْخُلُقِ يَنْبَغُ الْمَوَدَّةَ»<sup>۳</sup> خوش‌خویی دوستی را استوار می‌سازد.

رسول خدا ﷺ: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَاناً أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً وَ أَلَطُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا أَلَطُكُمْ

بِأَهْلِي»<sup>۴</sup> شایسته‌ترین مردمان از جهت ایمان کسی است که خوش‌اخلاق‌ترین آن‌ها باشد و با خانواده‌اش مهربان‌تر باشد و من مهربان‌ترین شما با خانواده‌ام هستم.»

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در خطبه عقد، ۱۳۷۵/۲/۱۰.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته‌الله در خطبه عقد، ۱۳۷۶/۹/۶.

۳. ابوالقاسم پاینده، همان، ص ۴۴۳.

۴. محمدبن حسن حرعاملی، همان، ۱۲، ص ۱۵۳.

امام صادق (ع): «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ؛<sup>۱</sup> خداوند رحمت کند بنده‌ای را که به نیکی بین خود و زوجه‌اش رفتار می‌کند.»

## ۸-۲-۷. عفو و گذشت

«وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (نور: ۲۲)؛ باید عفو کنید و چشم‌پوشید، آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است.»

رسول خدا (ص): «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ رِيسَائِكُمْ... لَا تَقْبَلُ مِنْهُ عُدْرًا وَلَا تَغْفِرَ لَهُ ذَنْبًا؛<sup>۲</sup> بدترین زنان زنی است که عذر شوهرش را نمی‌پذیرد و خطاهایش را نمی‌بخشد.»  
 امام علی (ع): «مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَغُضَّ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَتَغَصَّصَتْ عَيْشَتُهُ؛<sup>۳</sup> هر که از بسیاری از امور تغافل و چشم‌پوشی نکند، زندگی‌اش تیره می‌شود.»  
 امام علی (ع): «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَغْفُو عَنِ الزَّوْجَةِ وَلَا يَسْتُرُ الْعَوْرَةَ؛<sup>۴</sup> بدترین مردم کسی است که از لغزش دیگران گذشت نمی‌کند و عیوب آنان را نمی‌پوشاند.»

## ۸-۲-۸. توجه به حقوق، نیازها و عواطف

رسول خدا (ص): «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقًّا...؛<sup>۵</sup> آگاه باشید که شما را بر زنانتان حقی است و زنانتان را بر شما حقی.»

۱. همان، ج ۲۰، ص ۱۷۰.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۲۵.

۳. عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۴۵۱.

۴. محمدبن حسین جمال خوانساری، همان، ج ۴، ص ۱۷۵.

۵. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین،

رسول خدا ﷺ: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يُعُولُ»<sup>۱</sup> ملعون است ملعون است کسی که اهل و عیالش را ضایع کند (خانواده اش را واگذارد).  
رسول خدا ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ سَائِلٌ كُلِّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرَعَاهُ، أَوْ حَفِظَ أَمِ ضَيَّعَ؟ حَتَّى يَسْأَلَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ»<sup>۲</sup> خداوند از هر سرپرستی، درباره آنچه تحت سرپرستی اوست، بازخواست می کند که آیا از آن نگهداری کرده یا تباهش ساخته است؟ حتی از مرد درباره خانواده اش بازخواست می کند.  
امام خامنه ای دامنه می فرماید:

برای مرد در خانواده حقوق محدودی قرار داده شده است که از روی کمال مصلحت و حکمت است. این حقوق برای هر کس گفته و تشریح شود، مورد تصدیق قرار خواهد گرفت. همچنین، برای زن نیز در خانواده، حقوقی معین شده است که آن هم از روی مصلحت است.<sup>۳</sup>

---

۱. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۴، ص ۱۲.

۲. ابوالقاسم پاینده، همان، ص ۲۹۶.

۳. بیانات امام خامنه ای دامنه می، در جمع زنان شهر ارومیه، ۱۳۷۵/۶/۲۸.



## گفتار نهم حقوق و اصول تعامل با فرزند

### ۹-۱. تربیت فرزند

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

وَأَمَّا حَقٌّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّكَ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا  
بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَيْتَهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى  
رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ  
مُثَابَّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ.<sup>۱</sup>

حق فرزندان بر تو آن است که بدانی وجود او بخشی از وجود توست و  
نیک و بدی‌های او در این دنیا وابسته به توست، باید بدانی که تو در  
مقام سرپرستی او مسئول هستی که وی را با ادب و تربیت صحیح  
پرورش دهی و او را به [سوی] پروردگارش راهنمایی کنی و در  
اطاعت و فرمان‌برداری حضرت حق یاری‌اش دهی. پدری باشی که  
به وظیفه خود آشنا و به مسئولیت خود آگاه است؛ پدری که می‌داند  
اگر به فرزندش نیکی کند، اجر و پاداش خواهد داشت و اگر درباره او  
بدی کند، مستحق مجازات و کیفر خواهد بود.

---

۱. محمدبن حسن حرعاملی، همان، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَادَّبَهَا، وَ أَحْسَنَ آدَبَهَا، وَ عَلَّمَهَا فَاحْسَنَ تَعْلِيمِهَا فَأَوْسَعَ عَلَيْهَا مِنْ نِعَمِ اللَّهِ الَّتِي اسْتَبَغَ عَلَيْهَا، كَانَتْ لَهُ مِئْتَةٌ وَ سِتْرًا مِنَ النَّارِ.<sup>۱</sup>

کسی که دختر دارد، او را به نیکی مؤدب به آداب نماید و به نیکی باسوادش کند و از نعمتی که خدا به او داده، به دخترش بدهد و نسبت به او گشایش دهد، برای خود مانع و حجابی از آتش دوزخ فراهم آورده است.

امام خامنه‌ای (ره) می فرماید:

یکی از وظایف مهم زن عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن چنان بار بیاورد که این موجود انسانی - چه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختی‌ها و فلاکت‌ها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و آمریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد. بچه‌ها را متدین بار بیاورید. متدین بار آوردن بچه‌ها همان چیزی است که می‌تواند آینده این کشور را آباد کند. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند.<sup>۲</sup>

## ۹-۲. تعلیم و آموزش

رسول خدا ﷺ: «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَيَرْوِّجَهُ إِذَا أَدْرَكَ وَيُعَلِّمَهُ

---

۱. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲. بیانات امام خامنه‌ای (ره) در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

الْكِتَابَةِ؛<sup>۱</sup> حق فرزند بر پدر این است که برای او نام نیکو انتخاب کند، و اگر زمانش رسیده، زمینه ازدواج او را فراهم نماید و به او نوشتن یاد دهد.»

رسول خدا ﷺ: «ادَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ؛<sup>۲</sup> فرزندان خود را به سه خصلت بیارایید: عشق به پیغمبرتان، عشق به اهل بیت، و قرائت قرآن.»

رسول خدا ﷺ: «اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفَرْ لَكُمْ؛<sup>۳</sup> فرزندان را گرامی دارید و خوب تربیت کنید تا خداوند شما را بیامرزد.»

امیرالمؤمنین (ع): «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ؛<sup>۴</sup> از فرزندان خود بخواهید به دنبال علم و دانش بروند.»

### ۹-۳. تکریم فرزندان

رسول خدا ﷺ: «اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفَرْ لَكُمْ؛<sup>۵</sup> فرزندان خود را تکریم کنید و به آن‌ها ادب بیاموزید تا آمرزیده شوید.»

مردی از رسول خدا ﷺ پرسید: حق فرزندم بر من چیست؟ حضرت فرمود: «تُحَسِّنُ إِسْمَهُ وَ آدَبَهُ، وَ تَضَعُهُ مَوْضِعاً حَسَناً؛<sup>۶</sup> نامش را نیکو انتخاب کن، به خوبی او را ادب نما و وی را در جایگاهی نیکو بگذار.»

### ۹-۴. برگزیدن نام نیکو

امام رضا (ع) می‌فرماید: «أَوَّلُ مَا يَبْتَغِي الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يَسْمِيَهُ بِإِسْمٍ حَسَنٍ فَلْيُحْسِنِ

۱. محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۱۳، ص ۵۰۴.

۲. همان، ص ۵۰۶.

۳. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۳.

۴. محمدی محمدی ری شهری، همان، ج ۱۳، ص ۵۰۷.

۵. حسین بن محمدتقی نوری، همان، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

۶. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۶، ص ۴۸.

أَحَدُكُمْ إِسْمَ وَلَدِهِ؛<sup>۱</sup> نخستین احسان و نیکی که پدر در حق فرزندش روا می‌دارد، انتخاب نام زیبا برای اوست؛ پس، لازم است هریک از شما نام نیکو برای فرزند خود انتخاب کند.»

امام علی علیه السلام: «وَحَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحْسَنَ اسْمَهُ وَيَحْسَنَ أَذْبَهُ وَيَعْلَمَهُ الْقُرْآنَ؛<sup>۲</sup> حق فرزند بر پدر سه چیز است: نام نیکو برای او انتخاب کند، او را به نیکی ادب کند و به وی قرآن بیاموزد.»

#### ۹-۵. تغذیه حلال

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «أَوَّلُ مَا يَبْتَغِي الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يَسْمِيَهُ بِإِسْمٍ حَسَنٍ فَلْيُحْسِنِ أَحَدُكُمْ إِسْمَ وَلَدِهِ؛<sup>۳</sup> نخستین احسان و نیکی که پدر در حق فرزندش روا می‌دارد، انتخاب نام زیبا برای اوست؛ پس، لازم است هریک از شما نام نیکو برای فرزند خود انتخاب کند.»

امام باقر علیه السلام فرمود:

مَا كَانَ مِنْ مَالٍ حَرَامٍ فَهُوَ شِرْكُ الشَّيْطَانِ قَالَ وَيَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ حَتَّى يَجَامِعَ فَيَكُونُ مِنْ نُطْفَتِهِ وَنُطْفَةِ الرَّجُلِ.<sup>۴</sup>

یعنی هر مالی که از راه حرام به دست آید، شیطان در او شریک است؛ و اگر کسی اثرات این مال در وجودش باشد و همبستر شود، در نطفه به وجود آمده نیز شیطان شریک است.

---

۱. همان، ص ۱۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۰۰.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۶، ص ۱۸.

۴. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۵۷، ص ۳۴۲.

## ۹-۶. رعایت مساوات و عدالت میان فرزندان

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «سَوُّوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْعَطِيَةِ»<sup>۱</sup> بین فرزندانان در هدایا به مساوات عمل کنید.»

امیر مؤمنان علیؓ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقُبُلِ؛ خداوند دوست دارد که میان فرزندان خود، حتی در بوسیدن آن‌ها، به عدالت رفتار کنید.»

## ۹-۷. فراهم کردن مقدمات ازدواج

«وَأَنْكَحُوا الْأَيَّامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ (نور: ۳۲)؛ افراد بی‌همسر و غلامان و کنیزان درستکار خود را همسر دهید.»  
رسول خدا ﷺ: «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ، وَيَرْوِّجَهُ إِذَا أَدْرَكَ وَيُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ»<sup>۲</sup> حق فرزند بر پدر این است که برای او نام نیکو انتخاب کند، و اگر زمانش رسیده، زمینه ازدواج او را فراهم نماید و به او نوشتن یاد دهد.»

## ۹-۸. مهرورزی

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَمَنْ فَرَحَهُ فَرَحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعِيَ بِالْأَبَوَيْنِ فَيَكْسِيَانِ حُلَّتَيْنِ يَضِيءُ مِنْ نُورِهِمَا وَجُوهُ أَهْلِ الْجَنَّةِ.<sup>۳</sup>

هرکس فرزندش را ببوسد، خداوند برایش یک حسنه می‌نویسد، و

---

۱. ابوالقاسم پاینده، همان، ص ۵۱۹.

۲. محمد محمدی ری‌شهری، همان، ج ۱۳، ص ۵۰۴.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۶، ص ۴۹.

هرکس فرزندش را خوشحال کند، خداوند در روز رستاخیز او را شاد خواهد نمود و هرکس به فرزندش قرآن بیاموزد، در روز قیامت پدر و مادر او فرامی خوانند و به آنان دو لباس مخصوص می پوشانند که چهره بهشتیان از نور آن لباس ها روشن می گردد.

رسول خدا ﷺ: «اَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةٍ اَوْلاَدِكُمْ فَاِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ»<sup>۱</sup> فرزندان خود را بسیار ببوسید، زیرا برای شما در هر بوسیدن درجه ای است. «عبدالله بن مسعود گوید: نزد پیامبر ﷺ بودم. وقتی حسین بن علی ؑ وارد شد، پیامبر ﷺ وی را گرفت و او را بوسید ... و دهانش را بر دهان وی نهاد و فرمود: «خدایا! من او را دوست می دارم، پس تو نیز دوست بدار او را و هر که وی را دوست می دارد.»<sup>۲</sup>

روزی پیامبر اکرم ﷺ فرزند خردسال خود، امام حسن ؑ را بوسید. اقرع بن حابس عرض کرد: من ده فرزند دارم که تاکنون هیچ یک از آنها را نبوسیده ام. پیامبر به او نگاه کرد و فرمود: «مَنْ لَا يُؤَحِّمَ لَا يُؤَحِّمُ»<sup>۳</sup>

---

۱. محمد بن حسن حرعاملی، همان، ج ۲۱، ص ۴۸۵.

۲. علی بن محمد خزاز رازی، کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق، ص ۸۰.

۳. محمد بن حسن حرعاملی، همان، ج ۱۵، ص ۲۰۳.



## فصل پنجم: سبک زندگی اسلامی در ارتباط با سازمان

(روزی حلال، اخوت و برادری، یاری‌رسانی در مشکلات، وجدان‌کاری،  
روحیه و عمل جهادی، رشد و تعالی همه‌جانبه)





## گفتار دهم

### کسب روزی حلال

#### ۱۰-۱. روزی حلال

تغذیه از مال حلال و پاک در سبک زندگی اسلامی چندان پر اهمیت است که در قرآن کریم و احادیث بارها بدان تأکید شده است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره: ۱۶۸)؛ ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گام‌های شیطان پیروی نکنید! چه اینکه او دشمن آشکار شماست!»

«وَمَا مِنْ ذَاتِ بَيَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (هود: ۶)؛ هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست. او قرارگاه و محلّ نقل و انتقالش را می‌داند. همه این‌ها در کتاب آشکاری ثبت است.»

رسول خدا ﷺ: «طَلَبَ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»<sup>۱</sup> به دنبال روزی حلال رفتن، بر هر مرد و زن مسلمان لازم است.»

---

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰، ص ۹.

رسول خدا ﷺ: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا وَأَفْضَلُهَا جُزْءٌ أَطْلَبُ الْحَلَالَ»<sup>۱</sup> عبادت هفتاد جزء دارد و از همه بهتر تلاش برای به دست آوردن روزی حلال است. «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، وَلَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا وَكُلُّ لَحْمٍ يُبْنِيهِ الْحَرَامُ فَالْتَّارِ أُولَى بِهِ وَ إِنَّ اللَّقْمَةَ الْوَاحِدَةَ تُنْبِتُ اللَّحْمَ»<sup>۲</sup> هرکسی لقمه‌ای از غذای حرام بخورد، تا چهل شب نماز او قبول نمی‌شود، و تا چهل روز دعای او مستجاب نمی‌گردد؛ و هر گوشتی که از حرام پروید، آتش دوزخ برای آن سزاوارتر است و حتی یک لقمه نیز باعث روپیدن گوشت می‌شود!»

«الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ وَقِيلَ عَلَى الْمَاءِ»<sup>۳</sup> عبادت با خوردن حرام، همچون بنا کردن ساختمان بر روی ریگ یا آب است (که هر لحظه ممکن است نابود شود).

رسول خدا ﷺ: «إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْحَرَامُ وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ وَالزُّبَا»<sup>۴</sup> چیزی که بیشتر از همه برای امت خود از آن می‌ترسم اینکه مردم بعد از من گرفتار کسب‌های حرام، شهوت‌های پنهان و ربا گردند. امام صادق علیه السلام: «الشَّائِخُصُّ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ الْحَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۵</sup> کسی که در طلب رزق حلال از شهری به شهری رَوَد، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کند.»

۱. همان، ص ۷.

۲. همان، ج ۶۳، ص ۳۱۴.

۳. همان، ج ۸۱، ص ۲۵۸.

۴. همان، ج ۷۰، ص ۱۵۸.

۵. همان، ج ۱۰۰، ص ۱۷.

### استفتائات:

به کارکنان ادارات دولتی نسبت به اضافه کاری در غیر ساعات اداری وجهی می پردازند. اگر اضافه کاری در خلال ساعات اداری انجام شود، آیا می توان وجه آن را دریافت کرد؟

پاسخ: تابع مقررات دولت اسلامی است و انجام کارهای محوله در ساعات اداری حقوق جداگانه ندارد.

بعضی از کارکنان، امور اداری را در ساعات کاری انجام نداده و به کارهای شخصی خود می پردازند و بعد از ساعات اداری به عنوان اضافه کار، امور محوله را انجام می دهند. آیا مبلغ اضافه کاری که دریافت می کند جایز است؟

پاسخ: کارکنان سازمان در ساعات اداری باید مشغول کار اداری یا آماده انجام آن باشند؛ لذا، نسبت به ساعاتی که به کارهای شخصی پرداخته اند استحقاق حقوق را ندارند، و باید به بیت المال عودت داده شود، مگر اینکه طبق قانون، مرخصی گرفته باشند.

آیا شرعاً جایز است در اوقات رسمی اداری از مرخصی ساعتی مجاز استفاده نمایم و کارهای مانده را بعد از وقت اداری انجام داده و اضافه کاری دریافت کنم؟

پاسخ: استفاده از مرخصی ساعتی با موافقت مسئول ذی ربط برای انجام کارهای ضروری، اشکال ندارد و انجام امور در خارج از ساعات کار به منظور دریافت اضافه کار جایز نیست؛ مگر آنکه حجم کار زیاد بوده یا تسریع در امور با تشخیص مسئول مافوق ضرورت داشته باشد.

این جانب کارمند هستم، اغلب اوقات بیکار هستم. خواهشمند است مرقوم بفرمایید که حقوق مزبور برایم حلال است یا خیر؟

پاسخ: اگر کارهای پیشنهادی اداره را طبق مقررات انجام می‌دهید حقوق دریافتی حلال است.

اگر کارمندی هر ماه در حدود سی یا چهل ساعت در اداره اضافه‌کاری نماید، آیا جایز است مسئول اداره برای تشویق کارمندان، ساعات کاری آنان را دو برابر حساب کند؟ در صورتی که اشکال داشته باشد، اجرتی که برای اضافه‌کاری‌های قبلی گرفته شده چه حکمی دارد؟

پاسخ: نوشتن گزارش‌های غیرواقعی و دریافت پول در برابر ساعات اضافه‌ای که کاری در آن‌ها انجام نشده جایز نیست و واجب است پول‌های اضافه‌ای که کارمند مستحق دریافت آن‌ها نبوده، بازگردانده شود، ولی اگر قانونی وجود داشته باشد که به مسئول اداره اجازه دهد تا ساعات اضافه‌کاری کارمندی را که اضافه‌کاری انجام داده، دو برابر نماید جایز است این کار را انجام دهد و در این صورت، دریافت اجرت توسط کارمند طبق گزارش که مسئول اداره از ساعات اضافه‌کاری او نوشته، جایز است.

## ۱۰-۲. پیامدهای حرام‌خواری

### ۱۰-۲-۱. نپذیرفتن اعمال و عبادات

رسول اکرم ﷺ: «الْعِبَادَةُ مَعَ الْاِكْلِ الْحَرَامِ كَالْاِنْبَاءِ عَلَى الْوُضْئِ؛<sup>۱</sup> پرستش توأم با حرام‌خواری، همچون ساختن ساختمان بر ماسه است (بی‌بنیاد است).»  
رسول اکرم ﷺ:

مَنْ اِكْتَسَبَ مَالًا حَرَامًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَدَقَةً وَلَا عِتْقًا وَلَا حَجًّا وَلَا

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۸۱، ص ۲۵۸.

اعْتِمَارًا وَ كَتَبَ اللَّهُ بَعْدَ أَجْزَاءِ ذَلِكَ أَوْزَارًا وَ مَا بَقِيَ مِنْهُ بَعْدَ مَوْتِهِ كَانَ زَادَةً إِلَى النَّارِ<sup>۱</sup>

کسی که کسبش حرام است خداوند هیچ کار خیری را از او نمی‌پذیرد، چه آن کار صدقه باشد چه آزاد کردن بنده؛ حج باشد یا عمره و خداوند متعال به عوض پاداش این کارها، گناه برای او ثبت می‌کند و آنچه پس از مرگش باقی می‌ماند توشه دوزخ او خواهد بود. امام باقر (ع): «إِنَّ الرُّجْلَ إِذَا أَصَابَ مَا لَا مِنْ حَرَامٍ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ حَجٌّ، وَلَا عُمْرَةٌ، وَلَا صَلَٰةٌ رَحِمَ، حَتَّىٰ إِنَّهُ يَفْسُدُ فِيهِ الْفُرُجُ»<sup>۲</sup> چون کسی مال حرامی به دست آورد، نه حج او قبول می‌شود، نه عمره او و نه صلوة رحم او، حتی مال حرام نکاح را هم تباه کرده و خانواده‌ها را متلاشی می‌کند.»

#### ۱۰-۲-۲. عدم استجابت دعا

خداوند متعال می‌فرماید: «فَمِنْكَ الدُّعَاءُ وَ عَلَى الْإِجَابَةِ فَلَا تَخْتَجِبْ عَنِّي دَعْوَةً إِلَّا دَعْوَةُ أَكَلِ الْحَرَامِ»<sup>۳</sup> بنده من! تو دعا کن، من اجابت می‌کنم. بدان که تمام دعاها به پیشگاه اجابت من می‌رسد، مگر دعای کسی که مال حرام می‌خورد.» رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامٍ لَمْ يَقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَوْ بَعِينَ لَيْلَةٍ؛ وَ لَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ أَوْ بَعِينَ صَبَاحًا وَ كُلُّ لَحْمٍ يَنْبِثُهُ الْحَرَامُ فَالْتَّارُ أَوَّلَىٰ بِهِ<sup>۴</sup>

۱. همان، ج ۷۳، ص ۳۶۲.

۲. همان، ج ۹۶، ص ۱۲۵.

۳. احمدین محمدبن فهد حلی، عدة الداعی و نجاح الساعی، قم، دار الکتب الإسلامی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۳۹.

۴. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۳، ص ۳۱۴.

نماز کسی که لقمه‌اش حرام است تا چهل روز از ارزش چندانی برخوردار نیست؛ و تا چهل روز دعای او مستجاب نمی‌گردد و هر مقدار از بدن که پرورش یافته لقمه حرام باشد سزاوار آتش و سوختن است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَسْتَجَابَ لَهُ، فَلْيَطِيبْ كَسْبَهُ، وَلْيَخْرِجْ مِنْ مَظَالِمِ النَّاسِ، وَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْفَعُ إِلَيْهِ دُعَاءَ عَبْدٍ وَفِي بَطْنِهِ حَرَامٌ، أَوْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لَأَخَذَ مِنْ خَلْقِهِ.<sup>۱</sup>

هرگاه فردی از شما خواست دعایش مستجاب شود، درآمدش را پاک گرداند و از زیر بار حقوق مردم بیرون برود. دعای بنده‌ای که در شکمش حرام باشد، یا حق یکی از خلق خدا به گردنش باشد، به درگاه خداوند بالا نمی‌رود.

### ۱۰-۲-۳. شقاوت ابدی

بدون تردید، استمرار حرام‌خواری، سعادت دو سارا نابود می‌کند و جز محرومیت از بهشت و شقاوت و بدفرجامی به بار نخواهد آورد، چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ تَبَتَ لَحْمُهُ مِنَ السُّخْتِ فَالْثَّأُزُ أَوَّلَى بِهِ؛<sup>۲</sup> کسی که گوشتش از حرام روییده، آتش شایسته اوست.»

### ۱۰-۲-۴. قساوت قلب و عدم پذیرش حق

سیدالشهدا علیه السلام در روز عاشورا، به لشکریان یزید فرمود: «فَقَدْ مُلِئْتُ بَطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ

۱. همان، ج ۹۰، ص ۳۲۱.

۲. حسین بن محمد تقی نوری، همان، ج ۱۳، ص ۳۳۲.

و طِيعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيَلَكُمْ الا تَنْصِتُونَ الا تَسْمَعُونَ؛<sup>۱</sup> حقا که شکم هایتان از حرام پر شده و بر دل های تان، مُهر خورده! آیا ساکت نمی شوید، آیا گوش فرا نمی دهید؟!»

#### ۱۰-۲-۵. بی برکتی (مال، عمر)

حضرت علی علیه السلام خطاب به «داوود» یکی از یارانش می فرماید: «یا داوُد! اِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِي وَ اَنْ نَمِيَ لَمْ يَبَارِكْ فِيهِ؛<sup>۲</sup> ای داوود! مال حرام رشد نمی کند و اگر رشدی هم داشته باشد برکتی در آن نخواهد بود.»

امام صادق علیه السلام: «مَنْ جَمَعَ مَالًا مِنْ مَهَائِشِ اَذْهَبَهُ اللَّهُ فِي نَهَارٍ؛<sup>۳</sup> هر کس مالی از راه های غیر مشروع به دست آورد، خداوند متعال آن مال را در راه های حرام و بیهوده ای تباه می سازد که نفعی به او نداشته باشد.»

امام صادق علیه السلام: «مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلٍّ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْبُئَاءَ وَالْمَاءَ وَالظُّلْمَ؛<sup>۴</sup> هر کس مالی را از راه غیر حلال به دست آورد، خداوند ساختمان سازی، آب و گل را بر او مسلط می کند.»

یعنی پیوسته دنبال تعمیر، تکمیل و تعویض خانه می رود و آسودگی از وی سلب می شود و بدین گونه عمرش به فنا می رود.

#### ۱۰-۲-۶. تأثیر منفی در نسل

امام صادق علیه السلام: «كَسَبُ الْحَرَامِ يَبِيْنُ فِي الدُّرِّيَّةِ؛<sup>۵</sup> درآمدهای حرام در نسل انسان خودش را نشان داده و ظاهر می شود.»

---

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۵، ص ۸.

۲. محمدبن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۷، ص ۸۲.

۳. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۷، ص ۸۴.

۴. همان، ج ۱۰۰، ص ۴.

۵. محمدبن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۷، ص ۸۲.



#### ۱۰-۲-۷. محروم شدن از شفاعت

امام علی علیه السلام می فرماید:

وَلَا يَرِدُّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَكَلَ مَالاً حَرَاماً لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا يَشْرَبُ مِنْ حَوْضِهِ وَلَا يَتَأَلَّ شَفَاعَتَهُ.<sup>۱</sup>

به خدا سوگند، به خدا سوگند، به خدا سوگند کسی که ذره ای مال حرام بخورد، در قیامت از رسول خدا ﷺ دور می افتد و از حوض کوثر نمی نوشد و مشمول شفاعت آن حضرت نمی گردد.

#### ۱۰-۲-۸. ملعون خدا قرار گرفتن

رسول اکرم ﷺ: «إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۲</sup> وقتی لقمه ای از حرام در شکم بنده ای قرار می گیرد، هر فرشته ای در آسمان ها و زمین، او را لعنت می کند.»

---

۱. حسین بن محمدتقی نوری، همان، ج ۱۷، ص ۵۹.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۳، ص ۳۱۴.

## گفتار یازدهم اخوت و برادری

### ۱۱-۱. اخوت و برادری در آئینه آیات و روایات

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ... (حجرات: ۱۰)؛ همه مؤمنان با هم برادرند.»

«... اطيعوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ (انفال: ۴۶)؛ از

خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان شوید و مهابت و قوت شما برود.»

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (فتح: ۲۹)؛

محمد ﷺ فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.»

«الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (زخرف: ۶۷)؛ دوستان در آن

روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران!»

«وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ (انفال: ۶۳)؛ و دل‌های آن‌ها را با هم الفت داد.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ

عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره: ۲۰۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همگی در صلح و آشتی

در آیید! و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، که او دشمن آشکار شماست.»

رسول خدا ﷺ: «مَثَلُ الْأَخَوَيْنِ مَثَلُ الْيَدَيْنِ تَغْسِلُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى؛<sup>۱</sup> حکایت دو برادر، حکایت دو دست است که یکی دیگری را می شوید.»

رسول خدا ﷺ: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاخُمِهِمْ وَتَوَادُّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ؛ إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى؛<sup>۲</sup> مؤمنان را در مهربانی و دوستی و مهرورزی نسبت به یکدیگر، همانند یک پیکر می بینی که هر گاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضای پیکر، در بی خوابی کشیدن و تب، با آن، هم نوابی و هم دردی می کنند.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ، إِنْ اشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَأَرَوَاهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ، وَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَتَّصِلُ بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا.<sup>۳</sup>

مؤمن، برادر مؤمن است و همانند یک پیکرند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضایش نیز آن درد را در خود احساس می کنند. روح آن دو مؤمن از یک روح است و اتصال روح مؤمن به روح خداوند، بیشتر از اتصال پرتو خورشید به خورشید است.

امام صادق علیه السلام: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ بَنُو أَبِي وَأُمِّ، وَإِذَا ضَرَبَ عَلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقٌ سَهَرَهُ الْآخَرُونَ؛<sup>۴</sup> همانا مؤمن، برادر مؤمن است از یک پدر و مادر. هرگاه در یکی از آنان رگی [از درد] بزند، دیگران نیز برای او بی خوابی می کشند.»

۱. ابوالقاسم پاینده، همان، ص ۷۲۰.

۲. همان، ص ۳۸۲.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۱۶۶.

۴. همان، ص ۱۶۵.

## ۱۱-۲. عوامل گسست اخوت و برادری

### ۱۱-۲-۱. دروغ‌گویی

رسول خدا ﷺ: «كَبُرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ وَأَنْتَ بِهِ كَاذِبٌ»<sup>۱</sup> خیانت بزرگی است که با برادرت سخن بگویی و او تو را در گفتارت صادق بداند؛ در حالی که، توبه او دروغ می‌گویی.»

امام صادق علیه السلام: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ هُوَ عَيْنُهُ وَ مِرَاتُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يَخُونُهُ وَ لَا يَخْدَعُهُ وَ لَا يَظْلِمُهُ، وَ لَا يَكْذِبُهُ وَ لَا يَغْتَابُهُ»<sup>۲</sup> مسلمان برادر مسلمان و چشم و آینه اوست؛ هرگز خیانت و ستم و نیرنگ را بر وی روا نمی‌دارد. به او دروغ نمی‌گوید و خود را به غیبت وی آلوده نمی‌کند.»

### ۱۱-۲-۲. غیبت

«وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ. (همزه: ۱)؛ وای بر عیب‌جویان هرزه‌گوی.»

«... وَ لَا يَغْتَابُ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيْحُبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ...»

... (حجرات: ۱۲)؛ هیچ یک از شما از دیگری غیبت نکنند. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت مردار برادر خود را بخورد؟ [به یقین] همه شما از این کار کراهت دارید [پس بدانید که غیبت کردن مانند خوردن گوشت مرده برادر دینی است، از آن سخت بپرهیزید]...»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رَوَايَةً يَرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ هَدَمَ مَرْوَةً لِيَسْقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وَلَايَتِهِ إِلَى وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ.<sup>۳</sup>

۱. محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۱۰، ص ۵۹.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۱۶۶.

۳. همان، ص ۳۵۸.

هر کس به منظور عیب‌جویی و ریختن آبروی مؤمنی سخنی علیه او بگوید تا او را از چشم مردم بیندازد خداوند چنین کسی را از ولایت خودش بیرون می‌کند و به سوی ولایت شیطان می‌فرستد و شیطان او را نمی‌پذیرد!

#### ۱۱-۲-۳. تهمت

«وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا (احزاب: ۵۸)؛ و آن‌ها که مردان و زنان با ایمان را بدون تقصیر و گناه [با نسبت ناروا] آزار می‌دهند متحمل بهتان و گناه آشکاری شده‌اند.»

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

إِنَّ مِنْ شَرِّ رِجَالِكُمُ الْبُهَاتِ الْجَرِيءِ الْفَحَّاشِ، الْأَكْلَ وَحَدَهُ، وَالْمَانِعِ رِفْدَهُ وَالضَّارِبَ عَبْدَهُ، وَالْمُلْجِيَ عِيَالَهُ إِلَى غَيْرِهِ.<sup>۱</sup>

بدترین مردان شما کسانی هستند که به مردم پیوسته تهمت می‌زنند، گستاخ‌اند، بدزبان‌اند، تنها خورند، دست‌بخشنده ندارند، بنده خود را می‌زنند، و خانواده‌شان را [برای تأمین معاش]، محتاج دیگران می‌کنند.

امام صادق علیه السلام: «إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ، انْتَمَتَ الْإِيمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ»<sup>۲</sup> کسی که برادر مسلمان خود را متهم کند ایمان در دل او ذوب می‌شود؛ همان‌گونه که، نمک در آب ذوب می‌شود.»

#### ۱۱-۲-۴. شوخی و استهزا

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمٍ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِنْ

۱. همان، ص ۲۹۲.

۲. همان، ص ۳۶۱.

نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ (حجرات: ۱۱)؛ ای اهل ایمان، نباید قومی قوم دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها بهتر باشند و نیز زنان با ایمان، زنان دیگر را مسخره نکنند که بسا آن زنان بهتر از اینان باشند.»

امام علی (ع): «الْمَرْأَةُ تُورِثُ الضَّعَائِنَ؛ شوخی کینه‌ها را در پی دارد.»  
امام صادق (ع): «لَا يَطْمَعَنَّ الْمُسْتَهْزِئُ بِالنَّاسِ فِي صِدْقِ الْمَوَدَّةِ؛<sup>۱</sup> کسی که مردم را مسخره می‌کند، نباید به دوستی خالصانه آنان امید داشته باشد.»

## ۱۱-۲-۵. سعایت و سخن چینی

رسول خدا (ص) می‌فرماید:

أَلَا أُتْبِعُكُمْ بِشِرَارِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: الْمَشَاوُونَ بِالتَّمِيمَةِ الْمُفَرَّقُونَ بَيْنَ الْأَحْبَةِ.<sup>۲</sup>

آیا می‌خواهید از بدترین شما خبر دهم؟ یاران گفتند آری ای رسول خدا. فرمودند «بدترین شما کسانی هستند که دائم بین افراد در رفت و آمد هستند و با سخن چینی بین دوستان را به هم زده و آتش دشمنی را روشن می‌کنند.»

امام علی (ع): «إِيَّاكُمْ وَالتَّمَائِمَ فَإِنَّهَا تُورِثُ الضَّعَائِنَ؛<sup>۳</sup> از سخ چینی‌ها بپرهیزید که کینه‌ها به بار می‌آورد.»

امام علی (ع): «مَنْ سَعَىٰ بِالتَّمِيمَةِ حَازِبَهُ الْقَرِيبُ وَمَعَتَهُ التَّعِيدُ؛<sup>۴</sup> آنکه در زمینه سخن چینی تلاش کند، نزدیکان به جنگ او، و دوران به دشمنی‌اش برخیزند.»

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۱۴۴.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۴، ص ۱۰۸.

۳. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۸، ص ۲۹۳.

۴. عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۶۳۷.

امام صادق (ع): «إِيَّاكَ وَالتَّمِيمَةَ فَإِنَّهَا تَزُرُّ الشَّخْنَاءَ فِي قُلُوبِ الرِّجَالِ؛<sup>۱</sup> از سخن چینی بهره‌یز که دشمنی زیادی در دل مردان می‌کارد.»

#### ۱۱-۲-۶. تجسس و عیب‌جویی

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نور: ۱۹).

کسانی که دوست دارند زشتی‌ها [نقاط ضعف و عیوب] در باره مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آن‌ها در دنیا و آخرت است، و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

امام علی (ع): «شَرُّ النَّاسِ مَنْ كَانَ مُتَتَبِعاً لِعُيُوبِ النَّاسِ عَمِيماً عَنْ مَعَايِهِ؛<sup>۲</sup> بدترین مردم کسی است که عیوب مردم را دنبال کند و عیوب خود را نبیند.»  
امام علی (ع): «فَمَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ تَحْيِرٌ فِي الظُّلُمَاتِ وَازْتِبَاكٌ فِي الْهَلَكَاتِ؛<sup>۳</sup> پس هر کس خود را به غیر خودش سرگرم و مشغول کند در تاریکی‌ها سرگردان گردد، و در مهلکه‌ها گرفتار شود.»

امام صادق (ع): «أَبْعَدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ يُوَاحِي الرَّجُلَ وَهُوَ يَحْفَظُ عَلَيْهِ زَلَّاتِهِ لِيَعِيزَهُ بِهَا يَوْمَ مَا؛<sup>۴</sup> دورترین حالات انسان از خدا این است که با کسی طرح دوستی بریزد و لغزش‌های او را به خاطر بسپارد تا روزی او را رسوا سازد.»

#### ۱۱-۲-۷. سوءظن

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۲۰۴.

۲. محمدبن حسین جمال خوانساری، همان، ج ۴، ص ۱۷۶.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷.

۴. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۳۵۵.

بَعْضُكُمْ بَعْضًا (حجرات: ۱۲)؛ ای اهل ایمان! از بسیاری از گمان‌ها [در حق مردم] بهره‌یزید؛ زیرا برخی از گمان‌ها گناه است، و [در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهند] تفحص و پی‌جویی نکنید و از یکدیگر غیبت ننمایید.»

امام علی علیه السلام: «مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ سُوءُ الظَّنِّ لَمْ يَثْرُكْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلِيلٍ صُلْحًا؛<sup>۱</sup> بدگمانی بر دل هرکس چیره شود، بین او و دوستش دیگر صلح و صفایی باقی نمی‌گذارد.»

امام علی علیه السلام: «لَا يَعْدُمُكَ مِنْ شَفِيقٍ سُوءُ الظَّنِّ؛<sup>۲</sup> بدگمانی تو را از دوست دلسوز محروم نکند.»

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا اسْتَوَلَى الصَّالِحُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَهْلِهِ ثُمَّ أَسَاءَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ لَمْ تَظْهَرْ مِنْهُ حُوبَةٌ فَقَدْ ظَلَمَ وَإِذَا اسْتَوَلَى الْفَسَادُ عَلَى الزَّمَانِ وَ أَهْلِهِ فَأَحْسَنَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ فَقَدْ غَرَّرَ.<sup>۳</sup>

چون صلاح و نیکی بر مردم زمان غالب گردد، اگر کسی به کسی که از او رسوایی‌ای ظاهر نشده گمان بد برد، قطعاً ستم نموده؛ و اگر بر مردم زمان فساد غالب شود و کسی به کسی گمان خوب برد، خود را گول زده است.

امام خامنه‌ای دامنه الله می‌فرماید:

همان‌طور که در پیام چند روز پیش مطرح کردم و به عموم مردم توصیه نمودم، به‌خصوص به شما آقایان [مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم]، نیز توصیه می‌کنم که کوشش کنید

۱. محمد بن حسین جمال خوانساری، همان، ج ۵، ص ۴۰۶.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۴، ص ۲۱۱.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۲۹۳.



حسن ظن داشته باشید. مضمون روایت هم همین است که وقتی خیر حاکم و غالب بر زمان است، آدم باید حسن ظن داشته باشد و وقتی شر غالب است، انسان باید سوء ظن داشته باشد. امروز، دیگر اسلام و خیر غالب و حاکم است و حکومت و رهبری و دولت، اسلامی است. اگر چه در جامعه شر هم وجود دارد؛ اما غلبه و حاکمیت با خیر است. امروز، روز حسن ظن است.<sup>۱</sup> من هیچ موافق نیستم با اینکه فضای جامعه را فضای سوء ظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم.<sup>۲</sup>

بین مسلمان ها رسم بود که نزد پیامبر می آمدند و دَرِ گوش آن حضرت حرف هایی می زدند و به صورت نجوا، حدیث مخفی و محرمانه ای را می گفتند که آیه نازل شد و مردم را از نجوا و دَرِگوشی با پیامبر نهی کرد؛ چون در دیگر مسلمان ها ایجاد سوء ظن می کرد.<sup>۳</sup>

### استفتائات:

۱. آیا شنیدن غیبت و تهمت در فضای مجازی نیز حرام است؟  
پاسخ: در احکام غیبت و تهمت، فرقی بین فضای مجازی و حقیقی نیست.

۲. آیا استهزاء و مسخره کردن دیگران در فضای مجازی نیز حرام است یا باید صریح و رو در رو باشد؟  
پاسخ: فرقی ندارد.

۱. بیانات امام خامنه ای (عج) در دیدار با اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضالای حوزه علمیه قم، ۱۳۶۸/۹/۷.

۲. بیانات امام خامنه ای (عج) در خطبه های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۸/۶/۲۹.

۳. بیانات امام خامنه ای (عج) در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۸/۷/۲۸.

۳. آیا افشا و تبیین مواضع سیاسی و فکری افراد منحرف، در فضای مجازی شرعاً جایز است؟

پاسخ: اگر مصداق امر به معروف و نهی از منکر باشد و ضوابط شرعی (مانند پرهیز از دروغ، غیبت، تهمت و...) در این زمینه رعایت شود مانعی ندارد.

۴. آیا دفاع از مؤمنی که مورد اتهام قرار گرفته است، واجب است؟ در صورت وجوب دفاع، اگر این اتهام از طریق شبکه‌های مجازی وارد شده باشد، تکلیف چیست؟

پاسخ: اگر در ضمن، غیبت باشد یا از مصادیق نهی از منکر محسوب شود با تحقق شرایط آن واجب است.

۵. لطفاً غیبت را با توجه به مسائل ذیل بیان فرمایید:

- اگر بین دو نفر مسئله معلومی دربارهٔ نفر سوم در حال گفتگو باشد.
- اگر گفتگو در مورد محسنات یک نفر باشد.
- اگر والدین برای تربیت صحیح فرزندان خود رفتار یکی از آشنایان را نقد می‌کنند.

پاسخ: به طور کلی، اگر پشت سر مؤمن مطلبی گفته شود که حقیقت دارد، لکن اگر او مطلع شود ناراحت می‌شود و این مطلب به قصد تنقیص (عیب‌جویی) گفته می‌شود یا نزد عرف تنقیص به حساب می‌آید، غیبت است و جایز نیست و صرف تربیت فرزند مجوز غیبت نیست، ولی گفتگو دربارهٔ خوبی‌های یک فرد حکم غیبت را ندارد؛ همچنین، در مورد مشاوره نیز اطلاع دادن مانعی ندارد.

۶. اگر کسی در ذهن خود نسبت به برادر مؤمنش بدگمان باشد، اما سوءظن

را اظهار نکند، آیا گناه محسوب می‌شود؟

- پاسخ: گناه نیست، ولی تا آنجا که می‌تواند از آن اجتناب کند.
۷. آیا تقلید صدا و لهجه دیگران صرفاً، برای شوخی و سرگرمی جایز است؟
- پاسخ: در صورتی که برای تمسخر و استهزا یا موجب اذیت آنان باشد یا توهین به ایشان محسوب شود، جایز نیست.
۸. تقلید لهجه قومیت‌ها

پاسخ: متأسفانه، یک کار زشتی در بین مردم رایج است که از لهجه‌های بعضی از ولایات تقلید می‌کنند؛ این آیا غیبت محسوب می‌شود یا نه؟ این مسلماً حرام است. در حرمت این عمل هیچ شکی نیست؛ لکن، غیبت نیست، چون قیودی که در غیبت ذکر شد - که مقوم معنای غیبت محرم شرعی است - در اینجا وجود ندارد. یکی از قیود، مستور بودن بود. خب، این مستور نیست. علاوه بر اینکه عیب نیست اصلاً. کسی این را به عنوان عیب ذکر می‌کند، ولی اصلاً عیب نیست! بنابراین، وقتی عیب نبود، پس غیبت نیست. مثل این است که مثلاً بگویند: آقا عمامه سرش است؛ این «عمامه به سر بودن» عیب نیست. ذکرش بنابراین غیبت نیست. علاوه بر اینکه امر ظاهری است، امر واضحی است. پس، تعریف غیبت بر این صدق نمی‌کند؛ اما مسلماً حرام است. این از باب تمسخر و از باب استهزا و این‌هاست.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در جلسه درس خارج فقه، ۱۳۸۹/۱/۳۱.

## گفتار دوازدهم

### یاری‌رسانی در مشکلات (توجه و تفقد)

مشکلات، گرفتاری‌ها و نیازمندی‌ها به طور طبیعی، ممکن است به سراغ هر انسانی بیایند. در چنین مواقعی که فردی دچار مشکل شده و به یاری دیگران نیازمند است، انتظار دارد کسانی که می‌توانند قدمی در جهت حل مشکل وی بردارند و یا گوشه‌ای از نیازمندی‌های او را تأمین نمایند، از حل مشکل و تأمین نیازمندی‌های وی مضایقه نکنند.

«تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى (مائده: ۲)؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری

با هم تعاون کنید.»

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

(بقره: ۱۹۵)؛ و در راه خدا، انفاق کنید! و (با ترک انفاق)، خود را به دست خود، به

هلاکت نینفکنید! و نیکی کنید! که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.»

لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُفْنِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا

يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يسراً (طلاق: ۷).

آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق

کنند و آن‌ها که تنگدستند، از آنچه خدا به آن‌ها داده انفاق نمایند؛

خداوند هیچ‌کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف

نمی‌کند؛ خداوند به‌زودی، بعد از سختی‌ها آسانی قرار می‌دهد!

رسول خدا ﷺ: «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ لِلنَّاسِ؛<sup>۱</sup> بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد.»

رسول خدا ﷺ: «أَمْسِكُوا رَمَقَ الضَّعِيفِ بِجَاهِكُمْ وَبِالْمَعُونَةِ لَهُ إِنْ عَجَزْتُمْ عَمَّا رَجَاءَ عِنْدَكُمْ؛<sup>۲</sup> افراد ناتوانی که انتظار کمک از شما دارند و شما نمی توانید انتظار آنان را برآورده سازید، حداقل از وجاهت و اعتبار خود [نزد دیگران] استفاده کنید و آن‌ها را در برابر مشکلات سر پا نگهدارید.»

امام علی علیه السلام: «مَنْ أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ حَسَنَتْ عَوَاقِبُهُ وَسَهَّلَتْ لَهُ طُرُقُهُ؛<sup>۳</sup> هرکس به مردم نیکی کند، عاقبتش نیکو می شود و کارهایش به آسانی انجام می گیرد.»  
امام حسین علیه السلام: «إِعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمَلُّوا النِّعَمَ؛<sup>۴</sup> همانا نیازمندی‌های مردم به شما، از نعمت‌های خدا بر شماست؛ بنابراین، از این نعمت‌ها دلگیر نشوید.»

امام سجاد علیه السلام: «حَاصِلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْبِرِّ شَيْءٌ، الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ النَّفْعُ لِعِبَادِ اللَّهِ...؛<sup>۵</sup> ایمان به خدا و سود رساندن به بندگان او، دو خصلت نیک است که برتر از آن چیزی نیست.»

امام صادق علیه السلام: «يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِحْتِهَادُ فِي التَّوَاضُّعِ وَالتَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ وَ الْمُوَاسَاةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَتَعَاطُفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ؛<sup>۶</sup> مسلمانان موظفند در راه پیوستگی و کمک نسبت به نیازمندان، کوشا و جدی باشند؛ از عواطف اخلاقی و کمک‌های مالی مضایقه نکنند؛ به هنگام گرفتاری و نیاز، یار و یاور هم باشند.»

۱. ابوالقاسم پاینده، همان، ص ۴۶۹.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۶۴.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۶۴۱.

۴. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۱۲۱.

۵. همان، ج ۷۴، ص ۱۳۷.

۶. همان، ج ۷۱، ص ۲۵۶.

## گفتار سیزدهم وجدان کاری

### ۱-۱۳. مفهوم وجدان کاری

منظور از «وجدان کاری» این است که انسان در برابر کاری که می‌خواهد انجام دهد تعهد داشته، آن را محکم و نیکو به اتمام رساند و خویشتن را در برابر آن مسئول بداند. امام خامنه‌ای داماد می‌فرماید:

... هر کس و در هر کجا که هستیم وجدان کار را در کاری که بر گردن گرفتیم و تعهد کردیم رعایت کنیم؛ چه این کار شخصی، یا کاری برای نان درآوردن باشد و چه کاری اجتماعی و مردمی و مربوط به دیگران باشد، همانند کارهای مهم اجتماعی و مسئولیت‌های کشوری، همه این امور را با برخورداری از وجدان کاری انجام دهیم؛ آن را خوب و دقیق و کامل و تمام انجام دهیم و به تعبیر معروف، برای کار سنگ تمام بگذاریم ...<sup>۱</sup>

کاری کنیم که کار و عمل سازنده، چه عمل فرهنگی و چه عمل اقتصادی و چه عمل اجتماعی و چه سیاسی، برای آن کسی که کننده آن است یک عمل مقدس به کار بیاید ... و همه احساس کنند

---

۱. پیام نوروزی امام خامنه‌ای داماد، ۱۳۷۳/۱/۱.

که این کاری که انجام می‌دهند، این یک عبادت است، یک عمل خیر و صالح است، باید این کار را با جدّیت و به نیکی انجام بدهند...<sup>۱</sup>

از سرهم‌بندی و کار را به امان و حال خود رهاکردن و به کار نپرداختن و بی‌اعتنایی به استحکام یک کار به شدّت پرهیز شود...<sup>۲</sup>

### ۱۳-۲. وجدان کاری در آیات و روایات

«وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ (حج: ۷۸)؛ در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمایید.»

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ (نمل: ۸۸).

کوه‌ها را می‌بینی و آن‌ها را ساکن و جامد می‌پنداری؛ درحالی‌که، مانند ابر در حرکتند؛ این صنع و آفرینش خداوندی است که همه‌چیز را متقن آفریده؛ او از کارهایی که شما انجام می‌دهید مسلماً، آگاه است!

«لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (شعراء: ۳)؛ گویی می‌خواهی جان

خود را از شدّت اندوه از دست دهی به‌خاطر اینکه آن‌ها ایمان نمی‌آورند!»

رسول خدا ﷺ: «إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُثِّقْ»<sup>۳</sup>؛ هرگاه یکی از شما کاری

انجام می‌دهد، آن را محکم و دقیق انجام دهد.»

۱. پیام نوری امام خامنه‌ای (مدظله)، ۱۳۷۴/۱/۱.

۲. پیام نوری امام خامنه‌ای (مدظله)، ۱۳۸۵/۱/۱.

۳. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۳، ص ۲۶۳.

رسول خدا ﷺ: «الْأُمُورُ بِتَمَامِهَا وَالْأَعْمَالُ بِخَوَاتِمِهَا»<sup>۱</sup> [ارزش] کارها به تمام شدن آن‌ها و اعمال به پایان یافتن آن‌هاست.»

رسول خدا ﷺ: «إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى مَلَكًا يَنْزِلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ فَيَنَادِي يَا أَبْنَاءَ الْعَشْرِينَ جِدُّوا وَاجْتَهِدُوا»<sup>۲</sup> برای خداوند فرشته‌ای است که هر شب خطاب به جوانان بیست‌ساله ندا می‌دهد (برای سعادت و رستگاری خود) کوشش و تلاش کنید.»

رسول خدا ﷺ: «مُتَوَاصِلِ الْأَحْزَانِ دَائِمِ الْفِكْرَةِ لَيْسَتْ لَهُ رَاحَةٌ»<sup>۳</sup> پیوسته هاله‌ای از حزن و وجودش را فرا گرفته بود، همواره فکر می‌کرد، راحتی و آسایش برایش وجود نداشت.»

امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَنْغِصُ كَثْرَةَ النَّوْمِ وَكَثْرَةَ الْفَرَاغِ»<sup>۴</sup> همانا خداوند عز و جل بدش می‌آید از زیاد خوابیدن و زیاد بیکار بودن.»

امام کاظم علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ يَنْغِصُ الْعَبْدَ النَّوَامَ الْفَارِغَ»<sup>۵</sup> همانا خدای جل و عز از بنده پر خواب و بیکار بدش می‌آید.»

### ۱۳-۳. مصادیق و نمودهای وجدان کاری

- مراعات کامل ساعت کاری و پرهیز از کم کاری.
- دقت و سرعت عمل در انجام وظایف محوله و پرهیز از مسامحه و وقت‌گذرانی.
- رعایت دقیق سلسله مراتب با توجه به جایگاه تشکیلاتی سپاه که مستقیم، زیر نظر مقام ارجمند ولایت فقیه انجام وظیفه می‌کند.

---

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۴، ص ۱۶۵.

۲. حسین بن محمدتقی نوری، همان، ج ۱۲، ص ۱۵۷.

۳. حسن بن فضل طبرسی، همان، ص ۱۲.

۴. محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۸۴.

۵. همان.



- انجام کار با کیفیت خوب به معنای دقت و صحت کار، سلیقه و نظافت در کار، کامل بودن آن، رعایت اولویت در انجام کارها برحسب اهمیت.
- توجه به کمیت کار؛ به این معنا که، حجم کار، مقدار، اندازه و یا زمان انجام کار در سطح استانداردها و یا باتوجه به میزان بهره‌گیری از هشتاد درصد ساعت کار اداری باشد.
- ابتکار و خلاقیت در کار، ابداع شیوه‌های مؤثر در کار، به کارگیری شیوه‌های مناسب در جهت بهبود روش‌ها و تقلیل هزینه‌ها و ...
- پیگیری دستورهای مقامات مافوق تا حصول نتیجه، پیگیری مستمر مراحل پیشرفت فعالیت‌ها، باتوجه به برنامه کار و جداول زمان‌بندی و ...
- رعایت نظم و انضباط اداری.
- علاقه، پشتکار و جدّیت در کار، دلسوزی و احساس مسئولیت نسبت به کار.
- پذیرش اشتباهات خود و کوشش در جهت رفع آن‌ها و پذیرش دیدگاه‌های منطقی دیگران و ...
- مراقبت از ابزار و وسایل کار و استفاده صحیح و بجا از امکانات و ...
- پایبندی به همه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی به‌طور عموم و قوانین سپاه به‌طور خصوص.
- مقدم داشتن مصالح جمعی بر منافع شخصی و تقویت روحیه ایثارگری.

### ۱۳-۴. آثار و برکات

#### ۱۳-۴-۱. نجات و رهایی در روز قیامت

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

مَنْ وَلِيَ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ آتَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُوقَفَ عَلَى جِسْرِ جَهَنَّمَ؛

فَإِنْ كَانَ مُحْسِنًا نَّجَا، وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا انْخَرَقَ بِهِ الْجِسْرُ...<sup>۱</sup>

هرکس که مسئولیت حتی یک نفر از مردم را برعهده داشته باشد روز قیامت روی پل جهنم نگه داشته خواهد شد، اگر درست عمل کرده باشد نجات پیدا می کند و اگر بد عمل کرده باشد، به جهنم سقوط می کند.

### ۱۳-۴-۲. پیشرفت و جلوگیری از آسیب پذیری

امام خامنه ای دامنه ای می فرماید:

هنگامی که احاد ملت بتوانند درون خودشان را با امید، ایمان، نشاط و وجدان کار و آگاهی و معرفت بسازند. همچنین، بتوانند با استحکام بخشیدن به رابطه خود با خداوند متعال و تحکیم معنویت در درون، به وسیله دعا و با استعانت از خدا، با توکل، خضوع و عبادت، جان و دل خود را روشن کنند و به آن امید و اطمینان و آرامشی که برای سعادت انسان لازم است، برسند. در چنین وضعیتی است که یک ملت در مقابل حوادث زمانه، دیگر به هیچ وجه آسیب پذیر نخواهد بود.<sup>۲</sup>

---

۱. محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۱۳، ص ۵۳۱.

۲. پیام نوری امام خامنه ای دامنه ای، ۱۳۸۵/۱/۱.

## گفتار چهاردهم روحیه و عمل جهادی

### ۱-۱۴. تعریف روحیه جهادی

امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در تبیین چیستی روحیه جهادی و انقلابی می‌فرماید:

[روحیه جهادی] یعنی اعتقاد به اینکه «ما می‌توانیم» و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه ظرفیت وجودی و ذهنی.<sup>۱</sup> روحیه جهادی یعنی کار را برای خدا انجام دادن، کار را وظیفه خود دانستن، همه نیروها را در راه کار درست به میدان آوردن؛ این روحیه جهادی است.<sup>۲</sup>

معظم له روحیه انقلابی را هم «اسیر حدود تحمیلی نشدن، قانع به گیرندگی قطره‌چکانی نشدن، با امید به دنبال هدف حرکت کردن و با انگیزه و با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به دست آوردن» معنا می‌کنند،<sup>۳</sup> و فداکاری،

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در دیدار با کشاورزان، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در دیدار با شرکت کنندگان همایش ملی نخبگان فردا، ۱۳۹۴/۷/۲۲. ایشان در بیانی دیگر می‌فرماید: «روحیه جهادی همان روحیه سنگسازان بی‌سنگر جهاد سازندگی است که غسل شهادت می‌کردند، روی بولدوز می‌نشستند تا خاکریز بزنند» (بیانات امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در دیدار با جهادگران و کشاورزان، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴).

۳. بیانات امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در دیدار با هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۴/۱.

ایثار، ابتکار، کوچک شمردن موانع و اتکای به خود و اعتماد مطلق و توکل به خدای متعال را از شاخص‌های آن برمی‌شمارند.<sup>۱</sup>

از نگاه معظم له کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمان‌ها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان‌شاءالله خدمت به خوبی انجام بگیرد.<sup>۲</sup>

## ۱۴-۲. روحیه جهادی در آموزه‌های دینی

«وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ (حج: ۷۸)؛ و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید!»

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت: ۶۹)؛ و آن‌ها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.»

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (توبه: ۷۳)؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان به جهاد برخیز و نسبت به آنان سخت‌گیری کن [و درشت‌خو باش]؛ و جایگاهشان دوزخ است؛ و دوزخ بد بازگشت‌گاهی است.»

امام علی علیه السلام: «أَيُّ الْقَوْمِ الَّذِينَ... هَيِّجُوا إِلَى الْجِهَادِ قَوْلُهُمْ وَلَهُ اللَّقَاحُ إِلَى أَوْلَادِهِا»<sup>۳</sup> کجایند قوم که ... به جهاد برانگیخته شدند؛ پس، مانند شیفتگی شتران به اولادشان، شیفته و دل‌باخته جهاد گشتند.»

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای دامت‌الله در دیدار با فرمانده کل، نماینده ولی فقیه، فرماندهی نیروی زمینی، مسئولان

دفاتر نمایندگی و فرماندهان یگان‌های نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰/۲/۲۱.

۲. بیانات امام خامنه‌ای دامت‌الله در دیدار با اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۲/۶/۶.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱.

امام خامنه‌ای (عجله) می‌فرماید:

روحیه جهادی را بر روحیه تافته جدا بافته بودن ترجیح بدهید. یکی از خطراتی که گریبان کسانی را که یک امتیازی دارند می‌گیرد، این است که احساس کنند تافته جدا بافته‌اند، احساس کنند یک سر و گردن از همه بالاترند؛ این خطر بزرگی است، این یک خطر شخصیتی است، یک بیماری شخصیتی است؛ نگذارید این بیماری در شما رشد بکند و راهش هم این است که کار جهادی و روحیه جهادی را در خودتان تقویت کنید.

ما پیشرفت‌های علمی و پژوهشی بسیار زیادی در بخش‌های مختلف داشته‌ایم که ستون اصلی این بخش‌ها را همین جوانان انقلابی و بچه‌های مؤمن تشکیل داده‌اند. آن‌ها بودند که وارد میدان شدند و براساس همان روحیه، بسیاری از گردنه‌ها و عقبه‌های تحقیقات و کار مهم علمی را پیش بردند. بله؛ معنویت، دنیای انسان را هم آبادتر می‌کند؛ منتها دنیای سالم. آنجایی که فرهنگ جهادی نیست و فرهنگ مادی حاکم است، هر انسانی به تنهایی خودش محور همه حوادث عالم است؛ سود را برای خود می‌خواهد و ضرر را از خود دفع می‌کند. اصل برای او این است؛ لذا، تعارض‌ها و بی‌اخلاقی‌ها و بی‌صداقتی‌ها و دشمنی‌ها پیش می‌آید؛ آنجایی که، حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل می‌شود و خود را فراموش می‌کند. این روحیه را باید در جامعه تقویت کرد.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (عجله) در دیدار با شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا»،

با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت. با حرکت عادی و احياناً خواب  
آلوده و بی‌حساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد. یک همت  
جهادی لازم است. تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها  
لازم است. باید حرکتی که می‌شود، هم علمی باشد، هم پر قدرت  
باشد، هم با برنامه باشد و هم مجاهدانه باشد.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (علیه السلام) در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.

## گفتار پانزدهم

# الزامات و شاخصه‌های عمل جهادی و انقلابی

### ۱۵-۱. تلاش همه‌جانبه و ایستادگی در مقابل دشمن

اصولاً، جهاد که کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر است با دو خصوصیت: برای خدا بودن و مقابله با دشمن معنا می‌یابد. مؤمن نیز جهاد، کار و تلاشش را برای خدا، رضایت او و با انگیزه‌ی ادای وظیفه به انجام می‌رساند. بدیهی است خداوند هم او را هدایت و به او نورانیت قلبی عطا می‌کند:

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت: ۶۹)،

همانا کسانی که در راه رضایت ما به مجاهدت و تلاش می‌پردازند، هرآینه ما آنان را به راه‌های خود هدایت می‌کنیم و به‌درستی که خدا با نیکوکاران است.»

### ۱۵-۲. اخلاص در عمل

«انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (توبه: ۴۱)؛ (همگی به سوی میدان جهاد) حرکت کنید؛ سبکبار باشید یا سنگین بار! و با اموال و جان‌های خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید!»

امام خامنه‌ای داماد می‌فرماید:

عزیزان من! اخلاص چیز خیلی مهمی است؛ اخلاص را فراموش

نکنید. هر کاری می‌کنید با اخلاص باشد. اخلاص یعنی هیچ انگیزه

دیگری را جز انگیزه الهی و رضای پروردگار و انجام مأموریت و مسئولیت خدایی وارد کار نکنید. این معنایش اخلاص است. این اخلاص برکت عجیبی دارد.<sup>۱</sup>

### ۱۵-۳. مبارزه دانستن کار و مأموریت

امام خامنه‌ای (عج) می‌فرماید:

کار یک ارزش و یک فضیلت اسلامی است ... نظام اسلامی و میهن عزیز ما، در طول سال‌های بعد از انقلاب تا امروز، با دشمنان روبه‌رو و سینه به سینه بوده است ... پس، محیط ایران اسلامی، محیط تلاش برای مقابله با دشمنان است. دنیای امروز دنیای مبارزه است ... در این میدان عظیم مبارزه جهادی و مبارزه اسلامی، کار، یک مبارزه است.<sup>۲</sup> به همه توصیه می‌کنم که کار را یک ارزش والا بدانند. امروز، حقیقتاً کار، در هر جبهه‌ای که باشد، یک جهاد محسوب می‌شود.<sup>۳</sup>

### ۱۵-۴. خودباوری

خودباوری یعنی معتقد باشیم به اینکه «ما می‌توانیم»؛ امام خامنه‌ای (عج) می‌فرماید:

امام آمد این روح حقارت را گرفت و در طول پانزده سال نهضت امام تا پیروزی انقلاب و از روز پیروزی انقلاب به نحو دیگری تا ده سال عمر بابرکت آن بزرگوار، دائم روح خودباوری را در این ملت دمید: شما

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (عج) در دیدار با فرماندهان سپاه، ۱۳۷۶/۶/۲۶.

۲. بیانات امام خامنه‌ای (عج) در دیدار جمعی از معلّمان و کارگران، ۱۳۷۱/۲/۹.

۳. پیام نورزوی امام خامنه‌ای (عج)، ۱۳۷۱/۱/۱.



می‌توانید، ما می‌توانیم، شما قادرید، شما بزرگید، شما قدرتمندید. این خودباوری و اعتماد به نفس ملی یکی از دو رکن اساسی پیشرفت هر کشور است. یک رکن، امکانات مادی است، اما امکانات مادی کافی نیست... مؤلفه‌های دیگری لازم است؛ مؤلفه‌های معنوی. یکی از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها، همین خودباوری است، اعتماد به نفس است و اینکه یک ملت باور کند که می‌تواند. امام ملت ما را به این باور رساند که می‌تواند بایستد؛ می‌تواند مقاومت کند؛ می‌تواند کشور خود را آزاد کند؛ می‌تواند نظامی را، که خود به وجود آورده است، با کمال قدرت این نظام را حفظ کند.<sup>۱</sup>

#### ۱۵-۵. خستگی‌ناپذیری

امام خامنه‌ای داماد می‌فرماید:

من از همه کارکنان، متخصصان و فعالان این عرصه، ضمن تشکر، بجد می‌خواهم که کار خودتان را جهاد فی سبیل الله بدانید؛ احساس خستگی نکنید و بدانید جهاد فی سبیل الله وعده الهی بر پیروزی آن است. وقتی برای خدا و در راه خدا حرکت می‌کنید، به پیروزی خواهید رسید.<sup>۲</sup>

#### ۱۵-۶. استفاده از همه ظرفیت

امام خامنه‌ای داماد می‌فرماید:

واقعیت‌هایی وجود دارد: یک واقعیت عبارت است از ظرفیت‌های

۱. بیانات امام خامنه‌ای داماد در مراسم بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی ره، ۱۳۸۸/۳/۱۴.

۲. بیانات امام خامنه‌ای داماد در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه، ۱۳۹۰/۱/۸.

فراوان و سرمایه‌های فراوانی که در کشور ما وجود دارد؛ هم سرمایه‌های طبیعی داریم، هم سرمایه‌های انسانی داریم، هم فرصت‌های بین‌المللی داریم. امروز، کشور ما به‌خاطر این سرمایه‌ها ظرفیت پیشرفت فوق‌العاده‌ای را در درون خود دارد؛ این یک واقعیت. امروز، جمهوری اسلامی به یک قدرت اثرگذار در سطح منطقه و در مواردی در سطح جهان تبدیل شده است؛ این یک واقعیتی است که وجود دارد.<sup>۱</sup>

## ۱۵-۷. اعتماد به جوانان

- اعتماد به داوود در جنگ با جالوت: «فَهَزَمُوهُمْ بِأَذْنِ اللَّهِ وَكَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ» (بقره: ۲۵۱)؛ سپس به فرمان خدا، آن‌ها سپاه دشمن را به هزیمت وا داشتند و داوود (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر طالوت بود)، جالوت را کشت و خدوند، حکومت و دانش را به او بخشید و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد.»

- الگو دانستن موسی بن عمران در عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی:

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ (قصص: ۱۵).

او در موقعی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد، ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند، یکی از پیروان او بود و دیگری از دشمنانش. آن یک که از پیروان او بود از وی در برابر

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۵/۱/۱.

دشمنش تقاضای کمک کرد، موسی مشت محکمی بر سینه او زد و کار او را ساخت (و بر زمین افتاد و مرد!).

امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در تعریف روحیه جهادی با اشاره به این مفهوم می‌فرماید: «روحیه جهادی... اعتماد به جوان‌ها... به نیروهای با استعداد، چه از جوان‌ها باشند و چه از انسان‌های با تجربه، اعتماد کنند. اعتماد به این افراد و توکل به خدای متعال و اخلاص نیت برای خدا، اساس کار است.»<sup>۱</sup> ایشان در تبیین آثار اعتماد به جوانان می‌فرماید: «گر ما به جوان اعتماد کنیم ... از غیر جوان هم بهتر و مسئولانه‌تر کار را انجام می‌دهد؛ هم سریع‌تر پیش می‌برد؛ هم کار را تازه‌تر و همراه با ابتکار بیشتری به ما تحویل خواهد داد؛ یعنی، روند پیشرفت در کار حفظ می‌شود.»

## ۱۵-۸. داشتن انگیزه الهی و خدمت به دیگران (خودفراوشی)

امام خامنه‌ای رحمته الله علیه می‌فرماید:

گر کار با روحیه جهادی انجام شود؛ مانند این است که جهاد می‌کنند، «مثل اینکه در جبهه جهاد فی سبیل الله اند. فرق می‌کند اینکه کسی برای پول، برای مقام، برای شهرت یا فقط برای خود علم کار کند؛ یا نه به عنوان جهاد فی سبیل الله کار کند، در راه خدا تلاش کند ... این خیلی ارزش دارد.»<sup>۲</sup>

## ۱۵-۹. جوشندگی، خلاقیت و ابتکار

یکی از اهداف بعثت انبیا نیز پرورش روحیه خلاقیت و نوآوری در

۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در دیدار با کشاورزان، ۱۴/۱۰/۱۳۸۴.

۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمته الله علیه در حرم مطهر رضوی، ۱/۱/۱۳۹۱.

انسان هاست؛ چنان که حضرت علی علیه السلام می فرماید: «يَشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ»<sup>۱</sup> [خداوند پیامبران را برانگیخت تا] توانمندی های پنهان شده عقل ها را برای آنان آشکار سازند.»

امام خامنه ای دامنه الله می فرماید: «یک نوع کار، ابتکار و آفرینش کار است؛ پیدا کردن راه های نو، شیوه های نو، شیوه های کارآمدتر؛ چه در کارهای محدود، چه در کارهای کلان، فکر لازم دارد، تلاش لازم دارد.»<sup>۲</sup> ایشان در خصوص آثار خلاقیت و ابتکار می فرماید: «سازندگی، آنجا که متکی به عشق و شوق و ابتکار و خلاقیت انسان ها باشد، با همه فقدها و نداشتن ها هم میسر است.»<sup>۳</sup>

## ۱۵-۱۰. استقامت داشتن

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت: ۳۰).

کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است؛ سپس، استقامت کردند، فرشتگان بر آن ها نازل می شوند که ترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما به آن بهشت که به شما وعده داده شده است. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (آل عمران: ۲۰۰).

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

۲. بیانات امام خامنه ای دامنه الله در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۹/۴/۲۳.

۳. بیانات امام خامنه ای دامنه الله در مراسم صبحگاه نظامی پایگاه نیروی دریایی ارتش، ۱۳۷۰/۱۰/۱۲.

ای اهل ایمان! [در برابر حوادث] شکیبایی کنید، و دیگران را هم به شکیبایی وادارید و با یکدیگر پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا [بر موانع راه سعادت] پیروز شوید.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (احقاف: ۱۳-۱۴).

کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»؛ سپس، استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. آن‌ها اهل بهشتند و جاودانه در آن می‌مانند؛ این پاداش اعمالی است که انجام می‌دادند.

## گفتار شانزدهم رشد و تعالی همه جانبه

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ  
الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره: ۱۷۷).

نیکی (تنها) این نیست که (به هنگام نماز)، روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید (و تمام گفتگوی شما درباره قبله و تغییر آن باشد؛ و همه وقت خود را مصروف آن سازید)؛ بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان انفاق می‌کند. نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد؛ و (همچنین)، کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند؛ و در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند؛ این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند؛ و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است)؛ و این‌ها هستند پرهیزکاران!

«يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله: ۱۱)؛ خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می بخشد و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است!»

امام صادق علیه السلام: «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَآهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ»<sup>۱</sup> هر کسی که در روزش مساوی باشد (و روز بعد بهتر از روز قبل نباشد) مغبون است.»

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ، وَسَاعَةٌ لِامْرِئِ الْمَعَاشِ، وَسَاعَةٌ لِمُعَاشَرَةِ الْأَخْوَانِ وَالثَّقَاةِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَيَخْلُصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ، وَسَاعَةٌ تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَبِهَذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ.<sup>۲</sup>

بکوشید که اوقات شبانه روزی شما چهار قسمت باشد: ۱. قسمتی برای مناجات با خدا؛ ۲. قسمتی برای تهیۀ معاش؛ ۳. قسمتی برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتماد که عیب های شما را به شما می فهمانند و در دل به شما اخلاص می ورزند؛ ۴. و قسمتی را هم در آن خلوت می کنید برای درک لذت های حلال [و تفریحات سالم] و به وسیله انجام این قسمت است که بر انجام وظایف آن سه قسمت دیگر توانا می شوید.

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۸، ص ۱۷۳.

۲. همان، ج ۷۵، ص ۳۲۱.

## گفتار هفدهم مردم‌داری

مردمی بودن با مردم و برای مردم و در خدمت آنان و شریک درد و رنج و راحت و غم دیگران بودن است.

«تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (مانده: ۲)؛ در راه نیکی و

پرهیزکاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری نکنید.»

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ

رءُوفٌ رَحِيمٌ (توبه: ۱۲۸)؛ همانا رسولی از جنس شما برای (هدایت) شما آمد

که فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او سخت می‌آید و بر (آسایش و

نجات) شما بسیار حریص و به مؤمنان رئوف و مهربان است.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى (بقره: ۲۶۴)؛ ای کسانی

که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار، باطل نسازید!»

رسول خدا ﷺ: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاخُمِهِمْ وَتَوَادُّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ؛ إِذَا

اشْتَكَى غَضُوا تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى؛<sup>۱</sup> مؤمنان را در مهربانی و

دوستی و مهرورزی نسبت به یکدیگر، همانند یک پیکر می‌بینی که هرگاه

عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضای پی، در بی‌خوابی کشیدن و تب، با آن،

هم‌نوابی و هم‌دردی می‌کنند.»

---

۱. ابوالقاسم پاینده، همان، ص ۳۸۲.



امام سجاده علیه السلام: «وَأَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ، وَلَا تَمَحَقُهُ بِالْمَنْ؛<sup>۱</sup> خدایا خیر واسع و کامل را، تو بر دستان من جاری ساز.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَيَسْعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ؛<sup>۲</sup> شما با دارایی خود نمی توانید دل مردم را به دست بیاورید؛ پس، دلشان را با اخلاق (نیک) به دست آورید.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ؛<sup>۳</sup> پروردگارم، همان گونه که مرا به انجام واجبات فرمان داده، به مدارا کردن با مردم نیز فرمان داده است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَالرِّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ؛<sup>۴</sup> مدارا کردن با مردم نصف ایمان است و نرمی و مهربانی کردن با آنان نصف زندگی است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «حَصَلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْبِرِّ شَيْءٌ إِلَّا إِيْمَانٌ بِاللَّهِ وَ النَّفْعُ لِعِبَادِ اللَّهِ...؛<sup>۵</sup> ایمان به خدا و سود رساندن به بندگان او، دو خصلت نیک است که برتر از آن چیزی نیست.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ؛<sup>۶</sup> بلند مرتبه ترین مردم نزد خداوند در روز قیامت کسی است که در روی زمین بیشتر در خیرخواهی و ارشاد مردم قدم بردارد.»

۱. علی بن الحسین علیه السلام، صحیفه سجادیه، قم، الهادی، ۱۳۷۶، دعای ۲۰، ص ۹۲.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۸، ص ۳۸۳.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۱۳۵.

۴. همان، ج ۷۲، ص ۴۴۰.

۵. همان، ج ۷۴، ص ۱۳۷.

۶. همان، ج ۷۱، ص ۳۵۸.

رسول خدا ﷺ: «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ؛<sup>۱</sup> سرآغاز عقل و خردمندی بعد از ایمان به خدا اظهار محبت به مردم و دوستی با آنان است.»  
امام علی علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ الَّذِي يُحِبُّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَ يَكْرَهُ لَهُ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ؛<sup>۲</sup> خداوند دوست دارد آن مسلمانی را که آنچه را برای خود می خواهد برای برادر دینی اش هم بخواهد و آنچه را برای خویشتن نمی خواهد برای او هم نخواهد.»

امام حسن علیه السلام: «صَاحِبِ النَّاسِ مِثْلَ مَا تُحِبُّ أَنْ يَصَاحِبُوكَ بِهِ؛<sup>۳</sup> با مردم به گونه ای رفتار کن که دوست داری با تو آن گونه رفتار کنند.»

رسول خدا ﷺ: «الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُ اللَّهِ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ؛<sup>۴</sup> مردمان همگی عیال خداوندند؛ پس، محبوب ترین افراد در نزد خداوند خدمت گزارترین شان نسبت به عیال خداوندند.»

امام صادق علیه السلام: «الْخَلْقُ عِيَالِي، فَأَحَبُّهُمْ إِلَيَّ أَطْفُلُهُمْ بِهِمْ وَ أَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ؛<sup>۵</sup> خلق، عیال من هستند؛ از این رو، محبوب ترین شان نزد من، مهربان ترین شان نسبت به آنان است و کسی که بیشتر برای برآوردن نیازهایشان می کوشد.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
وَ مَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا فَرَّحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.<sup>۶</sup>

---

۱. همان، ج ۱، ص ۱۳۱.

۲. همان، ج ۲۷، ص ۸۹.

۳. همان، ج ۷۵، ص ۱۱۶.

۴. عبدالله بن جعفر حمیری، قرب السناد، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۳ق، ص ۱۲۰.

۵. محمد بن حسن حرعاملی، همان، ج ۱۶، ص ۳۶۷.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۱۹۷.

خداوند را در روی زمین بندگانی است که در برآورده ساختن نیازهای مردم تلاش می‌کنند. این‌ها روز قیامت در امانند. هرکسی که مؤمنی را شاد سازد، خداوند در روز قیامت دل او را شاد می‌کند.

فصل ششم:

سبک زندگی اسلامی در ارتباط با حاکمیت



## گفتار هیجدهم مردم و حکومت

### ۱۸-۱. ارتباط با نظام و حاکمیت

#### ۱۸-۱-۱. حضور در صحنه‌های اجتماعی با محوریت امام

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ (نور: ۶۲)؛ مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند، بی اجازه او جایی نمی‌روند.»

#### ۱۸-۱-۲. رعایت حقوق متقابل حاکم و مردم (بیعت - نصیحت - تبعیت)

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَلَكُمْ عَلَى حَقِّي فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالتَّصِيحَةُ لَكُمْ وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَالتَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُكُمْ.<sup>۱</sup>

ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من آنکه از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان

---

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۴.

نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید؛ و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار باشید و در آشکار و نهان برایم خیرخواهی کنید؛ هرگاه شما را فراخواندم اجابت نمایید و فرمان دادم اطاعت کنید.

### ۱۸-۱-۳. تبعیت از قوانین

«أَوْصِيكُمَا وَجْمِيعَ وُلْدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظِمِ أَمْرِكُمْ؛<sup>۱</sup> شما و همه فرزندان و خانواده‌ام و هرکس که نوشته‌ام به او برسد را به تقوای الهی و نظم در کارتان سفارش می‌کنم.»

### ۱۸-۱-۴. تلاش اقشار مردم برای پیشرفت نظام اسلامی در حوزه‌های مختلف

«الْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالٍ بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيْلَ عَلَيْهِ؛<sup>۲</sup> دانش، سلطنت و قدرت است. هر که آن را بیابد، با آن یورش برد و هر که آن را از دست بدهد، بر او یورش برند.»

### ۱۸-۱-۵. تلاش برای حفظ نظام و امنیت

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا (نساء: ۸۳).

و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آن‌ها برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می‌سازند؛ درحالی که، اگر آن را به پیامبر و

۱. همان، نامه ۴۷.

۲. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۱۹.

پیشوایان - که قدرت تشخیص کافی دارند - بازگردانند، از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند شد؛ و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، همگی از شیطان پیروی می‌کردید و گمراه می‌شدید.

### ۱۸-۲. مشارکت مردم در مسائل مختلف (بسیج)

«وَإِنْ يَرِيدُوا أَنْ يَخَذَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ (انفال: ۶۲)؛ و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است؛ او همان کسی است که تو را، با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد.»

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید:

ملت باید ناظر باشد به اموری که در دولت می‌گذرد.<sup>۱</sup> یک کشور وقتی آسیب می‌بیند که ملتش بی تفاوت باشند.<sup>۲</sup> ملت همه باید حاضر باشند در مسائل سیاسی. مردم نباید کنار بروند. اگر مردم کنار بروند، همه شکست می‌خوریم. حضور شما مردم عزیز و مسلمان در صحنه است که توطئه‌های ستمگران و حيله‌گران تاریخ را خنثی می‌کند.<sup>۳</sup>

### ۱۸-۳. تبعیت از رهبری و حمایت از مسئولان

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَاطِيعُوا أَمْرِي (طه: ۹۰).

و پیش از آن، هارون به آن‌ها گفته بود: «ای قوم من! شما به این

---

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام

خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۱۷.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۶۰.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۱۷.



وسیله مورد آزمایش قرار گرفته‌اید! پروردگار شما خداوند رحمان

است! پس از من پیروی کنید و فرمانم را اطاعت نمایید.»

امام خامنه‌ای (علیه السلام) می‌فرماید:

امروز وظیفه همه آحاد ملت این است که از مسئولین کشور حمایت

کنند و به مسئولین دولتی کمک کنند.<sup>۱</sup>

وظیفه آحاد مردم در قبال مسئولین، اعتماد کردن و همراه بودن با

آن‌هاست.<sup>۲</sup>

به همه آحاد مردم و کسانی که نسبت به مسائل جامعه دلسوز و

ذی‌علاقه‌اند و حقیقتاً، مصلحت جامعه را دنبال می‌کنند می‌گویم که

پشتیبانی و حمایت از قوه مجریه و قوه قضائیه و مسئولان بالای

کشور لازم است و تضعیف آن‌ها حرام می‌باشد. همه باید این را

رعایت کنند.<sup>۳</sup>

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (علیه السلام) در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱.

۲. بیانات امام خامنه‌ای (علیه السلام) در دیدار با مردم مازندران، ۱۳۸۸/۱۱/۶.

۳. بیانات امام خامنه‌ای (علیه السلام) در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۷/۱۲.

فصل هفتم:  
سبک زندگی اسلامی در ارتباط با دشمن



## گفتار نوزدهم رفتار با دشمن

### ۱۹-۱. توطئه‌های دشمن

بی‌شک، دشمن‌شناسی از محوری‌ترین مباحث در موضوع دفع تهدیدها و دفاع از یک ملت به‌شمار می‌رود. چه بسا امت‌هایی که در طول تاریخ بر اثر غفلت از دشمنان و فقدان آگاهی و بصیرت لازم سیاسی و اجتماعی در شناخت توطئه‌های بیگانگان و اتخاذ مواضع به موقع و درستِ نخبگان و خواص، به سرنوشتی هلاکت‌بار دچار شدند:

- ایجاد یأس و ناامیدی؛

- نفوذ؛

- مردم را مقابل نظام قرار دادن؛

- برجسته‌سازی مشکلات و کمبودها؛

- انکار و کتمان موفقیت‌های و دستاوردها؛

- ایجاد ترس؛

- اختلاف افکنی و تفرقه؛

- تحریف واقعیت‌ها؛

- تحقیر؛

- تحریم.

## ۱۹-۲. راهکارهای مقابله با دشمن

مسلمانان همواره باید بکوشند تا ضمن دشمن شناسی، روحیه مقابله و ستیز با دشمن را در دل نسل های متوالی حفظ کند.

### ۱۹-۲-۱. شناخت دشمن

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنَّ يُوحَىٰ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا (انعام: ۱۱۲)؛ اینچنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم؛ آن ها به طور سری (و درگوشی) سخنان فریبنده و بی اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می گفتند.»

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا (فاطر: ۶)؛ البتّه شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید.»

رسول خدا ﷺ: «إِنَّ أَغْلَلَ النَّاسِ عِبْدُ عَرَفَ رَبِّهِ فَأَطَاعَهُ وَ عَرَفَ عَدُوَّهُ فَعَصَاهُ؛<sup>۱</sup> عاقل ترین مردم کسی است که خدایش را بشناسد و از او پیروی کند و دشمن را نیز بشناسد و آن گاه نافرمانی اش نماید.»

امام علی علیه السلام می فرماید:

وَقَدْ فُتِحَ بَابُ الْحَرْبِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ أَهْلِ الْقِبْلَةِ وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ  
الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمُ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ فَاْمُضُوا لِمَا تُؤْمَرُونَ بِهِ وَ قِفُوا عِنْدَ مَا  
تُنْهَوْنَ عَنْهُ وَ لَا تَعْجَلُوا فِي أَمْرِ حَتَّى تَتَبَيَّنُوا.<sup>۲</sup>

مردم! هم اکنون آتش جنگ بین شما و اهل قبله شعله ور شده است و این پرچم مبارزه را جز افراد آگاه و با استقامت و عالم به جایگاه حق به دوش نمی کشند؛ بنابراین، آنچه فرمان دادند انجام دهید و از

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷، ص ۱۷۹.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳.

آنچه نهی کردند توقف کنید و در هیچ کاری تا روشن نشود شتاب نکنید.

امام خامنه‌ای دامت‌الله می‌فرماید:

دشمن را خوب بشناسید، مبدا از شناسایی دشمن غفلت کنید، غریبه‌هایی که خود را در لباس خودی در همه‌جا داخل می‌کنند، این‌ها را بشناسید، دست‌های پنهان را ببینید، هیچ‌کس به‌خاطر غفلت ستایش نمی‌شود، هیچ‌کس به‌خاطر چشم‌ها را برهم گذاشتن مدح نمی‌شود.<sup>۱</sup>

دشمن را بشناسید، ادامهٔ صفوف دشمن را در داخل کشور بشناسید، روش‌های دشمن را بشناسید، تبدیل‌شده و ترجمه‌شدهٔ آن روش‌ها در داخل کشور را هم بشناسید، در داخل دانشگاه، در داخل دبیرستان، در متن جامعه، در فعالیت کشور، در مطبوعات و تبلیغات، ادامهٔ حضور استکبار را بشناسید.<sup>۲</sup>

## ۱۹-۲-۲. هوشیاری و بیداری

«... وَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً...» (نساء: ۱۰۲)؛ ... [دشمنان] کافر دوست دارند شما از سلاح‌ها و امکانات و ظرفیت‌های خود غافل شوید و یک‌مرتبه به شما هجوم کنند ...»

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (انفال: ۶۵).

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای دامت‌الله در پی حادثه کوی دانشگاه تهران، ۱۳۷۸/۴/۲۱.

۲. بیانات امام خامنه‌ای دامت‌الله در دیدار با جمعی از دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۷۵/۸/۹.

ای پیامبر! مؤمنان را به جهاد برانگیز. اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر غالب می‌شوند، و اگر از شما صد نفر باشند بر هزار نفر از کافران پیروز می‌گردند، زیرا آن‌ها قومی هستند که نمی‌فهمند (بصیرت لازم و واقع‌بینی ندارند).

امام علی علیه السلام: «وَإِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرِقُّ، وَمَنْ نَامَ لَثَيْنَمَ عَنْهُ؛<sup>۱</sup> مرد جنگجو همیشه بیدار و هوشیار است، و هر که از دشمن آسوده بخوابد دشمن نسبت به او نخواهد خفت.»

امام خامنه‌ای دامت‌الله می‌فرماید: «اگر شما در جبهه نبرد خوابتان بُرد، معنایش این نیست که سرباز خطّ مقابل هم خوابش برده؛ نه او بیدار است؛ منتظر است شما خوابتان ببرد تا بر سر شما بتازد.»<sup>۲</sup>

### ۱۹-۲-۳. عدم مماشات و انعطاف (مقاومت)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَئِيمَةً ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (مائده: ۵۴).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرکس از شما، از آیین خود بازگردد، به خدا زبانی نمی‌رساند؛ خداوند جمعیتی را می‌آورد که آن‌ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آن‌ها در راه خدا جهاد

۱. نهج البلاغه، نامه ۶۲.

۲. بیانات امام خامنه‌ای دامت‌الله در دیدار با جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان کرمان،

می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می‌دهد و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست.

وَكَأَيُّنَ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ (آل عمران: ۱۴۶).

و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا به ایشان رسید سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم دشمن نگردیدند و خداوند شکیبایان را دوست دارد.

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (فتح: ۲۹)؛

محمد ﷺ فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.»

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ (فصلت: ۳۰)

کسانی که گفتند: "پروردگار ما الله است"؛ سپس، استقامت کردند، فرشتگان بر آنها نازل می‌شوند.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

(آل عمران: ۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و

هوس‌ها) استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز) پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید!»

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

إِنِّي وَاللَّهِ لَوْ لَقِيتُهُمْ وَاحِدًا وَهُمْ طِلَاعُ الْأَرْضِ كُلِّهَا مَا بَالَيْتُ وَلَا

اسْتَوْحَشْتُ... وَإِنِّي إِلَى لِقَاءِ اللَّهِ لَمُسْتَأَقٍّ وَلِحُسْنِ تَوَابِهِ لَمُنْتَظِرٌ رَاجٍ.<sup>۱</sup>



به خدا سوگند! اگر تنها با دشمنان روبه‌رو شوم؛ در حالی که، آنان تمام روی زمین را پر کرده باشند، بدون ذره‌ای بیم و هراس با آنها روبه‌رو می‌شوم ... و همانا من برای ملاقات پروردگار مشتاق، و به پاداش او امیدوارم.

امام خامنه‌ای (عج) می‌فرماید:

راه پیروزی در این چالش و رویارویی میان نظام جمهوری اسلامی و طواغیت جز «ایستادگی همراه با ایمان و باور به خود و باور به راه خود» نیست؛ باید راه را باور داشته باشیم: «آمن الرسول بما انزل الیه من ربّه و المؤمنون کلّ آمن باللّه» یعنی آحاد مؤمنین به این راه، دست به دست هم بدهند و ایستادگی کنند؛ ایستادگی نشان بدهند. این راه پیشرفت و پیروزی است. اگر این کار را بکنند، پیروزی قطعی است. ما این را در طول این بیست و هفت سال تجربه کرده‌ایم. در میدان‌های گوناگون، آنجایی که حرف خودمان را باور داشته‌ایم و پای آن حرف ایستاده‌ایم، آنجا پیش رفته‌ایم. در دفاع مقدس همین پیش آمد؛ در حفظ اساس این نظام مقدس، همین پیش آمده؛ در پیشرفت روز به روز، بلکه ساعت به ساعت کشور در زمینه‌های مختلف، همین پیش آمده است.<sup>۱</sup>

امروز، ما احتیاج به استقامت داریم ... استقامت کردن در مقابل فریب‌ها و تهدیدهای دشمن، هنر بزرگی است که اگر یک ملت این هنر را داشته باشد، آن وقت به قله می‌رسد؛ به جایی که، دیگر دشمن فایده‌ای در تهدید نمی‌بیند و مجبور است با او بسازد و با درمقابل او تسلیم شود.<sup>۲</sup>

۱. بیانات امام خامنه‌ای (عج) در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۸۵/۷/۱۸.

۲. بیانات امام خامنه‌ای (عج) در دیدار با بسیجیان، ۱۳۸۵/۱/۶.

#### ۱۹-۲-۴. عدم اعتماد به دشمن

امام علی علیه السلام: «لَا تَعْتَرَنَّ بِمَجَامِلَةِ الْعَدُوِّ؛<sup>۱</sup> مبدا زبان خوش دشمن تو را فریب دهد.»  
امام علی علیه السلام: «الْحَذَرُ كُلُّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ زُبْمًا قَارِبَ لِيَتَغَفَّلَ فَخُذْ بِالْحَزْمِ وَانْتِهِمْ فِي ذَلِكَ حُسْنُ الظَّنِّ؛<sup>۲</sup> بعد از سازش و کنار آمدن با دشمن، سخت از او برحذر باش؛ ای بسا دشمن نزدیک شده تا تو را غافل سازد؛ پس، با احتیاط کامل از خوش خیالی و نگاه نیک به دشمن بپرهیز.»

#### ۱۹-۲-۵. دست کم نگرفتن دشمن

امام علی علیه السلام: «لَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَدُوًّا وَ إِنْ ضَعُفَ؛<sup>۳</sup> هیچ دشمنی را کوچک مشمار، اگر چه ناتوان باشد.»

امام علی علیه السلام: «وَ إِنْ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرْقُ، وَ مَنْ نَامَ لَمَيِّنْمْ عَنْهُ؛<sup>۴</sup> مرد جنگجو همیشه بیدار و هوشیار است، و هر که از دشمن آسوده بخوابد دشمن نسبت به او نخواهد خفت.»

امام علی علیه السلام: «مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ تَبَهَّئَهُ الْمَكَايِدُ؛<sup>۵</sup> هر که در برابر دشمن به خواب رود، توطئه‌های دشمن او را بیدار کند.»

#### ۱۹-۲-۶. دوستی نکردن با دشمن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ (آل عمران: ۱۱۸).

---

۱. محمد بن حسین جمال خوانساری، همان، ج ۶، ص ۲۹۲.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۷۴۶.

۴. نهج البلاغه، نامه ۶۲.

۵. محمدرضا حکیمی، همان، ج ۱، ص ۳۳۹.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان کسی را دوست و محرم اسرار خود نگیرید. آنان (بیگانگان) از نابکاری و شرّ و فساد در حق شما کوتاهی نمی‌کنند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (ممتحنه: ۱).

ای ایمان آورندگان، دشمن من و دشمن خود را دوست (خود) نگیرید شما (در حالی) به آنان اظهار دوستی می‌کنید که آنان به حقیقتی که برایتان آمده کافر شده‌اند و پیامبر ﷺ و شما را به دلیل ایمان به خداوند (از شهر خود) بیرون می‌کنند! اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من جهاد کرده‌اید (شما) با آن‌ها پنهانی رابطه دوستی دارید و من به آنچه مخفی کرده‌اید و آشکار کرده‌اید آگاه‌ترم و کسی که چنین کند قطعاً، از راه درست منحرف شده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ (مائده: ۵۷).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، افرادی که آئین شما را به باد استهزا و بازی می‌گیرند، از اهل کتاب و مشرکان، دوست و تکیه‌گاه خود انتخاب نکنید.

#### ۱۹-۲-۷. جهاد و مقابله با دشمن

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ

بَصِيرٌ (انفال: ۳۹)؛ با آن‌ها بجنگید تا فتنه‌ای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد؛ پس، اگر از کفر دست بکشند، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست.»

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ (توبه: ۷۳)؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آن‌ها سخت گیر.»  
«انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (توبه: ۴۱)؛ سبک بار و گران بار بسیج شوید و با مال و جان‌تان در راه خدا جهاد کنید؛ اگر بدانید این برای شما بهتر است.»

#### ۱۹-۲-۸. کسب آمادگی در برابر دشمن

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا (نساء: ۷۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر دشمن هوشیار باشید و به علامت آمادگی) سلاح خود را بردارید، پس به صورت دسته‌های پراکنده و نامنظم یا همه با هم بسوی دشمن حرکت کنید.»

#### ۱۹-۲-۹. مجهز شدن به ابزار روز

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ (انفال: ۶۰).

شما (ای مؤمنان) هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنان دیگری که شما آن‌ها را نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد، بترسانید.

امام علی (علیه السلام): «اسْتَغْمِلْ مَعَ عَدُوِّكَ مُرَاقَبَةً الْإِمْكَانِ وَانْتِهَازَ الْفُرْصَةِ تَظْفَرُ»<sup>۱</sup>  
امکانات و فرصت‌های مناسب را درباره دشمن مورد توجه قرار ده تا بر او ظفر  
یابی.»

### استفتائات:

۱. باتوجه به دشمنی همه‌جانبه دشمن و استفاده او از تجهیزات پیشرفته،  
وظیفه ما در مقابله با دشمن چیست؟

پاسخ: در دفاع از کیان کشور اسلامی آمادگی در جنگ الکترونیک  
جزء اولویت ویژه قرار دارد و لذا، با جهت‌گیری تقویت سرپنجه‌ها،  
اطلاعات، عملیات، جنگال و آموزش تجهیزات مدرن و جدید باید  
توان رزمی نیروها ارتقا یابد.

۲. تکلیف نسبت به دشمن در حال تخاصم چیست؟  
پاسخ: در برابر دشمن در حال تخاصم نباید کوتاه آمد و یک لحظه به  
خود تردید راه داد.

۳. در برابر برنامه‌های دشمن در از بین بردن زیرساخت‌های کشور مانند  
نیروگاه‌ها، تأسیسات، حمل و نقل یا نفوذ و جاسوسی از طریق جنگ سایبری، آیا  
جایزاست با استفاده از فضای مجازی، سازمانی که از این امر جلوگیری کند،  
ایجاد نمود؟

پاسخ: جایز است در حدّ توان و براساس ضوابط قانونی، برای  
جلوگیری از نفوذ دشمن و توطئه‌های آن، اقدام نمود.

۴. آیا جایزاست نهادی به منظور دفاع و حمایت از ارزش‌های دینی و  
جلوگیری از انتشار فساد و رواج اباحی‌گری، در فضای مجازی، ایجاد شود؟

---

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۱۳۷.

پاسخ: گسترش ارزش‌های اخلاقی و جلوگیری از نشر مطالب فاسد و مستهجن بر همه فرض است و ایجاد نهادهای بدین‌منظور، براساس ضوابط قانونی، اشکال ندارد.

#### ۵. حکم دفاع الکترونیک چیست؟

پاسخ: دفاع الکترونیکی بسیار مهم است و این شعبه‌ای از مجاهدت و دفاع از کبان اسلام و نظام جمهوری اسلامی است و واجب است در این عرصه در حدّ توان و نیاز دفاعی کشور اقدام شود و کار تحقیقاتی و تولیدی روی آن صورت بگیرد و اطلاعات علمی و میدانی به‌روزرسانی شود؛ درحّدی که، دشمنان در این عرصه طمع تجاوز به کشور اسلامی را نداشته باشند.

#### ۶. آیا یادگیری فنون نظامی واجب است؟

پاسخ: بر همه واجب کفایی است و با اقدام عدد کافی، از دیگران ساقط می‌شود.

#### ۷. دیدگاه کارکنان نیروهای مسلح دربارهٔ جهاد فی سبیل الله، علیه متجاوزان

به اسلام و مسلمین، باید چگونه باشد؟

پاسخ: جهاد فی سبیل الله در برابر متجاوزان، از ضروریات دین اسلام است؛ اعتقاد به آن بر همهٔ مسلمانان لازم است و عمل به آن بر تمام کسانی که دارای شرایط جهاد باشند، به قدر کفایت، واجب است.

#### ۸. آیا برای دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی اجازهٔ امام یا مرجع تقلید

لازم است؟

پاسخ: دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی، به هر نحو ممکن، بر تمام مکلفین واجب است و مشروط به اجازه نیست.

## گفتار بیستم

### راهکارهای تحقق سبک زندگی اسلامی

#### ۲۰-۱. تبیین صحیح، دادن بینش و آگاهی صحیح به مردم

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (نحل: ۴۴)؛ و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آن‌ها روشن سازی و شاید، اندیشه کنند.»

«وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (نحل: ۶۴)؛ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم، مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آن‌ها روشن کنی؛ و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می‌آورند!»

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (جمعه: ۲)؛ و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد؛ هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!»

رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ

جَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا  
(طلاق: ۱۱).

رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، از تاریکی ها به سوی نور خارج سازد! و هرکس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد، او را در باغ هایی از بهشت وارد سازد که از زیر (درختانش) نهرها جاری است، جاودانه در آن می ماند، و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است!

شیوه انبیا: تلاوت و انتقال پیام الهی و تعلیم و آموزش خوبی ها. سیره پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام: هرگز به آموزش های کلی و مفهومی اکتفا نکردند. ریزترین مصادیق و رفتارهای یک عنوان کلی را در گفتار و رفتارشان نشان می دادند؛ مثلاً، درباره غذا خوردن؛ شروع با نام خدا، پایان با شکرگزاری الهی. چگونه نشستن، چگونه لقمه گرفتن، چگونگی جویدن، چگونگی نگاه کردن به غذا و... بنابراین، از گام های نخستین در تحقق سبک زندگی، ارائه آموزش های کاربردی و مصداقی به مردم است.

در تبیین باید به ضرورت سبک زندگی اسلامی، بیان مزایای آن، بیان معایب سبک زندگی غربی، تبیین مقایسه ای، بیان راهکارهای دستیابی به سبک زندگی اسلامی و معرفی منابع و مراجع برای رجوع مخاطب پرداخته شود.

## ۲۰-۲. هویت سازی

پاسخ پرسش «من کیستم؟» در حقیقت، همان «هویت» یا «خود» ماست. اگر بتوانیم جایگاه و مسئولیت های خویش را در نظام هستی دریابیم و به این پرسش ها که «از کجا آمده ایم؟» «چه کاری باید بکنیم؟» و سرانجام مان



چیست؟» پاسخ صحیح بدهیم، نشانه آن است که به هویت خویش پی برده ایم و هرچه در اصل پاسخ نقص باشد، هویت ما نیز به همان اندازه، دچار نقص است. هویت می تواند به وسیله عوامل مختلفی به وجود بیاید؛ مثلاً، جنگ ها و حوادث ناگوار که در یک جامعه رخ می دهد، می تواند در سرنوشت جامعه و نسل های آینده آن سرزمین دخیل باشد و فرهنگ هایی که از یک تمدن یا جامعه به تمدن و یا جامعه دیگری وارد می شوند، می توانند هویت ساز باشند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات: ۱۳).

ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این ها ملاک امتیاز نیست)، گرمی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.

از پیامبر خدا ﷺ منقول است که فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ، وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ، وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ إِلَّا بِالتَّقْوَىٰ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ.<sup>۱</sup>

ای مردم، همانا پروردگار شما یکی و پدر شما یکی است؛ هیچ فضیلتی عرب را بر عجم و عجم را بر عرب و سیاه را بر قرمز و قرمز را بر سیاه نیست، جز باتقوا. خداوند می فرماید: «گرمی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.»

۱. محمدبن علی کراجکی، معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، تهران، المكتبة المرتضوية،

انواع هویت: هویت فردی، خانوادگی، جمعی، قومی، ملی، دینی، فرهنگی، تمدنی و... .

### ۲۰-۳. عادت‌سازی؛ اُنس پیدا کردن

باید یک برنامه بریزیم به‌طور مرتّب، حداقل هفتگی، یا روزانه، هرچند کم، تا نسبت به آن عادت و اُنس پیدا کنیم.

عادت از ریشهٔ عود به معنای بازگشت است؛ بنابراین، عادت رفتاری کاری است که انسان بارها به آن باز می‌گردد و تکرار می‌کند. رفتاری که بارها و بارها تکرار می‌شود تا به یک معنا جزو طبیعت ثانوی انسان در می‌آید، می‌تواند خوب یا بد باشد. گاه چنان انسان گرفتار عادت رفتاری است که ترک آن دشوار خواهد بود و اگر به زور و اجبار ترک داده شود، موجب بیماری می‌شود؛ چنان‌که در ضرب المثل فارسی آمده است: ترک عادت موجب مرض است. واژهٔ عادت در فرهنگ قرآنی به کار نرفته، بلکه واژه‌های الفت، دأب، خُلُق، شاکله، سنت و... به همین معنا به کار رفته است.

«قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكْلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا (اسراء: ۸۴)؛ بگو هرکس طبق روش و خلق و خوی خود عمل می‌کند پروردگار شما! آن‌ها را که راهشان نیکوتر است بهتر می‌شناسد.»

طبیعت انسان، هُلُوع (حریص)<sup>۱</sup> و عَجُول<sup>۲</sup> بودن است که البته، باید آن را با عادت‌های دیگری چون احسان و بخشندگی و صبر و حلم تغییر داد. خدا دربارهٔ افرادی که به سبک زندگی نیاکان خویش عادت کرده و گرفتار

---

۱. معارج (۷۰)، آیات ۱۹-۲۱.

۲. اسراء (۱۷)، آیه ۱۱.

محافظه‌کاری سنت‌های اجدادی شده و حاضر به تغییر و پذیرش سبک و آیین‌های جدید عقلانی و عقلایی و حیانی نیستند، می‌فرماید:

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ \* وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (بقره: ۱۷۰-۱۷۱).

و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید می‌گویند: نه بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم، آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند باز هم در خور پیروی هستند؛ و مثال دعوت‌کننده کافرانی اینچنینی پاییند عادت‌های نیاکان، چون مثل کسی است که حیوانی را که جز صدا و ندایی مبهم چیزی نمی‌شنود، بانگ می‌زند! آری کنند، لالند، کورند و در نمی‌یابند.

الف و عادت به سبک زندگی نیاکان اجازه نمی‌دهد تا شخص براساس عقلانیت در مسیر عدالت گام بردارد.

## ۲۰-۳-۱. مصادیقی از عادت‌های خوب در سخنان امام علی علیه السلام

برخی از صفات در انسان است که آدمی سزاوار است به آن‌ها خو گیرد. در

اینجا براساس سخنان امام علی علیه السلام برخی از مصادیق آن بیان می‌شود:

الف) زیبایی‌ها: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «عَوْدُ نَفْسِكَ الْجَمِيلِ؛ فَإِنَّهُ يَجْمَلُ عَنكَ الْأُحْدُوَّةَ، وَيَجْزِلُ لَكَ الْمَثَوْبَةَ»<sup>۱</sup> خویشتن را به کارها و صفات زیبا و نیک عادت ده؛ زیرا نام زیبا و نیک تو را بر سر زبان‌ها می‌اندازد و پاداش تو را زیاد می‌کند.»

ب) گذشت و اجازه دادن به دیگری: امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «عَوْدُ

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۴۵۷.

نَفْسَكَ السَّمَاخَ، وَتَجَنَّبِ الْإِلْحَاخَ؛ يَلْزَمُكَ الصَّلَاخُ؛<sup>۱</sup> خود را به بخشندگی و گذشت عادت ده و از سماجت دوری کن تا پاکی، قرین تو شود.»

پ) نیت نیک: امام علی علیه السلام می فرماید: «عَوِدُ نَفْسِكَ حُسْنُ النِّيَّةِ وَ جَمِيلِ الْمَقْصِدِ، تُدْرِكُ فِي مَبَاغِيكَ التَّجَاخَ؛ خود را به داشتن نیت نیکو و مقصد زیبا عادت ده تا در خواسته های کامیاب شوی.»<sup>۲</sup>

ت) مکارم اخلاقی: اصولاً مکارم اخلاقی که هدف بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله است باید در انسان چنان شکل گیرد که شاکله شخصیتی او شود؛ از همین رو، امام علی علیه السلام تشویق کرده و می فرماید:

عَوِدُ نَفْسِكَ فِعْلُ الْمَكَارِمِ، وَ تَحَمُّلُ أَعْبَاءِ الْمَغَارِمِ، تَشْرُفُ نَفْسُكَ، وَ تُعَمَّرُ آخِرَتُكَ، وَ يَكْثُرُ حَامِدُوكَ.<sup>۳</sup>

خود را به انجام کارهای نیک عادت ده و بارهای تاوان و جرمه ها را بر دوش کش، تا شرافت نفس بیابی و آخرت آبادان شود و ستاینده گانت بسیار شوند.

ث) ذکر خدا و استغفار: همچنین، امام علی علیه السلام می فرماید: «عَوِدُ نَفْسِكَ الْاسْتِغْفَارُ بِالذِّكْرِ وَالْاسْتِغْفَارِ؛ فَإِنَّهُ يَمْحُو عَنْكَ الْحَوْبَةَ، وَيَعْظِمُ لَكَ الْمَثُوبَةَ؛<sup>۴</sup> خود را به آزمندی بر یاد خدا و آمرزش طلبی عادت ده؛ زیرا این کار گناه تو را پاک می سازد و پاداشت را بزرگ می کند.»

ج) بردباری و حلم: امام علی علیه السلام می فرماید: «عَوِدُوا أَنْفُسَكُمْ الْحِلْمَ، وَ اصْبِرُوا

۱. همان، ص ۴۵۸.

۲. محمد بن حسین جمال خوانساری، همان، ج ۴، ص ۳۳۰.

۳. همان، ص ۳۲۹.

۴. همان، ج ۷، ص ۱۲۴.

عَلَى الْإِثَارِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ فِيمَا تُجِمِدُونَ عَنْهُ؛<sup>۱</sup> خویشتن را به بردباری عادت دهید و در ایثار کردن آنچه از آن بخل می‌ورزید، شکیبایی ورزید.

چ) نرم‌گویی و سلام دادن: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «عَوِّدْ لِسَانَكَ لِيْنِ الْكَلَامِ وَبَدِّلِ السَّلَامَ، يَكْثُرُ مُحِبُّوكَ وَيَقِلُّ مُبْغِضُوكَ؛<sup>۲</sup> زبان خود را به نرم‌گویی و سلام گفتن عادت ده تا دوستانت زیاد شوند و دشمنانت کم.»

ح) نیک‌گویی: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «عَوِّدْ لِسَانَكَ حُسْنَ الْكَلَامِ تَأْمِنَ الْمَلَأَ؛<sup>۳</sup> زبان خود را به گفتن سخن نیک و زیبا عادت ده، تا از ملامت محفوظ مانی.»

خ) نیک شنویی: امام علی علیه السلام می‌فرماید:  
عَوِّدْ أُذُنَكَ حُسْنَ الْاسْتِمَاعِ، وَ لَا تُصْغِ إِلَى مَا لَا يَزِيدُ فِي صَلَاحِكَ  
اسْتِمَاعُهُ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِدِّقُ الْقُلُوبَ، وَيُوجِبُ الْمَدَامَ.<sup>۴</sup>

گوش خود را به خوب شنیدن عادت ده و به سخنانی که شنیدن آن‌ها بر درستی و پاکی تو چیزی نمی‌افزاید گوش مسپار؛ زیرا این کار دل‌ها را زنگار می‌زند و موجب نکوهش می‌شود.

د) صبر بر ناخوشی: امام علی علیه السلام در سفارش به فرزند خود امام حسن علیه السلام فرمود: «وَعَوِّدْ نَفْسَكَ التَّصَبُّرَ (الصَّبْرَ) عَلَى الْمَكْرُوهِ، وَنِعْمَ الْخُلُقُ التَّصَبُّرُ فِي الْحَقِّ؛<sup>۵</sup> خویشتن را به صبوری در برابر ناخوشایندها عادت ده و چه نیکو خصلتی است صبوری در راه حق.»

راه‌های ایجاد عادت عبارت‌اند از: تذکر، تکرار، تشویق و تنبیه.

۱. حسن بن علی بن شعبه حرانی، همان، ص ۲۲۴.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۴۵۷.

۳. همان، ص ۴۵۷.

۴. محمد بن حسین جمال خوانساری، همان، ج ۴، ص ۳۲۹.

۵. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

## ۲۰-۴. زمینه‌سازی

زمینه‌سازی در لغت، به معنای به وجود آوردن مقدمات انجام دادن امری است. **الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...** (حج: ۴۱).

همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند ...

## ۲۰-۵. الگوسازی

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱)؛ مسلماً، برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

امام خامنه‌ای (عجله) می‌فرماید:

خدای متعال به ما مسلمانان دستور داده است که از پیامبر تبعیت کنیم. این تبعیت، در همه چیز زندگی است. آن بزرگوار، نه فقط در گفتار خود، بلکه در رفتار خود، در هیئت زندگی خود، در چگونگی معاشرت خود با مردم و با خانواده، در برخوردش با دوستان، در معامله‌اش با دشمنان و بیگانگان، در رفتارش با ضعفا و با اقویا، در همه چیز اسوه و الگوست. جامعه اسلامی ما آن وقتی به معنای واقعی کلمه جامعه اسلامی کامل است، که خود را بر رفتار پیامبر (ص) منطبق کند. اگر به طور صددرصد مثل رفتار آن حضرت عملی نیست که نیست لااقل، شباهت به آن بزرگوار باشد؛ عکس جریان زندگی نبی اکرم (ص) بر زندگی ما حاکم نباشد؛ در آن خط حرکت نکنیم.<sup>۱</sup>

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (عجله) خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۰/۷/۵.

معیارهای انتخاب الگو: تحمیلی نبودن، توجه به تقوا در انتخاب الگو، متناسب بودن الگو از لحاظ بومی و اسلامی بودن.

## ۲۰-۶. جهت‌دهی سلايق و تغيير ذائقه‌ها

امام خامنه‌ای (عج) می‌فرماید:

سلیقه‌سازی می‌کنند، فرهنگ‌سازی می‌کنند؛ بعد از آنکه سلیقه‌ها را عوض کردند، ذائقه‌ها را عوض کردند، آن وقت اگر احتیاج به زر و زور بود، دلارها را وارد می‌کند، نیروهای نظامی و ژنرال‌ها را وارد می‌کند. این، شیوه حرکت غربی‌هاست؛ باید مراقب بود.<sup>۱</sup>

برای این مسئله نیز باید برنامه‌ریزی کرد.

تفاوت افکار و سلیقه‌ها نعمت است. «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَ أَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ (روم: ۲۲)؛ و از آیات او آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست؛ در این نشانه‌هایی است برای عالمان».

جهت‌دهی سلايق با:

- ایجاد فرصت‌های متعدد انتخاب برای مخاطب؛

- ایجاد اشتیاق و تنفر (تبلیغات)؛ با استفاده از انواع رسانه، کمک گرفتن از

مبلغان توانمند، تبلیغ چهره به چهره.

## ۲۰-۷. کمک گرفتن از اصول و قواعد

مانند اصل عبودیت، اصل پیوستگی معاش با معاد، اصل مراقبت ربانی [نظارت و مراقبت خداوند]، اصل اعتدال و میانه‌روی، اصل پاکیزگی و طیب بودن.

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای (عج) در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.

## ۲۰-۸. اصلاح و ایجاد تغییر در سبک زندگی موجود و مرسوم

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (رعد: ۱۱)؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!»

تلاش در جهت تغییر باورها، تغییر ارزش های اخلاقی فرهنگی سیاسی اقتصادی و اجتماعی، تغییر سبک زندگی یا نظام ترجیحات رفتاری مردم از سبک معماری گرفته تا شیوه گذران اوقات فراغت و مدل شادی و تفریح و پوشش و آرایش و ...

## ۲۰-۹. نظارت و ارزیابی مداوم، پایش مداوم

براساس پایش مداوم می بایست نواقص را رفع کرد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا تَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (مائده: ۱۰۵).

ای کسانی که ایمان آورده اید! مراقب خود باشید! اگر شما هدایت یافته اید، گمراهی کسانی که گمراه شده اند، به شما زیانی نمی رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست و شما را از آنچه عمل می کردید، آگاه می سازد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْأَنْجَارُ (تحریم: ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ هاست نگه دارید.»

«لَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (انعام: ۱۶۴)؛ هیچ کس، عمل (بدی) جز به زیان خودش انجام نمی دهد و هیچ گناهکاری گناه دیگری را متحمل نمی شود.»



لَا يَزِيدُهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ  
وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (اعراف: ۱۶-۱۷).

من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آن‌ها کمین می‌کنم! سپس، از  
پیش‌رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ آن‌ها به  
سراغشان می‌روم و بیشتر آن‌ها را شکرگزار نخواهی یافت!

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ  
فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي  
فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي  
كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (ابراهیم: ۲۲).

و شیطان هنگامی که کار تمام می‌شود، می‌گوید: «خداوند به شما  
وعده حق داد و من به شما وعده (باطل) دادم و تخلف کردم! من بر  
شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما دعوت مرا  
پذیرفتید! بنابراین، مرا سرزنش نکنید؛ خود را سرزنش کنید! نه من  
فریادرس شما هستم، و نه شما فریادرس من! من نسبت به شرک  
شما درباره خود، که از قبل داشتید، (و اطاعت مرا هم‌ردیف اطاعت  
خدا قرار دادید) بیزار و کافرم!» مسلماً ستمکاران عذاب دردناکی  
دارند.

## کتابنامه

قرآن کریم.

شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.

علی بن الحسین (علیه السلام). صحیفه سجادیه، قم، الهادی، ۱۳۷۶.  
ابن فهد حلی، احمد بن محمد. عدة الداعی و نجاح الساعی، قم، دار الکتب  
الإسلامی، ۱۴۰۷ق.

ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله. شرح نهج البلاغة، قم، کتابخانه آیت الله  
مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم،  
جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من  
الآیات و الأخبار و الأقوال، تصحیح محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، قم،  
مؤسسة الإمام المهدي (علیه السلام)، ۱۳۸۲.

پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری. دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.

پاینده، ابوالقاسم. نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.  
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. غرر الحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب  
الإسلامی، ۱۴۱۰ق.

جعفر بن محمد الصادق (علیه السلام)، مصباح الشریعه، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ق.  
جمال خوانساری، محمد بن حسین. شرح غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح  
جلال الدین حسینی ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

حاج علی اکبری، محمدجواد. مطلع عشق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰.

حر عاملی، محمدبن حسن. وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.  
حکیمی، محمدرضا. الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.

حمیری، عبدالله بن جعفر. قرب السناد، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۳ق.  
خزاز رازی، علی بن محمد. کفایة الاثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر، قم، بیدار، ۱۴۰۱ق.

شبذینی، محمد و همکاران. مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی اسلامی، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۴.

طبرسی، حسن بن فضل. مکارم الأخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.  
طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.

فیض کاشانی، محمدمحسن. الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.

کراجکی، محمدبن علی. معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۹۴ق.

کلینی، محمدبن یعقوب. الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.  
مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.  
محمدی ری‌شهری، محمد. میزان الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷.  
موسوی خمینی، سیدروح‌الله. صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸.

نوری، حسین بن محمدتقی. مستدرک الوسائل، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.  
ورام بن أبی فراس، مسعودبن عیسی. مجموعه ورام، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ق.